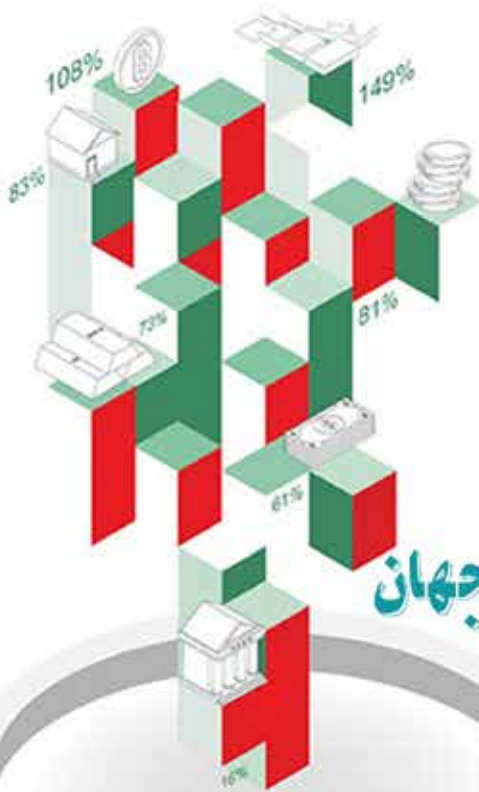


اقتصاد

اقتصادی، تحلیلی

سال سی و یکم - شهریور ۱۴۰۲ قیمت: ۳۰۰۰ تومان



دورنمای اقتصادی جهان



دلائل عقب‌ماندگی ایران در جذب سرمایه خارجی

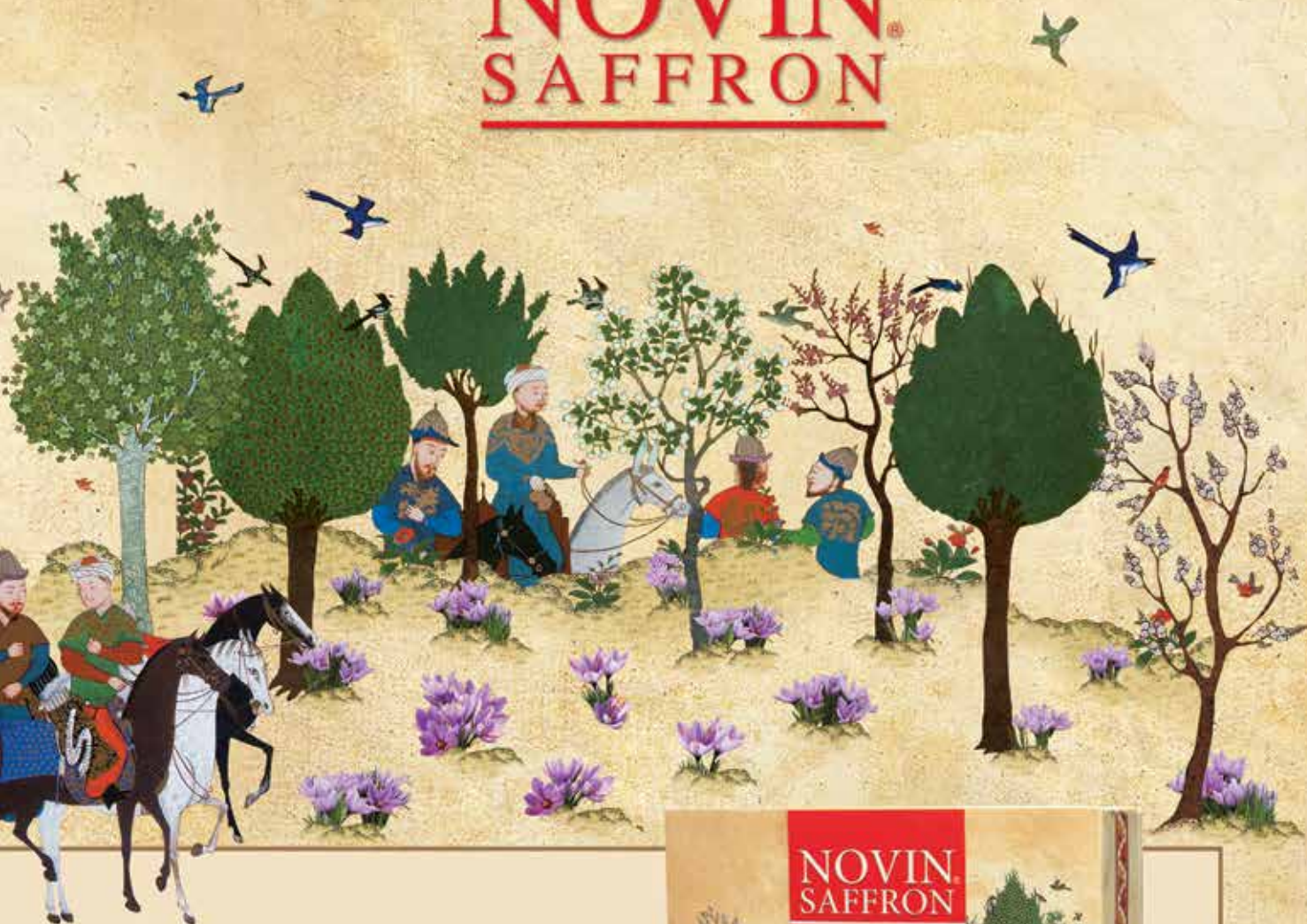
تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران

نقشه اولویت‌ها و فوریت‌های توسعه ایران

برترین اقتصادهای جهان تا سال ۲۰۷۵

چشم‌انداز تاریک تولید

NOVIN SAFFRON



کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۲۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب بلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰





۲	یادداشت / زنگ خطر در جذب سرمایه گذاری خارجی
۳	دورنمای اقتصادی جهان
۸	برترین اقتصادهای جهان تا سال ۲۰۷۵
۱۰	اولویت مهار تورم و ثبات مالی
۱۲	دلایل عقب ماندگی ایران در جذب سرمایه خارجی
۱۵	ایران رتبه نهم جذب سرمایه خارجی در منطقه
۲۰	نقشه اولویت ها و فوریت های توسعه ایران
۲۵	تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران
۳۰	اثر تورم بر رشد اقتصادی
۳۳	چشم انداز تاریک تولید
۳۸	حکمرانی بخش کشاورزی و تبعات آن بر امنیت غذایی
۴۲	حمایت از تولید داخلی و شرکت های دانش بنیان
۴۶	ابر ثروتمندان تجاری
۴۸	اصلی ترین ویژگی های مدیران برتر در قرن ۲۱ چیست؟
۵۰	مروری بر تجارت کالای ایران در پنج ماهه اول سال ۱۴۰۲
۵۱	صادرات ۱۱۰ میلیون دلاری پسته در پنج ماهه اول امسال
۵۲	تأمین ماشین آلات، شرط رونق معادن

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

نشانی: مشهد - خیابان فلسطین

فلسطین ۱ - ساختمان سروش

طبقه تحتانی

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

زنگ خطر در جذب سرمایه گذاری خارجی

مهندس حسین کوه زاد

در شرایطی که رقبای منطقه‌ای ایران رقابت نزدیکی برای جذب سرمایه خارجی بیشتر به منظور تقویت توان اقتصادی خود دارند، به نتیجه نرسیدن مذاکرات احیای توافق هسته‌ای، حل نشدن FATF و در پی آن تداوم تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی باعث شده است تا کشورمان امکان رقابت جدی در این زمینه نداشته باشد.

روایت دقیق و کاملی از حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذب شده در پایان یک سال در کشور ارائه نمی‌شود. به رغم اینکه کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد مجموع سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده از سوی ایران را در سال‌های ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نزدیک به ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرده، اواخر خرداد ۱۴۰۲، احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد در پاسخ به «دنیای اقتصاد» اعلام کرد از زمان آغاز به کار دولت سیزدهم «تا پایان اسفند ۱۴۰۱ (مارس ۲۰۲۳)، ۳۵۶ طرح سرمایه‌گذاری معادل ۶ میلیارد و ۵۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری‌های مصوب و معتبر ثبت شده که طبق مستندات توجیه اقتصادی و فنی داشته و تضامین لازم آن اخذ شده است».

با فرض صحت کامل آمارهای ارائه شده، ایران هنوز فاصله بسیار زیادی با رقبای منطقه‌ای دارد که با توجه به نبود مانع تحریم برای آن‌ها، چشم‌انداز بهتری را هم برای جذب سرمایه خارجی و تقویت توان اقتصادی پیش روی خود می‌بینند. حتی طرح‌های مانند اعطای اقامت پنج ساله با سرمایه‌گذاری ۱۰۰ هزار دلاری چندان مفید ارزیابی نمی‌شود. شاید برخی از افغان‌های ثروتمند که از حکومت طالبان خسته و فراری باشند، تمایل به این داشته باشند که بین کشورهای همسایه، ایران را برای زندگی و سرمایه‌گذاری انتخاب کنند، اما به جز آنان، بعید است این طرح، غربی‌ها را به سمت کشور ما روانه کند.

گزارش سالانه UNCTAD حاکی از آن است که در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) ایران از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در جایگاه نهم قرار گرفته است. برآوردها نیز نشان می‌دهد دست کم طی سه سال آینده نیز رقبای ایران در منطقه وضعیت بهتری از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهند داشت. موسسه Kearney در گزارش سال ۲۰۲۳ خود لیستی از ۲۵ کشوری که بازارهای آن‌ها طی سه سال آینده برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر خواهد بود ارائه کرده که در این میان نام ۶ کشور از خاورمیانه و شمال آفریقا شامل امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی، مصر، ترکیه و مراکش دیده می‌شود.

هر چند اقداماتی نظیر پیوستن به گروه بریکس فرصت‌هایی را در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیش روی ایران قرار می‌دهد اما با توجه به نبود چشم‌اندازی برای رفع تحریم‌ها و همچنین امتناع بسیاری از کشورها از سرمایه‌گذاری کلان در صورت تداوم تحریم‌ها به نظر نمی‌رسد که دست کم در میان مدت تحول ویژه‌ای در این زمینه ایجاد شود.

دورنمای اقتصادی جهان

مهندس زهرا پزشکی

طبق گزارش بانک جهانی، در مجموع رشد بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه (EMDE) طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد. تشدید سیاست‌های پولی و محدودیت‌های مالی جهان به ویژه رشد آمریکای لاتین و دریای کارائیب (LAC)، منطقه جنوب آسیا (SAR) و جنوب صحرای آفریقا (SSA) را کند می‌سازد. لذا افزایش مداوم قیمت‌های انرژی، دورنمای واردکنندگان تمامی این مناطق را با چالشی عظیم مواجه می‌سازد و کاهش قیمت‌های فلزات نیز بر شرایط تجارت آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا تأثیر خواهد گذاشت. انتظار می‌رود که کاهش تقاضای واردات از سوی اقتصادهای پیشرفته (AEs) به ویژه بر شرق آسیا و اقیانوسیه (EAP) و اروپا و آسیای مرکزی (ECA) تأثیر بگذارد. همینطور رکود اقتصادی ناشی از همه‌گیری و بهبود ناقص آن طی نیم دهه تا سال ۲۰۲۴ به رشد ضعیف درآمد سرانه آمریکای لاتین و دریای کارائیب، خاورمیانه و شمال آفریقا (MNA) و جنوب صحرای آفریقا دامن بزند. همچنین ریسک‌های بازار سهام تمام مناطق به سمت منفی گرایش پیدا نموده و احتمال وقوع آن‌ها بیشتر خواهد شد که از جمله این ریسک‌ها می‌توان احتمال تنش‌های مالی و نقدینگی‌های بیشتر ناشی از ضعف عمده اقتصادهای پیشرفته (به ویژه در شرق آسیا و اقیانوسیه، اروپا و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا)، شوک‌های قیمت کالا (به ویژه در اروپا و آسیای مرکزی، شرق آسیا و اقیانوسیه و منطقه جنوب آسیا)، درگیری‌ها (به ویژه در اروپا و آسیای مرکزی، خاورمیانه و شمال آفریقا و جنوب صحرای آفریقا) و بلایای طبیعی (پرریسک در مناطق فرعی شرق آسیا و اقیانوسیه، آمریکای لاتین و دریای کارائیب و منطقه جنوب آسیا) را برشمرد.

مقدمه

یورو به ضعیف‌ترین میزان رشد دچار شوند. در آمریکای لاتین و دریای کارائیب نیز تشدید سیاست‌های سختگیرانه برای مهار تورم به رشد این کشورها منجر خواهد شد. همینطور در خاورمیانه و شمال آفریقا پیش‌بینی می‌شود که رشد این مناطق به دلیل افزایش قیمت نفت، کاهش سریعی نسبت به نرخ رشد بالای یک دهه آنها در سال ۲۰۲۲ داشته باشد. دورنمای منطقه جنوب آسیا به دلیل نقدینگی محدود دهند به واسطه کندی رشد جهان رو به بهبود است، ولی باین وجود انتظار می‌رود که این منطقه کاهش رشد قابل توجهی را طی سال ۲۰۲۳ تجربه نماید. رشد شرق آسیا و اقیانوسیه و جنوب صحرای آفریقا به تدریج طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ بهتر می‌شود، ولی این رشد به دلیل ضعف اقتصادهای منطقه بسیار کم خواهد بود. همچنین رشد ضعیف بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه، این مناطق را نسبت به شوک‌های منفی از جمله مشکلات ترازهای پرداختی، بحران‌های بدهی، تقاضای کم خارجی، قیمت‌های زیاد غذا و انرژی و بلایای طبیعی ناشی از تغییرات آب و هوا آسیب پذیرتر می‌سازد.

لذا اینجاست که دو سؤال مطرح می‌گردد:

– چه نوع اختلافات بین منطقه‌ای در این دورنمای رشد قابل مشاهده خواهد بود؟

مناطق بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه از جمله مناطقی هستند که همیشه ساز مخالف سر می‌دهند که از دلایل این سازهای مخالف را می‌توان قدرت‌های اقتصادی، پیامدهای تهاجم روسیه به اوکراین (از جمله قیمت‌های زیاد غذا و انرژی)، تشدید شرایط مالی و ادامه ادغام نهاد‌های مالی دانست. لذا انتظار می‌رود این عوامل مانع رشد این مناطق طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و تغییر رتبه‌بندی‌های کل آن‌ها بگردند. همچنین انتظار می‌رود که اروپا و آسیای مرکزی به دلیل جنگ و کاهش شدید

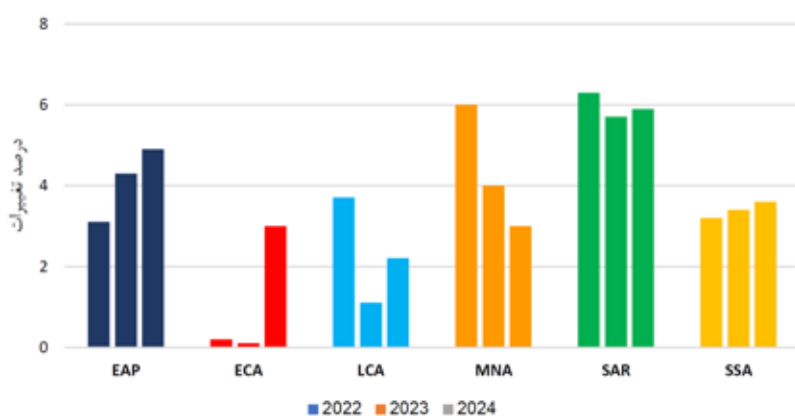
ریسک‌های کلیدی مربوط به دورنمای هر کدام از مناطق چیستند؟

دورنما

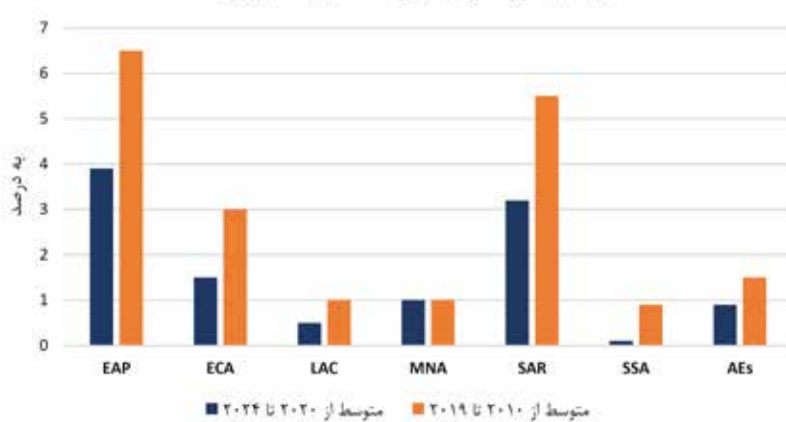
مناطق بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به واسطه دورنمای تاریک اقتصاد جهان و تضعیف شرایط داخلی با افزایش نقدینگی‌های متعددی رو به رو هستند و رو به هم رفته دورنمای رشد طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ از ژوئن به بعد برای این منطقه کاهشی است (شکل ۱-الف)). همین‌طور با تولید نسبتاً دست نخورده (نه زیاد و نه کم) در سال ۲۰۲۳ رشد کمتری برای اروپا و آسیای مرکزی برای دومین سال متوالی پیش بینی می‌گردد که نشان از رکود اقتصادی شدید روسیه و رشد ضعیف جاهای دیگر دارد. دورنمای آمریکای لاتین و دریای کارائیب هم به خاطر رشد بسیار کم آن‌ها در سال ۲۰۲۳، فقط با بهبود واردات کالاهاست که به تدریج می‌تواند تا سال ۲۰۲۴ بهتر شود. پس از سپری شدن یک دهه رشد بالا برای خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد این مناطق به دلیل افزایش بهای انرژی به سرعت به متوسط رشد خود در دهه ۲۰۱۰ کاهش یابد. در سال ۲۰۲۲، هر چند ضعف چین بر فعالیت شرق آسیا و اقیانوسیه تأثیر گذاشت، اما بقیه مناطق از این تأثیر مصون ماندند. طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ رشد این مناطق به خاطر بهبود نسبی چین قدری بهتر خواهد شد، اما رشد کلی آن‌ها نسبت به دهه پیش از همه‌گیری، کندتر خواهد بود.

میزان رشد اقتصادی جنوب صحرائی آفریقا، همچنان متوسط خواهد بود که پیشرفت محدود آن نیز با کاهش فقر اتفاق خواهد افتاد. در منطقه جنوب آسیا هم انتظار می‌رود که رشد اقتصادها به سرعت کاهش یابد و به طور کلی افزایش رشد اقتصادی کل بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه به سمت هند در جریان آید. با این حال، پاکستان با افزایش مشکلات اقتصادی و سریلانکا با بحران مواجه می‌باشند. همچنین انتظار می‌رود که بهبود استانداردهای زندگی تمامی مناطق طی نیم دهه تا سال ۲۰۲۴ کندتر از سال‌های ۲۰۱۰ تا

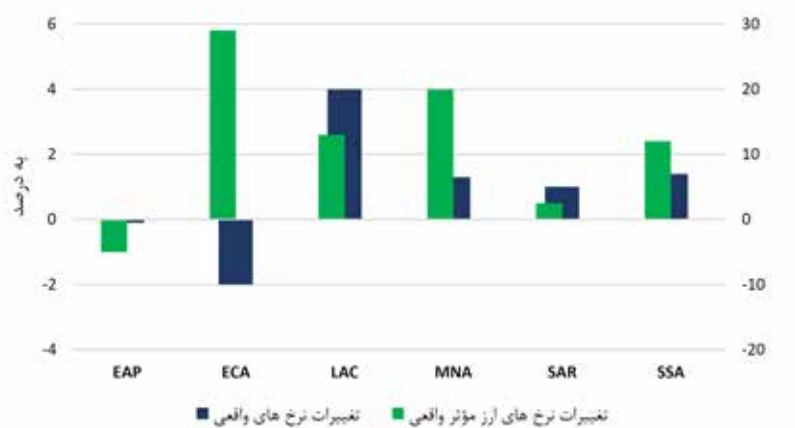
شکل ۱- الف: درصد تغییرات نسبت به سال قبل



شکل ۱- ب: متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه سالانه



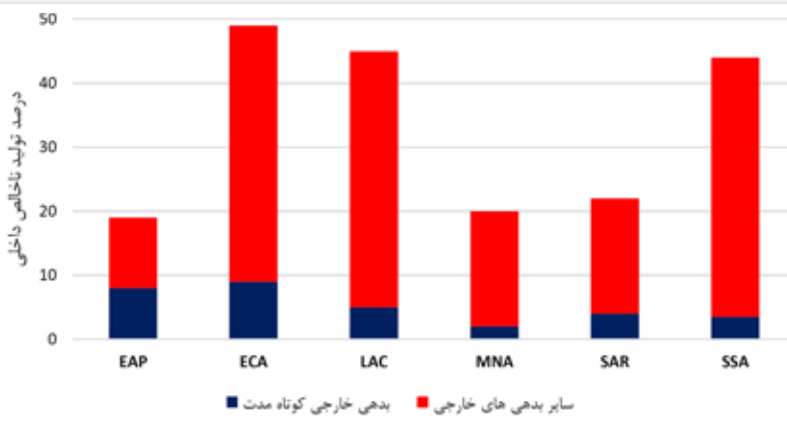
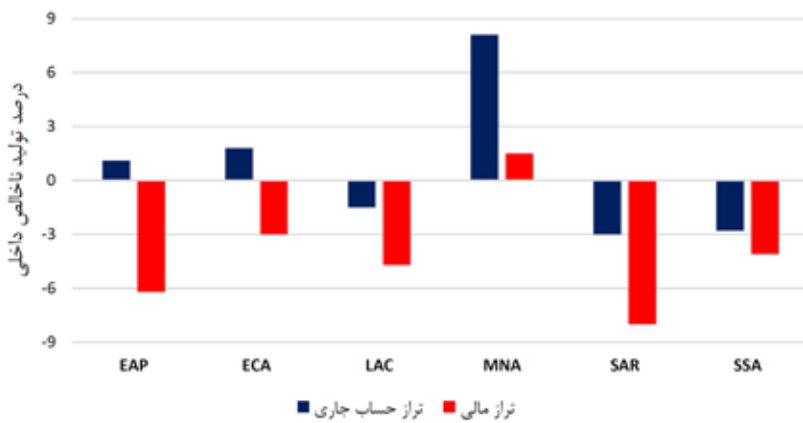
شکل ۱- ج: تغییرات سیاست‌های نرخ بهره واقعی و نرخ‌های ارز مؤثر واقعی در سال ۲۰۲۲



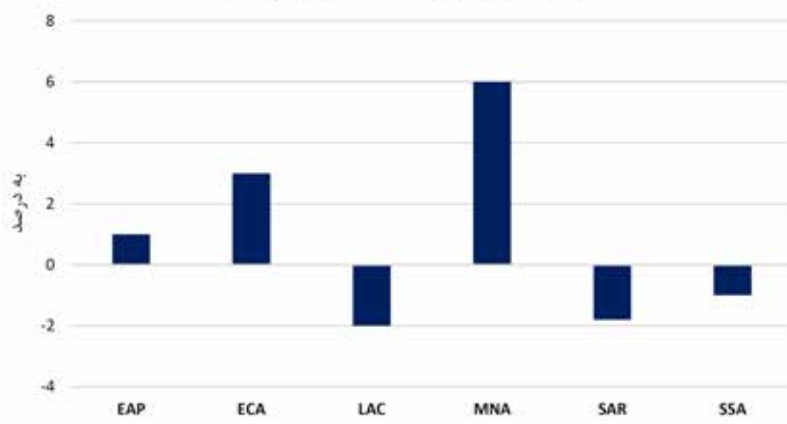
۲۰۱۹ باشد (شکل ۱-ب). در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرائی آفریقا هم انتظار می‌رود که درآمد سرانه این مناطق خیلی با درآمد سرانه اقتصادهای پیشرفته متفاوت باشد.

شرایط مالی محدود جهانی و تشدید کنترل پول داخلی هم به خاطر دلسردی سرمایه‌گذاران و افزایش بدهی هزینه‌های خدماتی بر دورنمای بسیاری از مناطق از جمله آمریکای لاتین و دریای کارائیب، منطقه جنوب آسیا و جنوب صحرائی آفریقا تأثیر خواهند گذاشت. بسیاری از بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه هم در حال پیگیری تعدیل‌های مالی ضروری خود هستند که همین موضوع بر دورنمای رشد کوتاه مدت آن‌ها تأثیر

شکل ۲-ب: ترازهای حساب جاری و مالی در سال ۲۰۲۳



شکل ۲-ج: تغییر شرایط کالاهای تجاری در سال ۲۰۲۲

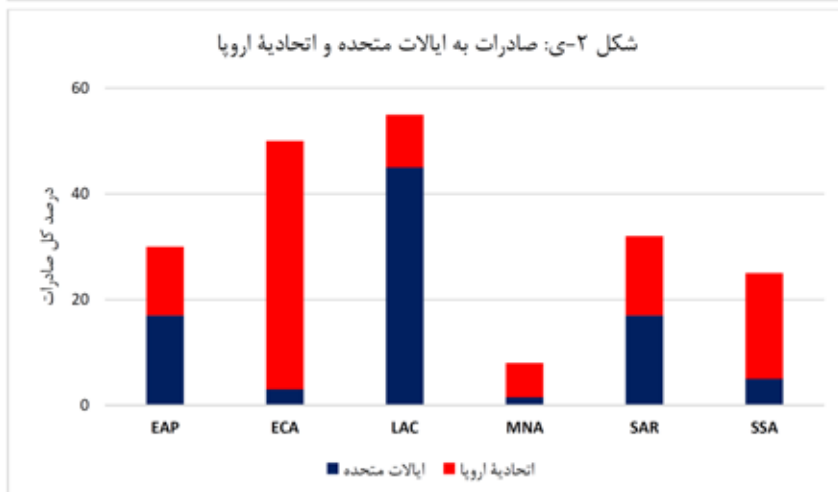
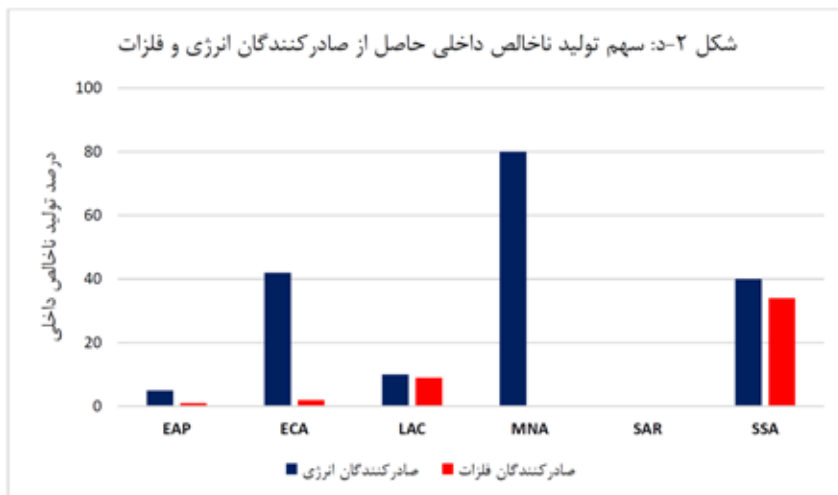


تأثیر خواهند گذاشت. دورنمای رشد ضعیف جهان به معنی رشد محدود تقاضا برای صادرات کالاهای اولیه از سوی آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرائی آفریقا هم محسوب می گردد، هر چند رشد تدریجی تقاضای واردات چین، مقداری از این اثر خواهد کاست. تولیدکنندگان کالاهای شرق آسیا و اقیانوسیه و آمریکای لاتین و دریای کارائیب به شدت در معرض کاهش شدید رشد اقتصادی پیش بینی شده برای ایالات متحده قرار دارند. در عوض در منطقه جنوب آسیا، فضای تجاری محدود از آسیب پذیری مستقیم نقدینگی های تجاری خواهد کاست. تورم زیاد و تضعیف قابل توجه ارزشهای چندین اقتصاد پیشرفته هم به خاطر کاهش رقابت پذیری به افزایش نرخ واقعی ارزش اکثر بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه کمک می نماید. در اروپا و آسیای مرکزی، این افزایش به سقوط یورو و استرلینگ، افزایش روبل روسیه و تورم داخلی دورقمی گسترده اشاره دارد.

خواهد داشت. تشدید بیشتری روی سیاست های پولی آمریکای لاتین و دریای کارائیب صورت گرفته است و همین امر باعث شده تا بانک های مرکزی با بالابردن نرخ های سود و بهره زودتر از سایر مناطق نسبت به افزایش قیمت ها واکنش نشان دهند. نرخ بهره واقعی و اسمی بیشتر ممکن است به کاهش ارزش پول و تضمین ثبات اقتصاد کلان در میان مدت کمک نماید، ولی همچنین انتظار می رود که تقاضای داخلی طی سال های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ کاهش یابد (شکل ۱-ج).

به تازگی سیاست های مالی و پولی منطقه جنوب آسیا و جنوب صحرائی آفریقا، سازگاری کمتری از خود نشان داده اند، چون مقامات به دنبال کسری های مالی کمتر و نرخ های بهره واقعی بیشتر هستند تا از فشارهای ناشی از افزایش تأمین مالی خارجی بکاهند. در خاورمیانه و شمال آفریقا، سیاست پولی واردکنندگان و صادرکنندگان خالص نفت خام با مهار تورم فزاینده و کسری حساب جاری همسو با نرخ ثابت ارز و به رسمیت شناختن فشارهای قابل توجه قیمتی بر خانوارها تشدید شده است. در اروپا و آسیای مرکزی، نرخ های حمایت اسمی بسیاری از کشورها به بالاترین حد خود طی چند دهه رسیده اند که این نرخ ها از قیمت ها پیشی گرفته و در نتیجه نرخ های واقعی به شدت کاهش یافته اند. بسیاری از مقامات اروپا و آسیای مرکزی هم به تدابیر مالی اضطرابی جهت حمایت از جوامعی که با کاهش درآمد واقعی به دلیل قطع تأمین انرژی به واسطه جنگ رو به رو هستند، روی آورده اند. سیاست پولی و مالی چین هم تا حدی به خاطر فعالیت ضعیف و عدم کاهش تورم به مقدار مدنظر، کاهش یافته است. در جاهای دیگر شرق آسیا و اقیانوسیه، این سیاست به دلیل افزایش تورم و فشار قیمت ها شروع شده است که البته به خاطر تورم همچنان کمتر از سایر مناطق، در جریان است.

کاهش شدید رشد اقتصادهای پیشرفته، بازار صادرات بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه را تضعیف خواهد ساخت. سیاست های انقباضی منطقه یورو بر روی اروپا و آسیای مرکزی و واردکنندگان خالص نفت خام خاورمیانه و شمال آفریقا



همچنان بالا بمانند. در برخی کشورها، این امر بیانگر فشار مداوم روی مصرف کننده است؛ در سایر کشورها نیز با کنترل قیمت و یارانه‌ها ممکن است در ابتدا به خانوارها کمک شود، اما بار مالی و تحریف‌های مرتبط با چنین سیاست‌هایی افزایش خواهند یافت.

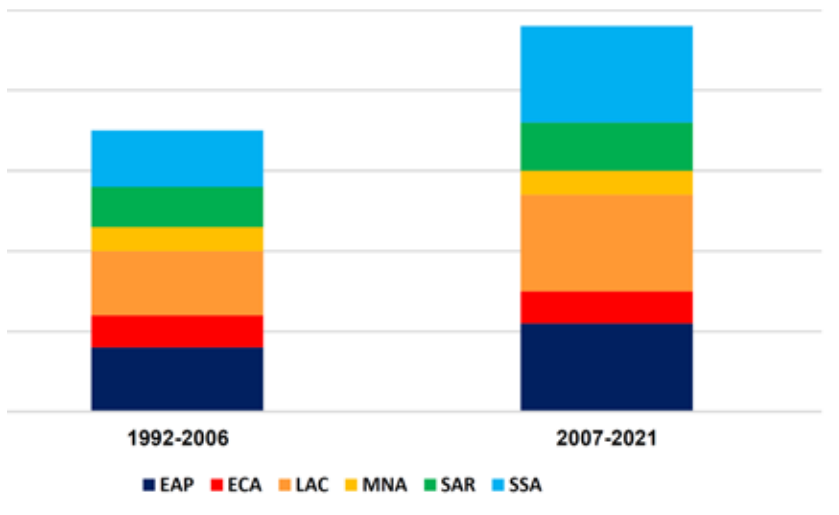
ریسک‌ها

پیش‌بینی‌های پایه در معرض طیف وسیعی از ریسک‌های منفی ناشی از تشدید بیشتر سیاست‌های جهانی، تحولات ژئوپلیتیکی نامطلوب و چالش‌های متفاوت داخلی قرار دارند. تشدید بیشتر شرایط مالی جهان متعاقباً ریسک‌های بیشتری را برای اروپا و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا به دنبال خواهد داشت که این تشدید بیشتر به اندازه و ترکیب سهام بدهی منطقه‌ای برمی‌گردد. افزایش بیشتر قیمت‌های انرژی و غذا که بالقوه با تشدید جنگ‌اکراین در ارتباطند، و زلزله‌سنگینی برای منطقه جنوب آسیا و جنوب صحرای آفریقا و همچنین واردکنندگان انرژی اروپا و آسیای مرکزی و خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می‌آیند. نقدینگی‌های بیشتر تجاری حاصل از فعالیت‌های اقتصادی ضعیف تر از حد انتظار اقتصادهای پیشرفته می‌تواند سبب تضعیف تولید در شرق آسیا و اقیانوسیه و آمریکای لاتین و دریای کارائیب شوند. در داخل هم بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه باریسک‌های ناشی از تشدید درگیری‌ها در اروپا و آسیای مرکزی، خاورمیانه و شمال آفریقا و جنوب صحرای آفریقا و همچنین ریسک‌های مرتبط با شرایط بد اقلیمی ناشی از رویدادهای آب و هوایی به ویژه در شرق آسیا و اقیانوسیه و آمریکای لاتین و دریای کارائیب مواجهند.

در کل باید گفت که بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه در مواجهه باریسک بی‌نظمی‌ها و سخت شدن شرایط مالی قرار دارند که این خطرات می‌توانند در واکنش به

در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، تورم زیاد با مقاومت ارزهای داخلی همراه شده است که از صادرات کالاها قوی و افزایش نرخ بهره واقعی حکایت دارد. تولیدکنندگان انرژی خاورمیانه و شمال و جنوب صحرای آفریقا هم به دلیل درآمدهای بادآورده ناشی از صادرات (درکنار نرخ‌های ثابت ارز در خیلی از موارد) با استقبال فراوانی روبه‌رو گردیده‌اند. شرق آسیا و اقیانوسیه و منطقه جنوب آسیا تنها مناطقی هستند که در سال ۲۰۲۲ به دلیل تضعیف رنمینی چینی‌ها و کاهش شدید ارزش پول اسمی پاکستان و سریلانکا، نقش چندانی در تقویت نرخ واقعی و مؤثر ارز نداشته‌اند.

اختلاف قیمت کالاها از دیگر عوامل کلیدی در پیشبرد دورنمای منطقه‌ای به شمار می‌رود. علی‌رغم کندشدن رشد اقتصادی جهان، انتظار می‌رود که قیمت‌های انرژی همچنان بالا بمانند. در مقابل، قیمت بیشتر فلزاتی که در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، ۱۵ درصد دیگر نیز در سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت (تمامی قیمت‌ها به دلار آمریکا هستند). تنها منطقه قرار گرفته در بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه که رشد آن با دورنمای قیمت کالاها تقویت می‌شود، خاورمیانه و شمال آفریقا است که از دلایل این امر می‌توان به برتری صادرکنندگان انرژی آن اشاره کرد. در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا هم در عین حال که صادرکنندگان سوخت‌های فسیلی از قیمت‌های بالای انرژی نفع می‌برند، ولی صادرکنندگان فلزات صنعتی از بدتر شدن شرایط تجارت که به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و رشد تولید منجر خواهد گردید، ناراضی هستند. تأثیرات این تغییرات قیمت کالاها در اروپا و آسیای مرکزی متفاوت خواهند بود و به احتمال زیاد، صادرکنندگان انرژی همچنان شاهد افزایش درآمدهای حاصل از صادرات هستند، ولی قیمت‌های بیشتر انرژی و غذا باعث کاهش مصرف در سطح منطقه می‌شود. بیشتر اقتصادهای بزرگ شرق آسیا و اقیانوسیه و منطقه جنوب آسیا به واردات انرژی وابسته‌اند و انتظار می‌رود که با مصرف زیاد زغال سنگ و گاز، قیمت‌ها



منطقه را تشکیل می دهند (شکل ۲-۵). در اروپا و آسیای مرکزی هم هر چند قیمت های بالاتر از حد انتظار انرژی ممکن است سودهای بادآورده ای را برای صادرکنندگان آن به دنبال داشته باشند، فشارهای شدید قبلی، شرایط تجاری اروپای مرکزی و شرقی را بدتر خواهند ساخت و می توانند کاهش نقدینگی شدیدی را برای منطقه یورو به دنبال داشته باشند. پیامدهای نامطلوب رشد جهانی هم می توانند باعث کاهش بیشتر از حد انتظار قیمت فلزات شوند که این خود باعث ناهم ترازای خارجی گردیده و ریسک های منفی برای صادرکنندگان فلزات آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا را به دنبال خواهد داشت.

بدتر شدن این شرایط در مناطق بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در حالی اتفاق می افتد که ریسک های منفی جهانی، تضعیف اقتصادی بیشتر برای اقتصادهای پیشرفته و چین را نتیجه دهند و در این شرایط این ریسک ها بیشتر مناطق صادراتی بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه و به ویژه اروپا و آسیای مرکزی و آمریکای لاتین و دریای کارائیب را مورد حمله قرار خواهند داد (شکل ۲-۵). حتی در مناطقی که قرارگیری در معرض صادرات مستقیماً قابل مشاهده نباشد، کاهش هزینه های مصرف کننده در زنجیره تأمین از تقاضا برای کالاهای واسطه ای و اولیه خواهد کاست. بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به شدت نسبت به شوک های ناشی از بلایای طبیعی، از جمله رویدادهای شدید آب و هوایی مثل سیل، طوفان و خشکسالی آسیب پذیرند و چنین رویدادهایی به خاطر تغییرات اقلیمی بیشتر خواهند شد (شکل ۲-۶). آب و هوای بد، یک تهدید اقتصادی شدید برای کشورهای کوچک شرق آسیا و اقیانوسیه و آمریکای لاتین و دریای کارائیب محسوب می گردد، چراکه این کشورها سالانه به طور متوسط نزدیک به ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به خاطر این بلایا از دست می دهند. برخی مناطق جنوب آسیا هم باریسک های زیادی رو به رو می باشند که از آن جمله می توان به آسیب های ناشی از سیل اخیر پاکستان اشاره کرد.

بسیاری از چالش های اجتماعی و سیاسی هم می توانند باعث افزایش ناامنی غذایی مناطق بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، گسترش درگیری های مسلحانه در برخی مناطق و پیشرفت کند کاهش فقر گردند. اخیراً در برخی مناطق جنوب صحرای آفریقا، خشونت و درگیری مسلحانه، پیامدهای وخیمی را برای ایمنی، امنیت غذایی و رشد کودکان به دنبال داشته اند. ناامنی غذایی خاورمیانه و شمال آفریقا هم در کنار مشکلات واردات خالص نفت خام در حال افزایش است و چندین اقتصاد مدت هاست که دارند با این اوضاع بد دست و پنجه نرم می کنند. در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، پایین آمدن استانداردهای زندگی می تواند بر خطرات مخرب اجتماعی بیافزاید و این ناآرامی ها، مبارزه با افزایش جرم و جنایت و فساد در برخی کشورها را برای مقامات آن کشورها دشوارتر خواهند ساخت. در همین حال، مناطق اروپا و آسیای مرکزی هم با عدم قطعیت و ریسک های منفی زیادی به خاطر یک جنگ طولانی مدت رو به رو هستند.

افزایش مداوم تورم به خاطر افزایش نرخ بهره اقتصادهای پیشرفته و با بدتر شدن تمایلات ریسک جهانی، تشدید گردند. بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه که در معرض بیشترین ریسک تنش های مالی قرار دارند، آن هایی هستند که سهم عمده ای از بدهی های خارجی به ویژه در سررسیدهای کوتاه مدت یا به ارزش خارجی به دوش آن هاست. این بدهی ها ممکن است ارائه خدمات و جابجایی را بسیار پرهزینه سازند و در حاکمیت، شرکتها یا بخش های مالی تنش به وجود بیاورند. بیشتر این ریسک ها به دلیل بدهی های مختلف شرکت های بزرگ، بدهی های زیاد دولتی و کاهش قابل توجه ارزش در برابر دلار آمریکا هستند که در اروپا و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و دریای کارائیب و جنوب صحرای آفریقا مشاهده می شوند (شکل ۲-۶). مشکلات دسترسی به اعتبارات خارجی هم به ویژه در کشورهای که از منابع مالی و کسری حساب جاری زیادی برخوردارند، به چشم می خورند. این ریسک ها متعاقباً در اقتصادهای بزرگ منطقه ای که در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، منطقه جنوب آسیا و جنوب صحرای آفریقا، قرار دارند، قابل مشاهده اند که در برخی مناطق بیشتر هستند (شکل ۲-۶).

اگر قیمت های انرژی بیشتر از قیمت های پیش بینی شده باشند، چند منطقه واقع در بازارهای نوظهور و مناطق اقتصادی در حال توسعه می توانند شاهد وخامت اوضاع در تجارت کالاهای خود باشند (شکل ۲-۷). در این حالت، طیف گسترده ای از عوامل می تواند به افزایش قیمت انرژی دامن بزند که از آن جمله می توان آب و هوای سرد غیرعادی اروپا، ادامه واکنش های کند عرضه نفت از سوی تولیدکنندگان ایالات متحده و آشفته گی ژئوپلیتیک بیشتر برای صادرکنندگان انرژی را برشمرد. این عوامل بیشتر بر قیمت واردات سراسر منطقه و ترازهای حساب جاری شرق آسیا و اقیانوسیه و جنوب صحرای آفریقا تأثیر می گذارند؛ این مناطق از جمله مناطقی هستند که واردکنندگان انرژی، اکثریت قریب به اتفاق تولیدکنندگان ناخالص داخلی این



گلدمن ساکس پیش‌بینی کرد

برترین اقتصادهای جهان تا سال ۲۰۷۵

سازمان ملل پیش‌بینی کرده است که اقتصاد جهان در سال جاری ۲,۳ درصد رشد خواهد کرد. پیش‌بینی رشد آمریکا برای سال جاری ۱,۱ درصد و برای چین ۵ درصد بوده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود اقتصادهای اروپایی تحت تاثیر جنگ اوکراین و روسیه تنها ۰,۹ درصد رشد را تجربه کنند و این روند نزولی در پیش‌بینی جدید گلدمن ساکس همچنان تداوم خواهد داشت.

کارشناسان اقتصادی زیادی قرن ۲۱ را قرن آسیا نامیده‌اند. گلدمن ساکس هم باور دارد به دلیل عملکرد بهتر از حد انتظار کشورهای آسیایی و عملکرد ضعیف‌تر از حد انتظار کشورهای عضو بریکس، وزنه تولید ناخالص داخلی جهانی در سال ۲۰۵۰ در سمت آسیا سنگین‌تر خواهد شد. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده توسط موسسه پژوهشی PWC تولید ناخالص داخلی جهانی بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۵۰ نزدیک به ۱۳۰ درصد رشد خواهد کرد. چین به تنهایی یک پنجم سهم تولید ناخالص مبتنی بر برابری قدرت خرید جهانی را تا سال ۲۰۵۰ خواهد داشت، در حالی که هند از آمریکا سبقت گرفته و در رتبه دوم جهان خواهد ایستاد.

موسسه مالی گلدمن ساکس در گزارش اخیر خود اعلام کرده است که موازنه قدرت اقتصادی در جهان در دهه‌های آینده دستخوش تغییراتی قابل توجه خواهد شد، برای مثال قرار است تا ۵۰ سال آینده اقتصاد هند از اقتصاد آمریکا سبقت بگیرد.

بر اساس پیش‌بینی‌های گلدمن ساکس، لیست برترین اقتصادهای جهان تا سال ۲۰۵۰ و پس از آن تا سال ۲۰۷۵ دستخوش تغییراتی قابل توجه خواهد شد. این تغییرات با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) مبتنی بر برابری قدرت خرید (PPP) برآورد شده‌اند.

تولید ناخالص داخلی ارزش بازار همه کالاها و خدمات تولید شده در بازه زمانی مشخصی را در داخل یک کشور مشخص می‌کند. اما تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید، ارزش کالاها یا خدمات تولید شده در یک کشور را نسبت به واحد پول کشوری دیگر، معمولاً دلار آمریکا، برآورد می‌کند. از این شاخص به صورت گسترده‌ای برای سنجش تفاوت‌های میان بهره‌وری در اقتصاد کشورهای مختلف جهان استفاده می‌شود. برای مثال آمریکا بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی بزرگترین اقتصاد جهان به شمار می‌رود، اما بر اساس شاخص برابری قدرت خرید چین بزرگترین اقتصاد جهان خواهد بود.

Projections and Highlights for 2050

The following table shows the projected top economies in the world for 2050. All figures represent real GDP projections, based on 2021 USD.

Rank	Country	Real GDP in 2050 (USD trillions)
1	China	\$41.9
2	US	\$37.2
3	India	\$22.2
4	Indonesia	\$6.3
5	Germany	\$6.2
6	Japan	\$6.0
7	UK	\$5.2
8	Brazil	\$4.9
9	France	\$4.6
10	Russia	\$4.5
11	Mexico	\$4.2
12	Egypt	\$3.6
13	Saudi Arabia	\$3.5
14	Canada	\$3.4
15	Nigeria	\$3.4

قدرتمندترین اقتصادهای جهان بر اساس پیش‌بینی موسسه گلدمن ساکس

۲۰۲۲	۲۰۵۰	۲۰۷۵
آمریکا	چین	چین
چین	آمریکا	هند
ژاپن	هند	آمریکا
آلمان	اندونزی	اندونزی
هند	آلمان	نیجریه
بریتانیا	ژاپن	پاکستان
فرانسه	بریتانیا	مصر
کانادا	برزیل	برزیل
روسیه	فرانسه	آلمان
ایتالیا	روسیه	بریتانیا
برزیل	مکزیک	مکزیک
کره	مصر	ژاپن
استرالیا	عربستان سعودی	روسیه
مکزیک	کانادا	فیلیپین
اسپانیا	نیجریه	فرانسه

دو برابر رشد خواهد داشت. همچنین حضور پاکستان، نیجریه و مصر در میان ۱۰ اقتصاد برتر جهان نشان از متفاوت بودن جهان پیش‌بینی شده گلدمن ساکس در سال ۲۰۷۵ دارد. یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌هایی که در محاسبه این تخمین‌ها در نظر گرفته شده است، رشد جمعیت است که می‌تواند منجر به افزایش قابل توجه نیروی کار در کشورهای جهان شود.

همچنین برابری نسبی تولید ناخالص داخلی چین، هند و آمریکا در پیش‌بینی سال ۲۰۷۵ گلدمن ساکس این پرسش را مطرح می‌کند که این ۳ قدرت برتر جهان برای تعامل با یکدیگر چه مسیری را در پیش خواهند گرفت؟ پاسخ این پرسش چشم‌انداز آینده جهان را شکل خواهد داد.

The Top Economies in the World in 2075

The following table includes the underlying numbers for 2075. Once again, figures represent real GDP projections, based on 2021 USD.

Rank	Country	Real GDP in 2075 (USD trillions)
1	China	\$57.0
2	India	\$52.5
3	US	\$51.5
4	Indonesia	\$13.7
5	Nigeria	\$13.1
6	Pakistan	\$12.3
7	Egypt	\$10.4
8	Brazil	\$8.7
9	Germany	\$8.1
10	UK	\$7.6
11	Mexico	\$7.6
12	Japan	\$7.5
13	Russia	\$6.9
14	Philippines	\$6.6
15	France	\$6.5

موسسه بین‌المللی مکینزی هم در گزارش جدید خود بر تاثیر شرکت‌های بزرگ بر اقتصاد جهانی تاکید کرده است، به ویژه شرکت‌هایی از قبیل اپل، مایکروسافت و لاکهیدمارتین که درآمد سالانه آنها بالای یک میلیارد دلار است و بسیاری از آنها به دنبال نیروی کار ارزان، بخش تولید خود را به آسیا منتقل ساخته‌اند. شرکت‌های آسیایی نظیر توپوتا و علی‌بابا هم سهم زیادی در اقتصاد جهانی دارند. همین وضعیت احتمال حضور اقتصادهای آسیایی در میان اقتصادهای برتر جهان را در دهه‌های آینده تقویت می‌کند. به صورت خاص، پیش‌بینی گلدمن ساکس نشان می‌دهد اندونزی قرار است تا سال ۲۰۵۰ به چهارمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شود. این کشور در حال حاضر از نظر جمعیت در رتبه چهارم جهان ایستاده است.

برترین اقتصادهای جهان تا سال ۲۰۵۰ و ۲۰۷۵

گلدمن ساکس با استفاده از تولید ناخالص داخلی مبتنی بر برابری قدرت خرید، برترین اقتصاد برتر جهان تا سال ۲۰۵۰ را چین با تولید ناخالص داخلی برابر ۴۱٫۹ هزار میلیارد پیش‌بینی کرده است. پس از چین آمریکا با تولید ناخالص داخلی برابر ۳۷٫۲ هزار میلیارد دلار و هند با تولید ناخالص داخلی برابر ۲۲٫۲ هزار میلیارد دلار در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. اندونزی، آلمان، ژاپن، انگلیس، برزیل، فرانسه و روسیه به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

در ادامه، این موسسه کشورهای چین، هند، آمریکا، اندونزی، نیجریه، پاکستان، مصر، برزیل، آلمان و انگلیس را برترین اقتصادهای جهان در سال ۲۰۷۵ معرفی کرده است. در این پیش‌بینی ژاپن به نسبت سال ۲۰۵۰ از رتبه ۶ به ۱۲، روسیه از رتبه ۱۰ به ۱۳ و فرانسه از رتبه ۹ به ۱۵ سقوط خواهند کرد. همچنین براساس این پیش‌بینی، تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۷۵ برابر ۵۷ هزار میلیارد دلار، هند برابر ۵۲٫۵ هزار میلیارد دلار، آمریکا برابر ۵۱٫۵ هزار میلیارد دلار و اندونزی برابر ۱۳٫۷ هزار میلیارد دلار خواهد بود. این به آن معنی است که تولید ناخالص داخلی هند از سال ۲۰۵۰ تا ۲۰۷۵ بیش از

بر اساس تازه‌ترین برآوردهای صندوق بین‌المللی پول

اولویت مهار تورم و ثبات مالی

علاوه بر این صندوق بین‌المللی پول تاکید کرده که در اکثر اقتصادها اولویت دولت‌ها دستیابی به کاهش تورم و در عین حال تضمین ثبات مالی است. به همین دلیل است که احتمالاً نقش بانک‌های مرکزی برای بازگرداندن ثبات قیمت‌ها و تقویت نظارت مالی افزایش خواهد یافت.

هر چند که سازمان جهانی بهداشت وضعیت اضطراری در خصوص همه‌گیری کرونا را لغو کرده، اما همچنان بهبود اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری و در سایه حمله روسیه به اوکراین به کندی پیش می‌رود. در این میان شاهد هستیم که زنجیره‌های تامین تا حد زیادی بهبود یافته و هزینه‌های حمل و نقل نیز به پیش از دوران همه‌گیری بازگشته‌اند. با این حال شاهد هستیم که تورم همچنان بالا بوده و به موازات آن قدرت خرید خانوارها نیز کمتر شده است. از سوی دیگر اقدامات بانک‌های مرکزی در واکنش به مهار تورم سبب افزایش هزینه‌های استقراض شده است. همچنین در حالی که بانک‌ها استانداردهای خود را به منظور وام‌دهی افزایش داده‌اند، در عین حال عرضه اعتبارات محدودتر شده است. از این رو با توجه به افزایش نرخ بهره پیش‌بینی می‌شود که در کشورهای فقیرتر که با بدهی‌های بالادست و پنجه نرم می‌کنند، هزینه‌ها افزایش یابد و سرمایه‌گذاری نیز روند کاهشی به خود بگیرد. در نتیجه این امر ما شاهد کاهش تولید در مقایسه برآوردهای قبلی در کشورهای کمتر توسعه یافته خواهیم بود.

البته با توجه به کاستی‌ها و مشکلاتی که وجود دارد، شواهد نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی در جهان در سه ماهه اول سال جاری میلادی منعطف‌تر شده و تاب‌آوری به خصوص در بخش خدمات افزایش یافته است، چراکه همزمان با افزایش مصرف پس از دوران همه‌گیری کرونا، اقتصادهایی مانند جنوب اروپا که وابسته به گردشگری هستند در حال پیشرفت هستند. این در حالی است که در بخش‌های غیرخدماتی همچنان شاخص‌ها ضعیف بوده و به واسطه عدم اطمینان موجود در خصوص چشم‌انداز ژئواکونومیک و بهره‌وری ضعیف، نه تنها رشد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کاهش یافته، بلکه سرمایه‌گذاری، تشکیل سرمایه ثابت و صنعتی نیز روندی نزولی داشته است..

تداوم مبارزه با تورم

هر چند که آمارها نشان می‌دهد نرخ تورم نسبت به سال گذشته کاهش یافته، اما میزان آن همچنان بالاست. در واقع در میان واگرایی بین اقتصادها و معیارهای تورم، افزایش موجودی گاز و انرژی در اروپا و نیز تقاضای ضعیف در چین باعث کاهش قیمت انرژی و مواد غذایی نسبت به سال ۲۰۲۲ شده است.

در این رابطه هر چند که در اکثر کشورها تورم به صورت متوسط روند نزولی داشته، اما همچنان بسیار بالاتر از هدف‌گذاری بانک‌های مرکزی است. این مساله در شرایطی پیش می‌آید که شوک‌های اقتصادی گذشته همچنان بر روی تورم اثرگذار هستند و وضعیت بازار کار و افزایش دستمزدها و هزینه‌های نیروی کار، بازگشت به تورم عادی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد. در این راستا سیاست بانک‌های مرکزی، همان تشدید سیاست‌های پولی خواهد بود. به طور مثال هر چند فدرال رزرو آمریکا در ماه گذشته میلادی افزایش نرخ بهره را متوقف کرد، اما بانک‌های مرکزی استرالیا، کانادا، انگلستان و بانک‌های مرکزی اروپایی به افزایش نرخ بهره ادامه داده‌اند. در عین حال در برخی دیگر از کشورها به خصوص شرق آسیا شاهد نرخ پایین

تورم هستیم.

کاهش فشار بر بانک‌ها

با توجه به وقایعی که چند ماه قبل برای برخی از بانک‌ها در آمریکا و سوییس اتفاق افتاد و منجر به ورشکستگی آنها شد، شواهد نشان می‌دهد که علی‌رغم مخاطرات این قضیه، اکنون فشار شدید از روی بانک‌ها به خصوص در اقتصادهای غربی برداشته شده است. با این حال بانک‌ها به دو صورت مستقیم (افزایش هزینه‌های تامین مالی) و غیرمستقیم (افزایش ریسک اعتباری) در سه ماهه نخست سال جاری میلادی به



میزان قابل توجهی دسترسی به اعتبارات را محدود کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود این رویه همچنان در ماه‌های آینده نیز ادامه داشته باشد.

کند شدن رشد اقتصادی

همانطور که در ابتدای گزارش نیز اشاره شد، پیش‌بینی می‌شود که رشد جهانی اقتصاد از ۳/۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳ درصد در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ کاهش یابد. در این میان برای اقتصادهای پیشرفته برآورد می‌شود که با کاهش تولید همچنان روند رشد نزولی باشد؛ هر چند که بخش خدمات تا اندازه‌ای ضعف تولید را در تولید ناخالص داخلی جبران خواهد کرد.

برای کشورهای در حال توسعه نیز چشم‌انداز رشد در سال جاری و سال آینده میلادی ثابت است. از سوی دیگر پیش‌بینی می‌شود که رشد تجارت جهانی هم از ۵/۲ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. در این میان هر چند که گفته می‌شود رشد تجارت جهانی در سال آینده ۳/۷ درصد خواهد بود، اما این رقم بسیار کمتر از میانگین جهانی ۴/۹ درصد در طول سال‌های اخیر است.

البته شواهد نشان می‌دهد قیمت کالاها و نرخ بهره قیمت نفت که در سال ۲۰۲۲ در حدود ۳۹ درصد افزایش یافته بود تا پایان سال جاری میلادی به ۲۱ درصد کاهش یابد. با این حال کارشناسان معتقدند که بانک‌های مرکزی به خصوص در اقتصادهای بزرگ اروپایی همچنان به دنبال بالا بردن نرخ بهره به منظور کاهش انتظارات تورمی باشند.

تمامی این عوامل بیانگر این موضوع است که برای اقتصادهای پیشرفته کاهش رشد در سال ۲۰۲۳ همچنان قابل توجه باقی مانده و انتظار می‌رود که حدود ۹۳ درصد از اقتصادهای بزرگ جهانی در سال جاری با روند نزولی رشد دست‌وپنجه نرم کنند. به عنوان مثال پیش‌بینی می‌شود که در آمریکا رشد اقتصادی از ۲/۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱/۸ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد.

همچنین برآورد می‌شود که رشد اقتصادی در منطقه یوروز ۳/۵ درصد به رقم قابل توجه ۰/۹ درصد کاهش یابد، چراکه

با توجه به وضعیت ایجادشده، صندوق بین‌المللی پول معتقد است رشد اقتصادی اسپانیا در سال جاری ۱ درصد، ایتالیا ۰/۴ درصد و آلمان با توجه به روند نزولی تولید به منفی ۰/۳ درصد کاهش یابد. این مقوله برای بریتانیا نیز قابل توجه است، چراکه برآورد شده رشد اقتصادی این کشور از ۴ درصد به ۰/۴ درصد تا پایان سال کاهش پیدا کند. البته در این میان ژاپن وضعیت بهتری خواهد داشت، زیرا پیش‌بینی می‌شود رشد این کشور از ۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱/۴ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یابد.

در این میان به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه به مراتب بهتر از اقتصادهای پیشرفته و ثروتمند باشد. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، پیش‌بینی می‌شود به طور کلی رشد اقتصادی این کشورها در حدود ۴ درصد ثابت باقی بماند. در واقع برآورد شده که ۶۱ درصد از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال جاری میلادی رشد سریع‌تری را تجربه کنند. در این رابطه پیش‌بینی رشد اقتصادی چین نیز بدون تغییر باقی می‌ماند؛ به طوری که گفته می‌شود رقم آن برای سال جاری ۵/۲ و در سال آینده میلادی ۴/۵ درصد باشد. همچنین برای روسیه نیز گفته می‌شود که احتمالاً رشد اقتصادی این کشور با افزایش ۱/۵ درصدی به ۰/۸ درصد در سال ۲۰۲۳ برسد.

همچنین برای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب نیز برآوردها حاکی از آن است که رشد اقتصادی از ۳/۹ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱/۹ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. از سوی دیگر برای خاورمیانه نیز پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی کمتر از رقم ۵/۴ درصدی تحقق یافته در سال ۲۰۲۲ باشد که به گفته کارشناسان به علت کاهش محسوس رشد اقتصادی عربستان خواهد بود. برای کشورهای آفریقایی نیز برای سال ۲۰۲۳ رشدی ۳/۵ درصدی و برای سال آینده میلادی نیز ۴/۱ درصد برآورد شده است.

وضعیت تورم

طبق برآوردها، روند تورم در سال جاری میلادی کاهشی است؛ به طوری که از ۸/۷ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۶/۸ درصد در سال جاری می‌رسد. حتی گفته می‌شود اگر وضعیت فعلی تداوم داشته باشد تورم در سال ۲۰۲۴ نیز به ۵/۲ درصد خواهد رسید. با این حال این نرخ همچنان نسبت به قبل از همه‌گیری کرونا بالاتر است. به گفته ناظران ادامه سیاست‌های انقباضی پولی باعث کاهش تدریجی تورم می‌شود. با این حال گفته می‌شود که احتمالاً نیمی از کشورها در سال جاری میلادی روند کاهشی تورم را تجربه نخواهند کرد.

چشم‌انداز ریسک جهانی

هر چند مخاطرات جهانی همچنان ادامه دارد، اما به نظر می‌رسد که اثرات ریسک‌های نامطلوب کاهش یافته است. به عنوان مثال موضوع چالش‌های مرتبط با سقف بدهی دولت آمریکا فعلاً برطرف شده است. در واقع کارشناسان معتقدند تحولات کنونی باعث کاهش نیاز به سیاست‌های انقباضی از سوی دولت‌ها شده و از آنجا که هنوز مصرف‌کنندگان ذخیره



دلایل عقب ماندگی ایران در جذب سرمایه خارجی

فرصت سوزی سریالی

مهم به هیچ وجه دور از دسترس نخواهد بود. خاصه اینکه اکنون تنش های ریاض با تهران فروکش کرده و عربستان بایمن نیز وارد پیمان آتش بس شده است و چالش امنیتی عمده ای پیش روی خود نمی بیند.

مدیریت اماراتی

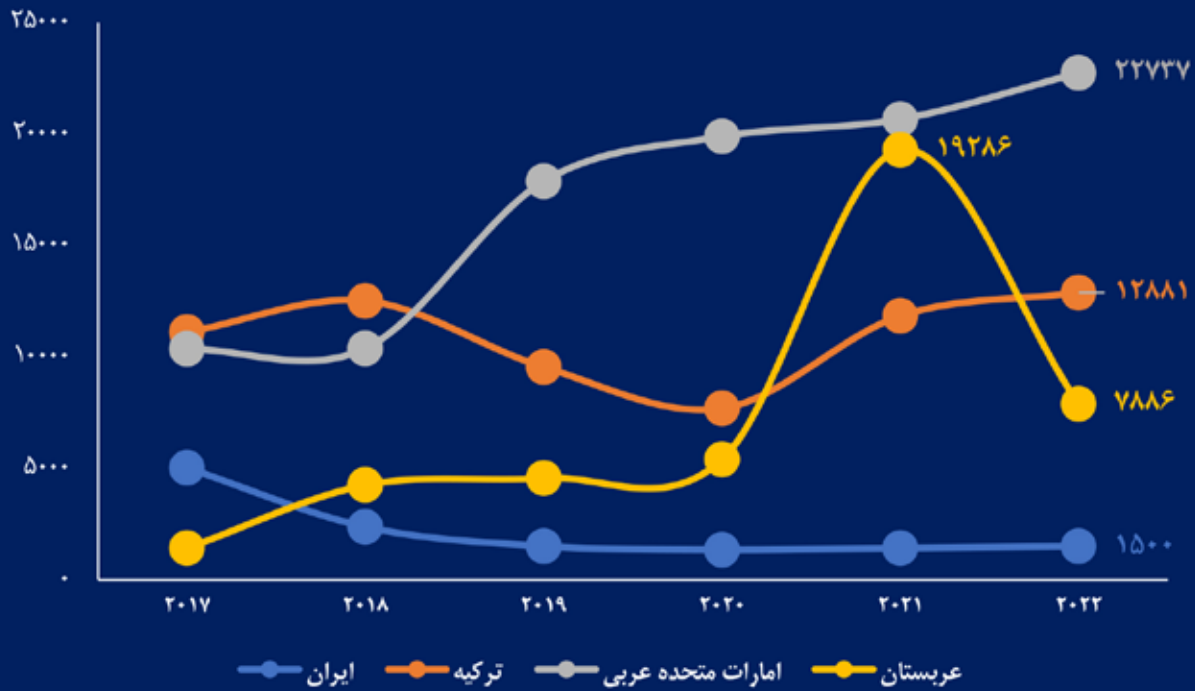
اماراتی ها از دهه ها پیش خود را کانون جلب سرمایه گذاری خارجی در آسیای جنوب غربی بدل کرده اند و با تبدیل این کشور به بهشت سرمایه گذاری ها، تمامی شرکت های مهم حاضر در بازارهای سرمایه جهانی را و اداره به تاسیس دفاتر و مراکز عمده خود در دبی و ابوظبی کرده اند. اماراتی ها که اصولاً تمام توسعه اقتصادی کشور خود را تاکنون از محل سرمایه گذاری های مستقیم خارجی (FDI) به دست آورده اند، در دو سال گذشته بیش از ۳۰۰ معاهده یادداشت تفاهم سرمایه گذاری برای پروژه های ریز و درشت با شرکت های خارجی منعقد کرده اند که از تولید آب شیرین و انرژی سبز تا پروژه های تولید و انتقال فرآورده های نفتی و گازی، ایجاد مرکز خدمات دریانوردی، شهر دیجیتال و هایپرلوپ را شامل می شوند. این کشور همواره میزبان مهم ترین رویدادهای فناوری جهان است و از آخرین مدل گوشی های اپل تا جدیدترین ساعت های سیتیزن و سواج، از آخرین دستاوردهای مد و فشن کوکوشنل تا خودروسازی های تسلا و فورد، همگی در این کشور انجام می پذیرند. این کشور توانسته در این حوزه

هیچ کشوری صرفاً با اتکا به منابع انسانی و زیرزمینی و سرمایه های داخلی خود توسعه نیافته و در آینده نیز مثال نقضی برای این امر پدیدار نخواهد شد، زیرا تقسیم کار در جهان به شدت مبتنی بر پدیده مزیت نسبی و انباشت تجارب و سرمایه در حوزه های تخصصی است و در نتیجه این وضعیت، یک کشور در یک یا چند حوزه مختلف صاحب تجارب و فناوری و سرمایه می شود و در یک بازار باز به فراخوانی جهان، بادیگران به رقابت می پردازد. مثلاً شرکت آرامکوی عربستان سعودی به عنوان یکی از قدرت های قدیمی نفتی، در تمامی شرکت های بزرگ، موسوم به هفت خواهران نفتی (بریتیش پترولیوم، شورون، آگرون موبیل، رویال دچ شل، توتال، کونوکوفیلپس و پتروناس مالزی) سهامدار عمده است و توانسته در عمده سرمایه گذاری های این شرکت ها در جهان فعال باشد و به کسب سود بپردازد. این در حالی است که ایران با ۳۵ سال سابقه نفتی بیشتر از عربستان و ظرفیت های عظیمی که در این حوزه دارد، چندین دهه است که توانایی سرمایه گذاری در شرکت ها و پروژه های مهم این حوزه را در جهان از دست داده و از جذب سرمایه گذار برای پروژه های مهم ساخت پالایشگاه های پتروشیمی و توسعه میادین نفتی و گازی داخلی نیز، عاجز است. نمی توان این نقد را به شکل جدی به شرکت نفت به عنوان یک شرکت مادر تخصصی دولتی وارد کرد، زیرا سرمایه گذاری برون مرزی و جذب سرمایه گذاری خارجی، بیش از آنکه به توانمندی های مدیران یک شرکت مادر تخصصی بستگی داشته باشد، به مدیریت فضای کلان اقتصاد کشور و همچنین وجود ثبات در سیاست داخلی و خارجی کشور وابسته است.

بورور کراسی زدایی بن سلمان

در حالی که رقبای منطقه ای ایران - که دست بر قضا رقبای ایران در بازارهای نفت و گاز نیز به شمار می روند - به خوبی توانستند با ویرترین سازی برای اقتصاد و فرهنگ خود در سطح بین المللی، موفق به جذب آخرین تکنولوژی ها و سرمایه های عظیم شوند، در ایران هنوز تورم مقررات همزمان با نرخ تورم بسیار بالا، به مانعی چشمگیر برای اندیشیدن خارجی ها به گزیننه ایران بدل شده است. عربستان، گرجستان، قطر، بحرین، امارات، ترکیه، عمان، کویت و حتی بنگلادش با مقررات زدایی سریع از شئون مختلف اقتصاد خود، فرش قرمز میزبانی را پیش پای سرمایه گذاران خارجی گستراندند. در سه سال گذشته، اقتصاد عربستان توانسته میزبان بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی باشد و این در حالی است که اقتصاد این کشور با مزاد بودجه و مزاد قابل توجه در تراز تجاری برخوردار است که توسط یک صندوق ذخیره ملی یک تریلیون دلاری پشتیبانی می شود. چشم انداز ولیعهد - محمد بن سلمان - برای افق ۲۰۳۰ عربستان، جذب ۱۰۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی در سال است که با توجه به مقررات زدایی گسترده و ضمانت انرژی و حمایت های گسترده عربستان از سرمایه گذاران خارجی، تحقق این

روند جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ (میلیون دلار)



منبع: آنگتاد

خواهد رسید.

کاروان همسایگان

کویت در دو سال گذشته بیش از ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام داده و معادل نیمی از این مبلغ را در کشور خودش جذب کرده است. عراق در سال گذشته بیش از ۱۰ و نیم میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دریافت کرده که عمده آن از جانب شرکت‌های مربوط به عربستان و چین انجام شده و بیشتر در حوزه زیرساخت‌های جاده‌ای (پروژه یک کمربند-یک راه)، ریلی، فرودگاهی، بیمارستانی، آب، ایجاد نیروگاه و سیستم‌های انتقال برق و ساخت پالایشگاه‌های نفتی بوده است. عمان نیز در دو سال گذشته بیش از ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب کرده و دولت‌ش بیش از ۵۰ میلیارد دلار سهام شرکت‌های خارجی را خریداری کرده است. در تمامی این کشورها، توسعه اقتصادی و تکنولوژیک، بر رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای تقدم دارد و این کشورها با پذیرش این اصل ساده، به نر مالیزاسیون تمامی شئون سیاسی و اقتصادی خود اقدام کرده‌اند.

چرا ایران عقب‌ماند؟

در ایران بخش دولتی (و خصوصاً دولتی) اقتصاد بیش از اندازه بزرگ است و در تمامی زمینه‌ها مانع از بروز تحرک بخش خصوصی می‌شود. نوسانات پر شمار ارزی و وجود مقررات مفصل در زمینه تبادلات ارزی، سیاست‌های تجاری مبهم از جانب دولت، فقدان نیروی انسانی ماهر مبتنی بر تکنولوژی‌های روز دنیا، وجود ریسک‌های سنگین سیاسی و اقتصادی از قبیل امکان مصادره دارایی‌ها یا رقابت با بخش دولتی، قوانین عجیب و غریب گمرکی و در نهایت محدودیت‌های سیستم حقوقی و ثبت مالکیت‌ها در ایران، باعث می‌شود که در کنار تضاد ایران با ایالات متحده، سرمایه‌گذاران خارجی عطای جذابیت‌های پر شمار اقتصادی ایران برای سرمایه‌گذاری را به لقای آن ببخشند.

تنهارا برون‌رفت از این وضعیت کوچک‌سازی دولت، خصوصی‌سازی واقعی، ایجاد ثبات در اقتصاد و بخشنامه‌زدایی از فضای تجاری کشور، در کنار یک سامانه دیپلماسی تنش‌زدای قوی است و هر گونه وعده اصلاحی بیرون از این چارچوب‌ها، تنها مشتی شعار دماغ‌گوزیک و پوپولیستی است که راه به جایی نخواهد برد و عقب‌ماندگی ایران را تعمیق خواهد کرد. / جهان صنعت

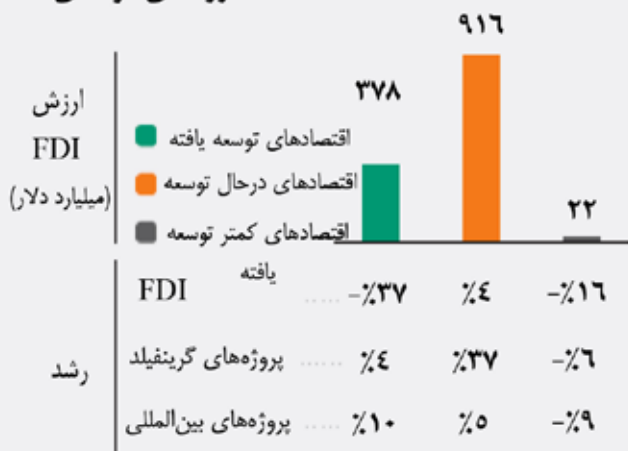
به یک الگوی بین‌المللی بدل شود. در نتیجه باید از این کشور به عنوان جدی‌ترین رقیب بین‌المللی ایران در میان مدت برای جلب سرمایه‌گذاری یاد کرد. شایان ذکر است بخش عمده‌ای از خروج سرمایه‌ها در ایران، به مقصد امارات سرازیر می‌شوند و این خروجی تمایزات سیستم اقتصادی دو کشور را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

قطار پیشرفت قطر

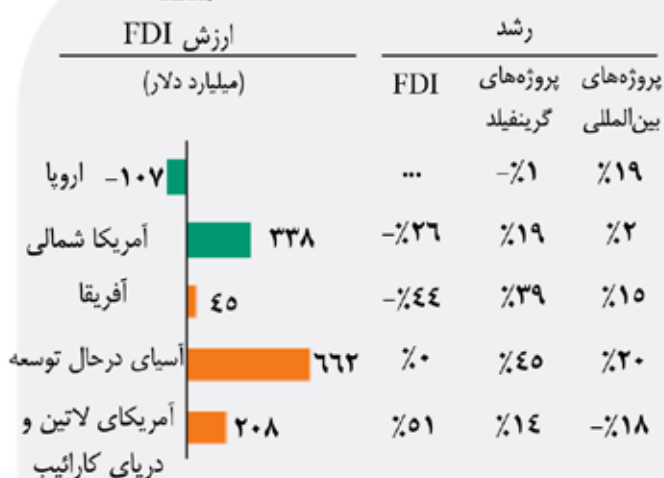
قطر در سه سال اخیر بیش از ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را به خود جذب کرده که عمده این سرمایه‌گذاری‌ها در بخش انرژی و البته پروژه‌های بلندپروازانه تکنولوژیک قطر در حوزه هوش مصنوعی، فناوری‌های روباتیک، ابررایانه‌ها، ریزپردازنده‌ها، اکوسیستم‌های استارت‌آپی، تولید تجهیزات ورزشی، پرورش جلبک‌های اقیانوسی، ساخت مخازن ذخیره و فرآوری LNG، صنایع دریایی و... بوده است. قطر با برگزاری سالانه بالغ بر هزار نمایشگاه و همایش بین‌المللی، به مرکزی برای تبادل آخرین یافته‌های تکنولوژیک و علمی در حوزه‌های گوناگون-از پزشکی و داروسازی تا هوافضا- تبدیل شده است. تا پایان سال جاری میلادی بیش از ۳۵۰ پروژه مختلف با مشارکت خارجی‌ها در قطر به بهره‌برداری

روندهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در سال ۲۰۲۲

گروه‌های درآمدی



منطقه



اقتصادهای در حال

توسعه ۷۰ درصد از

سرمایه‌گذاری
مستقیم خارجی
جهانی را تشکیل
می‌دهند

پروژه‌های گرینفیلد



پروژه‌های بین‌المللی مالی



اقتصادهای در حال

توسعه ۷۰ درصد

از سرمایه‌گذاری
مستقیم خارجی
جهانی را تشکیل
می‌دهند

زیرساخت‌ها،

زنجیره‌های

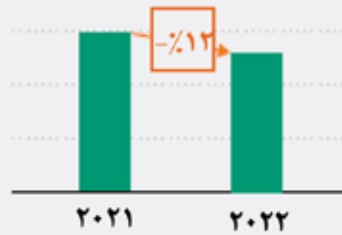
ارزش جهانی و

تراشه‌ها شاهد
افزایش سرمایه‌گذاری
هستند

ادغام‌ها و تملک‌های فرامرزی



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی



سرمایه‌گذاری در
اهداف توسعه پایدار
در حال افزایش بوده،
اما در برخی
بخش‌ها بسیار
کند است

صنعت (تعداد پروژه)



بخش‌های اهداف توسعه پایدار (کشورهای در حال توسعه، تعداد پروژه)





مقاصد جذب سرمایه گذاری خارجی در گزارش «پایش تجاری» تجاریتا جهانی منتشر شد

ایران رتبه نهم جذب سرمایه خارجی در منطقه

آفریقا که از بیشترین حجم سرمایه گذاری خارجی در سال ۲۰۲۲ برخوردار شدند، عبارتند از:

- ۱- فلسطین اشغالی با جذب ۷۶,۲۷ میلیارد دلار
- ۲- امارات با جذب ۷۳,۲۲ میلیارد دلار
- ۳- ترکیه با جذب ۸۸,۱۲ میلیارد دلار
- ۴- مصر با جذب ۴۰,۱۱ میلیارد دلار
- ۵- عربستان سعودی با جذب ۸۷,۷ میلیارد دلار
- ۶- عمان با جذب ۷۲,۳ میلیارد دلار
- ۷- مراکش با جذب ۱۴,۲ میلیارد دلار
- ۸- بحرین با جذب ۹۵,۱ میلیارد دلار
- ۹- ایران با جذب ۵۰,۱ میلیارد دلار
- ۱۰- اردن با جذب ۳۷,۱ میلیارد دلار

ژاپن نگران نفوذ چین در خاورمیانه

فومیو کیشیدا نخست وزیر ژاپن اخیراً به عربستان، امارات و قطر سفر کرد تا روابط کشورش را با مهم ترین تامین کنندگان انرژی آن تضمین کند. نفوذ چین به عنوان مهم ترین رقیب ژاپن در منطقه خلیج فارس به سرعت در حال افزایش است. در پرتو این تغییر امنیت انرژی ژاپن در معرض تهدید ژئوپلیتیک قرار دارد. ژاپن در حال حاضر برای تامین بیش از ۹۰ درصد از نفت مورد نیاز خود به خاورمیانه وابسته است. این کشور از تأثیرات اقتصادی جنگ روسیه علیه اوکراین که امنیت انرژی در پهنه جهانی را دچار اختلال کرده و باعث افزایش قیمت ها شده، آسیب دیده است. پیش از آغاز جنگ اوکراین، روسیه از تامین کنندگان انرژی ژاپن بود، اما تحریم ها علیه روسیه و واردات ژاپن از این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد، به دیگر سخن ژاپن در شرایط کنونی بیش از گذشته به انرژی خاورمیانه وابسته است. این کشور به عنوان یکی از اعضای گروه هفت نگران است که همسویی اش با غرب آن را با تامین کنندگان عمده انرژی در تعارض قرار دهد و امنیت انرژی توکیو را با چالش مواجه کند. وزیر اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن، پیش از چهل و نهمین اجلاس سران جی ۷ که در ماه مه در هیروشیما برگزار شد، از پیامدهای احتمالی تشدید تنش سیاسی بین شرق و غرب بر امنیت ژاپن ابراز نگرانی کرد.

برخی برای باورند روابط چین با کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه به قدری مستحکم خواهد شد که ممکن است منجر به تشکیل اتحادی میان آنان و بیجینگ شود در چنین شرایطی اگر بحران تایوان تشدید شود و جنگی در آن منطقه درگیر ژاپن احتمالاً به درون این جنگ کشیده می شود و کشورهای خاورمیانه ممکن است در حمایت از چین عرضه نفت به

در شصت و هشتمین گزارش از سلسله گزارش های «پایش تحولات تجارت جهانی»، گلچینی از تحولات اخیر در دو لایه جهانی و منطقه ای محیط ژئواکونومیک ایران ارائه شده و آخرین روندها و پیش بینی های اقتصادی تهیه شده توسط بزرگ ترین نهادهای اقتصادی بین المللی، در قالب داده های تازه مورد واکاوی قرار گرفته اند.

در سطح منطقه، امارات توانسته رکورد جدیدی را در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۲۲ ثبت و با وجود کاهش ۱۲ درصدی حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان، رتبه دوم را در این حوزه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کسب کند. شکی نیست که توفیق امارات در سال های اخیر، نتیجه سیاست گذاری های نظام مند اقتصادی است که از جمله آن می توان به ایجاد وزارتخانه سرمایه گذاری با هدف ارتقای بستر سرمایه گذاری ملی و بهبود رقابت پذیری و تلاش برای عبور از وابستگی به نفت به سمت افزایش سهم انرژی های تجدید پذیر اشاره کرد. با همین چشم انداز، امارات توسعه استفاده از خودروهای الکتریکی را هم در دستور کار قرار داده که در نتیجه این سیاست، منفعتی هم نصیب چین شده و فروش خودروهای چینی به طور کلی و خودروهای برقی چینی به طور خاص، در امارات روند صعودی به خود گرفته است.

بر اساس گزارش آنکتاد، ۱۰ کشور حوزه خاورمیانه و شمال



ژاپن را کاهش دهند یا قطع کنند. البته چنین سناریویی آشکارا بدبینانه است.

تهدید امنیت انرژی

این ترس با محدودیت‌های دیگر تامین انرژی که به‌طور کلی اتکای انرژی ژاپن به خاورمیانه را به ۹۷/۷ درصد در ژوئیه ۲۰۲۲ رساند، تشدید می‌شود. این بالاترین میزان از زمانی است که وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن (METI) داده‌های آماری خود را در سال ۱۹۵۲ منتشر کرد. وابستگی شدید ژاپن کشورهای حاشیه خلیج فارس را در وضعیت برتری قرار می‌دهد. در آینده تقاضا برای واردات انرژی در شرق آسیا رشد خواهد کرد، بنابراین رقابت بین خریداران بسیار زیاد است و کشورهای حاشیه خلیج فارس اکنون در موقعیت بسیار قوی‌ای قرار دارند.

موقعیت قطر بسیار استراتژیک است. این کشور می‌داند که ژاپن، کره جنوبی و چین منابع مالی زیادی دارند و از طرف دیگر نیاز آنان به آلان‌جی که قطر مهم‌ترین صادرکننده آن است شدت می‌گیرد. در چنین فضایی قطر ممکن است شرایط سختی را برای خریداران تعیین کند، از دیگر سو کیشیدا تحت فشار لابی گاز ژاپن برای تضمین قراردادهای جدید آلان‌جی است. شرایط سخت قطر برای امضای قرارداد و فشار لابی گاز ژاپن برای نهایی کردن توافق‌ها با این کشور کیشیدا را در شرایط دشواری قرار می‌دهد.

در حوزه تجارت با توجه به تنش‌زدایی اخیر ایران و عربستان و پایان جنگ یمن،

ژاپن شرایط را برای حضور گسترده تر شرکت‌های خود در خاورمیانه مناسب‌تر از گذشته می‌بیند. امارات متحده عربی که با ۴۵۰۰ نفر بیشترین تعداد شهر و ندان ژاپنی در خاورمیانه و شمال آفریقا را در خود جای داده است ۲۳ توافقنامه و یادداشت تفاهم را در حاشیه مجمع تجاری امارات و ژاپن که در جریان سفر کیشیدا برگزار شد، امضا کرد. هدف از توافقات دو جانبه تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های انرژی و همچنین زمینه‌های فناوری پیشرفته هوش مصنوعی، فضا و حفاظت از محیط زیست است.

به گفته آژانس بین‌المللی انرژی، ژاپن پیشرو در ارائه خدمات و محصولات انرژی تجدیدپذیر در سطح جهان است. این کشور می‌تواند در تحقق هدف استراتژیک دستیابی به هدف عدم انتشار کربن تا سال ۲۰۵۰ که توسط امارات متحده عربی تعیین شده است، نقش مهمی ایفا کند. راین سفر ژاپن در مجموع ۲۶ قرارداد با عربستان سعودی امضا کرد که بخشی از آن برای توسعه هیدروژن پاک، استخراج معادن و تولید آمونیاک و مشتقات آن همراه با سوخت کربن بازیافتی است. افزون بر این در این سفر ژاپن با شورای همکاری خلیج فارس برای احیای مذاکرات توافقنامه تجارت آزاد به توافق رسید. چین اخیرا مذاکرات مشابهی را با این شور آغاز کرده است.

بریتانیا به بلوک تجاری «ضد چین» پیوست

بریتانیا اخیرا رسماً پروتکل الحاقی را برای پیوستن به بلوک تجاری بزرگ هند و اقیانوس آرام، موسوم به توافق جامع و پیشرو برای مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) امضا کرد. این توافق توسط وزیر بازرگانی و تجارت بریتانیا در اوکلند نیوزلند و پس از ۲۱ ماه گفت‌وگو درباره عضویت بریتانیا امضا شد. این توافق اکنون قرار است توسط پارلمان بریتانیا و اعضای فعلی CPTPP مورد بررسی قرار گیرد و طبق گزارش‌ها می‌تواند در نیمه دوم سال آینده به اجرا درآید.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند این بلوک احتمالاً به سیاست خود برای مقابله با پکن ادامه می‌دهد، اگر چه پس از ارائه درخواست‌های عضویت چین و تایوان در سال ۲۰۲۱ این سازمان با یک معضل مواجه است. بر اساس گزارش‌ها نظرات در مورد الحاق چین متفاوت است، در حالی که سنگاپور و مالزی بر این باورند که این امر می‌تواند منجر به اصلاحات و فضای باز بیشتر از سوی سوی پکن شود، متحدان آمریکایی ژاپن استرالیا و کانادا نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کرده‌اند. برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که پیوستن چین به این بلوک دشوار خواهد بود، زیرا ممکن است پیوستن چین به درخواست واشنگتن و تو شود. با وجود اینکه ایالات متحده دیگر عضو نیست، اما می‌تواند با فشار بر متحدان چین اقدامی را انجام دهد.

هشدار نسبت به افزایش بدهی روسیه

اخیرا معاون وزیر دارایی در نشست کمیته بودجه و بازارهای مالی شورای فدراسیون روسیه اعلام کرد که حجم بدهی های دولتی روسیه افزایش خواهد یافت، زیرا مخارج دولت افزایش یافته است. به گفته او مقامات تلاش خواهند کرد تا سطح بدهی را به کمتر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی محدود کنند، اما استقراض اضافی ضروری است. به گفته وی به طور کلی اکنون سطحی از بدهی داریم، ۲۲۸ تریلیون روبل (۲۵۱ میلیارد دلار) که حدودا معادل ۱۴/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی است.

بر اساس قانون بودجه فدرال برای دوره ۲۰۲۳-۲۵ حجم بدهی دولتی روسیه تا پایان سال ۲۰۲۳ به حدود ۲۵/۴ تریلیون روبل، در سال ۲۰۲۴ به ۲۷/۷ تریلیون روبل و تا پایان سال ۲۰۲۵ به ۲۹/۹ تریلیون روبل افزایش خواهد یافت، در نتیجه در دوره سه ساله حجم بدهی دولتی روسیه در سطح مطمئن کمتر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی باقی خواهد ماند، اما شرایط ممکن است روسیه را وادار به استقراض بیشتری کند.

ایجاد وزارتخانه جدید سرمایه گذاری در امارات

اخیرا مقامات امارات متحده عربی از ایجاد یک وزارتخانه جدید با کار ویژه سرمایه گذاری به منظور ارتقای بستر سرمایه گذاری ملی و بهبود رقابت پذیری رویه ها و قانون گذاری خبر دادند. علاوه بر این اخیرا دولت امارات استراتژی توسعه اقتصادی جدیدی را با توجه به رقابت رو به رشد کشورهای همسایه در بخش های مالی و گردشگری به تصویب رساند. هدف وزارتخانه جدید، ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه گذاری در امارات متحده عربی است تا تداوم جذب سرمایه گذاری خارجی در این کشور را تضمین کند.

شایان توجه است که کابینه دولت با هدف جذب سرمایه گذاران استراتژی ملی انرژی مبتنی بر تحول سریع این بخش را به تصویب رساند که هدف از آن افزایش سه برابری سهم انرژی های تجدیدپذیر طی هفت سال آینده و تزریق ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد درهم از

سرمایه گذاری داخلی در این طرح است. در میان انرژی های تجدیدپذیر، دولت تاکید ویژه ای به هیدروژن که تبدیل به یکی از مهم ترین انواع انرژی های پاک شده و همچنین بر اجرای سیاست ملی جدید مبتنی بر وسایل نقلیه الکتریکی دارد. استراتژی ملی هیدروژن امارات، با هدف تثبیت موقعیت این کشور به عنوان یک تولیدکننده و صادرکننده هیدروژن به عنوان سوختی کم آلاینده طی هشت سال آینده و توسعه صنعتی و زنجیره تامین انجام می شود. هدف سیاست جدید، ایجاد شبکه ملی شارژ خودروهای برقی و در عین حال تنظیم بازار و تشویق صنایع مرتبط به منظور کاهش آلاینده ها و مصرف انرژی است. با توسعه این استراتژی جدید انرژی امارات متحده عربی قصد دارد اقتصاد خود را از وابستگی کامل به درآمدهای نفتی خارج کند و به منابع درآمدی خود تنوع ببخشد، علاوه بر این، این گونه به نظر می رسد که این طرح جدید گام مهمی به سوی گذار سبز در کشوری باشد که یکی از مشکلات زیست محیطی اصلی آن بهره برداری افراطی از منابع طبیعی است، با این حال هنوز تاریخی برای آغاز این برنامه جدید تعیین نشده است.

قرارداد ۲۷ میلیارد دلاری میان عراق و توتال

بر اساس گزارش رسانه ها، اخیرا عراق و شرکت نفتی توتال انرژی فرانسه قراردادی به ارزش ۲۷ میلیارد دلار به امضا رسانده اند. بر اساس این توافق که حدود دو سال به تاخیر افتاده بود اجرای طرح نفت و گاز و انرژی های تجدیدپذیر در دستور کار قرار دارد. شایان توجه است این قرارداد در سال ۲۰۲۱ با سرمایه گذاری اولیه ۱۰ میلیارد دلاری در جنوب عراق برای مدت ۲۵ سال به امضا رسید، اما به علت اختلافات در خصوص شروط قرارداد، به مرحله اجرا نرسید و با وقفه مواجه شد.

امضای این قرارداد با شرکت توتال فرانسه و شرکای آن حائز اهمیت فراوانی برای عراق است زیرا این اقدامات در چارچوب پروژه گسترده جنوب که شامل ۴ طرح اصلی و بزرگ در حوزه نفت و گاز است، انجام می شود. نخستین مرحله اجرای این طرح استفاده از آب دریا به منظور پشتیبانی از مخزن است؛ این طرح فواید اقتصادی فراوانی برای عراق به همراه دارد. طرح بعدی در مورد سرمایه گذاری در بهره برداری از گاز مشعل با ظرفیت روزانه ۶۰۰ میلیون فوت مکعب طی دو مرحله است که در چارچوب برنامه استراتژیک دولت و وزارت نفت برای استفاده از گاز در تولید برق انجام می شود. علاوه بر این، بهره برداری از گاز به جای آتش زدن آن به عراق امکان احیای پروژه ۳۵ ساله پتروشیمی نبراس را که مدت ها پیش با شرکت هلندی شل امضا کرده بود، فراهم می آورد.

رکورد جدید جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط امارات

بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل، امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۲ موفق به جذب بالاترین حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) شده است؛ این در حالی است که جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی عربستان سعودی در سال گذشته ۵۹ درصد کاهش یافت و به حدود ۷/۹ میلیارد دلار رسید.

بر اساس گزارش سرمایه گذاری جهانی ۲۰۲۳ که توسط «آنکتاد» منتشر شده، اسرائیل و امارات متحده عربی از بالاترین حجم سرمایه گذاری خارجی در خاور میانه و شمال آفریقا (MENA) برخوردار هستند و به ترتیب در رده های پانزدهم و شانزدهم جهان قرار گرفته اند. علاوه بر این، بر اساس این گزارش ایالات متحده و چین برای دو سال متوالی در رتبه های اول و دوم جذاب ترین مقاصد سرمایه گذاری خارجی قرار گرفتند؛ در همین راستا ایالات متحده موفق به جذب ۲۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ شد، هر چند که این رقم بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است و چین موفق به جذب ۱۸۹ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی شد. در رتبه سوم، سنگاپور قرار دارد که در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۱۴۱ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی را پذیرا شد و هنگ کنگ با جذب ۱۱۸ میلیارد دلار در رتبه چهارم قرار گرفت.

در منطقه خاورمیانه بالاترین حجم سرمایه‌گذاری خارجی به اسرائیل و امارات متحده عربی اختصاص دارد؛ در همین راستا اسرائیل با جذب حدود ۲۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رتبه پانزدهم در جهان را کسب کرد؛ پس از آن امارات با افزایش ۱۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱، حدود ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کرد.

براساس گزارش رسانه‌های امارات متحده عربی، با وجود کاهش ۱۲ درصدی حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، این کشور موفق به جذب بالاترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تاریخ خود یعنی ۸۴ میلیارد درهم (۲۳ میلیارد دلار) در سال ۲۰۲۲ شده است. نکته شایان توجه آنکه براساس گزارش آنکتاد، جریان جهانی سرمایه‌گذاری به ۱/۳ تریلیون دلار کاهش یافته است. این کاهش عمدتاً ناشی از حجم کمتر جریان‌های مالی و معاملات در کشورهای توسعه یافته بوده است.

روسیه ناگزیر به کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل وقوع بحران‌های متعدد جهانی از جمله حمله اوکراین، قیمت‌های بالای مواد غذایی و انرژی و فشار بدهی‌ها بوده است. در گزارش سرمایه‌گذاری آمده است که در پی افزایش نرخ بهره و بازارهای سرمایه نامطمئن، تامین مالی پروژه‌های بین‌المللی و به‌ویژه ادغام‌ها و تملک‌های فرامرزی با مشکل مواجه شده است. طبق گزارش آنکتاد: «با وجود اینکه افزایش قیمت‌های انرژی منجر به افزایش درآمد شرکت‌های گاز، تجارت کالا و خدمات رفاهی شده، اما این افزایش درآمد به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نفت منتهی نشده است.» گزارش منتشر شده آنکتاد، حاکی از کاهش ۵۹ درصدی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در عربستان سعودی در سال گذشته است. عربستان اخیراً اعلام کرده که تا ماه آگوست، به صورت داوطلبانه یک میلیون بشکه در روز تولید نفت خود را کاهش خواهد داد. به عنوان مثال شرکت‌های «شورون» و «اکسون» هر دو از ایالات متحده و آرامکوی عربستان سعودی دارایی‌های خارجی را واگذار کرده و در عین حال



حجم سرمایه‌گذاری داخلی خود را افزایش داده‌اند. از سوی دیگر، مصر نیز اقدام به اعطای مشوق‌های معافیت مالیاتی ۵۵ درصدی به پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع بزرگی که حداقل ۵۰ درصد آنها با ارز خارجی تامین شده باشد، کرده است. الجزایر نیز قانونی را در مناطق آزاد تجاری در مورد بخشش عوارض و مالیات به شرکت‌ها به تصویب رسانده که اقدامی است در جهت تشویق سرمایه‌گذاری خارجی.

نکته حائز اهمیت آنکه براساس گزارش آنکتاد، امارات متحده عربی با اجرای ۹۹۷ پروژه سبز، به عنوان چهارمین کشور جذب‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه مگا پروژه‌های سبز پس از ایالات متحده، بریتانیا و هند معرفی شده است. در واقع افزایش ۱۵ درصدی سرمایه‌گذاری‌های سبز در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال پیش از آن به عنوان زنه تعادلی برای کاهش کلی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمل کرده است؛ این در حالی است که پیش‌بینی شده بود که روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا سال ۲۰۲۳ ادامه پیدا کند. آنکتاد گزارش داده که براساس شاخصه‌های اولیه شاهد روند ضعیف در امور مالی پروژه‌های بین‌المللی و ادغام و تملک طی چهار ماهه نخست سال ۲۰۲۳ در امارات هستیم.

قرارداد گازی ۱۰ ساله میان قطر و امارات

شرکت انرژی قطر، یک قرارداد طولانی مدت به منظور تامین میعانات گازی با گروه انوک دبی (متخصص در زمینه نفت و گاز) امضا کرد. به موجب این قرارداد، شرکت «انوک» ۱۲۰ میلیون بشکه میعانات گازی را از ماه ژوئیه دریافت خواهد کرد. در شروط مندرج در این قرارداد امکان افزایش عرضه مقادیر میعانات گازی نیز در نظر گرفته شده است، زیرا انتظار افزایش صادرات مقادیر بیشتری از میعانات گازی از این کشور پس از آغاز تولیدات گازی در طرح توسعه میادین شمال شرق و جنوب قطر وجود دارد.

امضای این قرارداد بلندمدت برای فروش میعانات گازی موجب تقویت رابطه شرکت انرژی قطر با شرکت ملی نفت امارات که به سال ۲۰۰۸ باز می‌گردد، خواهد شد. این قرارداد حاکی از استراتژی شرکت انرژی قطر در رابطه با فروش مستقیم به مصرف‌کنندگان نهایی انرژی و ایجاد روابط تجاری استراتژیک و همکاری میان دو کشور است.

صندوق ثروت ملی کویت تشکیل می‌شود

کویت قرار است یک صندوق ثروت مستقل جدید برای توسعه پروژه‌های بزرگ و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش خصوصی خود با هدف تقویت اقتصاد و کاهش اتکای آن به نفت ایجاد کند. صندوق توسعه جدید موسوم به سیاده براساس برنامه‌های دولتی پروژه‌های سرمایه‌گذاری داخلی را که برای تقویت و تنوع بخشیدن به اقتصاد کویت است، هدایت خواهد کرد.



منظور سفر به آذربایجان تاکید کردند. در راستای گسترش همکاری‌های میان دو کشور، سومین دور از نشست‌های کمیته مشترک دو کشور در سفر هیات آذربایجانی به بغداد در اکتبر برگزار خواهد شد.

احیای حمل و نقل ریلی چین و افغانستان

دولت طالبان همواره تاکید داشته که احیای رونق سال اقلام تجاری از چین به آسیای مرکزی و سپس به افغانستان، موجب تسهیل روابط تجاری برای تجار افغانستانی خواهد شد. در همین راستا، بر اساس اطلاعیه اداره راه آهن افغانستان در آینده نزدیک ۸۶۰ تن اقلام بازرگانی با استفاده از شبکه حمل و نقل چندوجهی به افغانستان صادر خواهد شد. در حال حاضر تنها کالا به صورت غیرسیستماتیک از چین به افغانستان صادر می‌شود و متقابلاً کالایی به چین صادر نمی‌شود؛ این در حالی است که فعالان اقتصادی معتقدند که انتقال پیوسته و دوطرفه کالا از چین به افغانستان می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصاد افغانستان ایفا کند. بر اساس گزارش وزارت مالیه افغانستان، در سه ماهه نخست سال مالی جاری، بیش از ۲۶ هزار محموله به ارزش ۳۰ میلیارد و ۵۰۰ افغانی صادرات و بیش از ۱۷۳ محموله به ارزش ۱۷۳ میلیارد افغانی واردات از گمرکات این کشور انجام شده است.

افزایش فروش خودروهای چینی در امارات متحده عربی

بر اساس گزارشی که اخیراً در رسانه‌های امارات منتشر شد، فروش خودروهای چینی در امارات متحده عربی طی سال ۲۰۲۳ با افزایش مواجه خواهد شد. این در حالی است که چین در بازار داخلی خود با کاهش فروش مواجه شده و به منظور فروش خودروهای خود به صادرات آنها به ویژه به کشورهای خاورمیانه از جمله حوزه خلیج فارس و اسرائیل متکی است.

در همین راستا، حجم فروش MG توسط شرکت بالاموتور که یک فروشنده آنلاین خودرو است، طی ژانویه تا مارس، تقریباً ۸۶ درصد افزایش یافته است. MG که در شانگهای مستقر است، چهارمین برند پر فروش شرکت بالاموتور در امارات متحده عربی طی سه ماهه نخست سال بوده است؛ در همین مدت، خودرو سازان بزرگ ژاپنی تویوتا و نیسان بیشترین فروش را داشتند و پس از آنها، هیوندای کره جنوبی در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

جالب آنکه گروه خودروسازی چندملیتی چینی «جیلی» که خودروهای آن توسط «AGMC» در امارات توزیع می‌شود، طی سه ماهه اخیر که در امارات راه اندازی شده، بیش از ۱۰۰۰ دستگاه در این کشور به فروش رسانده است. علاوه بر این، شرکت جیلی یک نمایشگاه در شارجه راه اندازی کرده و قصد دارد تا اواخر سال جاری نمایشگاه دیگری در ابوظبی پایتخت این کشور افتتاح کند. برند خودروی برقی چینی BYD (EV) که یک شرکت خودروسازی بزرگ در جهان است، با شرکت الفطیم امارات متحده عربی در ماه مارس سال جاری شریک شد. بر اساس بیانیه مطبوعاتی این شرکت، امارات متحده عربی اولین کشور در خاورمیانه است که با شرکت خودروسازی BYD شراکت می‌کند.

به گفته موسسه Sovereign Wealth Fund این کشور همچنین دارای سازمان سرمایه‌گذاری کویت (KIA) با حدود ۸۰۳۰ میلیارد دلار دارایی است بر اساس گزارش این موسسه «KIA» پنجمین صندوق سرمایه‌گذاری مستقل در سراسر جهان است. اداره سرمایه‌گذاری ابوظبی با ۸۵۳ میلیارد دلار در جایگاه چهارم و دومین صندوق بزرگ در خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارد. وزارت مالیه و KIA موظف شده‌اند تا طرح‌های صندوق پیشنهادی را مطالعه کنند. هیچ جزئیاتی در مورد صندوق یا پروژه‌های خاصی که انجام خواهد داد، فاش نشده است. رشد و اثربخشی KIA به دلیل دخالت‌های سیاسی در مقایسه با تنوع‌سازی سریع تر همسایگان خلیج فارس کند بوده است. بین دولت منتخب کویت و پارلمان منتخب سیاستگذاری موثر اقتصادی را کند کرده است.

عراق خواهان سرمایه‌گذاری آذربایجان در جاده توسعه

بر اساس گزارش‌های دیدار اخیر فؤاد حسین وزیر خارجه عراق بارشاد، نبی‌وزیر حمل و نقل آذربایجان طرفین بر گسترش همکاری‌های خود در زمینه حمل و نقل و سرمایه‌گذاری تاکید کردند.

نکته حائز اهمیت آنکه، وزیر امور خارجه عراق بر اهمیت جاده توسعه که از دورترین نقطه در جنوب عراق از بندر فاو آغاز شده و تا ترکیه امتداد دارد، اشاره کرد و این پروژه را فرصت بزرگی برای گشایش چشم‌اندازهای مهم و فرصتی برای آذربایجان دانست؛ به ویژه با توجه به اینکه عراق یادداشت تفاهمی با ایران برای اتصال ریلی و به منظور ارتباط و رسیدن به آب‌های منطقه منعقد کرده است. طی این سفر دو طرف بر لزوم افتتاح خط هوایی مستقیم بین بغداد و باکو و خط دوم میان اربیل و باکو در اسرع وقت و همچنین اعطای روادید برای شهروندان عراقی به



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در گزارشی بررسی کرد

نقشه اولویت‌ها و فوریت‌های توسعه ایران

است. این پژوهش بر اساس نتایج نظر سنجی انجام شده توسط شرکت سرمایه‌گذاری در آگون کاپیتال و انجمن تجاری اروپا انجام شده است. پاسخ‌دهندگان به این نظر سنجی رتبه سوم را به عامل انحصار بازارها و تصرف قدرت توسط الیگارش، رتبه چهارم را به درگیری نظامی با روسیه و رتبه پنجم را به نرخ ارز غیر قابل پیش‌بینی داده‌اند. اقدامات سرکوبگرانه نهادهای مجری قانون رتبه ششم را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این‌ها، مشکلات بخش خدمات از جمله آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و بخش مالی باعث کندتر شدن رشد کلی اقتصادی اوکراین شده است. همچنین افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران برای توسعه این کشور مهم است. اوکراین باید تولید و صادرات محصولات نهایی خود را افزایش دهد تا بتواند در آینده تولید ناخالص داخلی را توسعه دهد. سرانجام گذار اقتصاد ملی به مدل توسعه سبز بر اساس تولید و مصرف پایدار و اجرای «سبز» سیاست‌های رشد مبتنی بر استفاده موثر از منابع مادی و همچنین نتایج تحقیقات علمی و فناوری‌های نوآورانه حامی محیط زیست برای توسعه این کشور بسیار مهم است.

به همین ترتیب، نیاز به پژوهش برای تعیین و ترتیب اولویت‌های توسعه ایران دیده می‌شود. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، درک زمان‌بندی و ترتیب اهمیت عوامل توسعه و اجماع ذی‌نفعان فعالان و علاقه‌مندان توسعه بر این عوامل می‌تواند استراتژی‌های توسعه این کشور را مشخص کرده و تلاش‌های دولت‌مردان و مردم علاقه‌مند به توسعه پیشرفت ایران را همسو کند. سرانجام شناسایی این عوامل امکان استفاده بهینه از منابع محدود مورد نیاز برای توسعه کشور را می‌تواند فراهم کند.

محیط زیست، منابع طبیعی و کشاورزی

از عوامل اصلی موثر در توسعه اقتصادی منابع طبیعی است. در میان منابع طبیعی، آب، زمین و کیفیت خاک، جنگل، مواد معدنی و منابع انرژی بسیار مهم هستند. منابع طبیعی شرط لازم رشد اقتصادی است، اما شرط کافی نیست و مدیریت منابع از اهمیت بیشتری برخوردار است. ژاپن و هند دو نمونه متناقض هستند. در کشورهای کمتر توسعه یافته برخی منابع طبیعی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند؛ کم یا نادرست استفاده می‌شوند. برخی چالش‌های این بخش عبارتند از:

- یکی از چالش‌ها و اولویت‌های مهم در بخش منابع طبیعی، آب است سطح آب‌های زیرزمینی کشور رو به کاهش بوده و آب‌های جاری سطحی هم دچار سوءمدیریت است که منجر به منازعاتی شده است. خشکسالی در بیشتر استان‌ها در حال بروز است. میزان بارندگی سالانه در ایران کمتر از ۵۰ میلی‌متر در بیابان‌ها تا ۲۲۷۵ میلی‌متر در شت متغیر است. میانگین

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در گزارشی به بررسی راهبری در زمینه توسعه کشور پرداخته است. این پژوهش به منظور تعیین نقاط پروانه‌ای و اولویت‌های توسعه کشور از روش دلفی استفاده کرده و از ذی‌نفعان و فعالان توسعه درخواست کرده است که مهم‌ترین بخش‌ها موانع و راه‌حل‌ها را برای توسعه کشور شناسایی کنند. همچنین از فعالان توسعه خواسته شد تغییراتی را که نپرداختن به آنها منجر به وقوع بحران شده را بر اساس زمان وقوع بحران مشخص کنند.

برونداد این فعالیت پژوهشی تدوین نقشه توسعه کشور است. نقشه توسعه، معیار و راهنمایی برای استراتژی‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه کشور بوده و اولویت‌های عمل و زمان‌بندی آنها را مشخص می‌کند.

در میان مطالعات توسعه یک پژوهش در اوکراین به اولویت‌بندی عوامل توسعه پرداخته که تا حدی مشابه اولویت‌بندی عوامل در پژوهش حاضر است.

بر اساس این پژوهش، اولین عامل موثر بر توسعه در اوکراین مبارزه با فساد و دومین عامل بازگرداندن اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی، سیستم‌های قضایی و مجری قانون هستند. بر اساس این مطالعه، تا زمانی که این امور محقق نشوند بی‌ثباتی اقتصادی و خروج سرمایه مالی به عنوان پیامدهای منفی در این کشور قابل پیش‌بینی



- بخش کشاورزی منابع فیزیکی بسیار زیادی را از گذشته با هزینه دولت فراهم کرده است. اصل ۴۴ در این بخش کم توفیق بوده است و قابلیت‌های دریافت‌کنندگان اعتبار مالی برای تولید محصول و نظارت بر آن در نظر گرفته نمی‌شود. حمایت مالی بیشتر در قالب تسهیلات از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، مورد تاکید قرار گیرد.

نظام اقتصادی

کشورهای جهان سوم در زمان حاضر باید مسیر توسعه خود را پیدا کنند. این کشورها نمی‌توانند لزوماً همه منابعی که کشورهای توسعه یافته استفاده کرده‌اند مانند استثمار و استعمار بهره بگیرند. برخی گزینه‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه می‌توانند مسیر توسعه سرمایه‌گذاری همراه با یک نظام بازار کارآمد بوده یا برنامه‌ریزی اقتصادی مانند تجربه کشور چین داشته باشند.

تشکیل سرمایه

نقش استراتژیک سرمایه در بالا بردن سطح تولید به طور سنتی در علم اقتصاد پذیرفته شده و اکنون به طور جهانی تصویب شده است. کشوری که می‌خواهد سرعت رشد را تسریع کند با هدف بالا بردن سطح سرمایه‌گذاری، نیازمند به پس‌انداز نسبتاً بالایی از درآمد خود است. اقتصاددانان به درستی ادعا می‌کنند که کمبود سرمایه مانع اصلی رشد است و هیچ برنامه توسعه‌ای موفقیت‌آمیز نخواهد بود مگر اینکه عرضه کافی سرمایه در پیش باشد. آمار بیانگر آن

بارندگی سالانه ۲۲۸ میلی‌متر بوده و تقریباً ۹۰ درصد کشور خشک یا نیمه‌خشک است. از میانگین حجم بارندگی ۳۷۶ کیلومتر مکعب در سال، ۶۶ درصد پیش از رسیدن به رودخانه‌ها تبخیر می‌شود.

- تغییرات اقلیمی در بین کشورهای خاورمیانه به ویژه ایران بسیار شدید است. در میان کشورهای خاورمیانه، ایران به صورت متوسط افزایش دمای ۲/۶ درجه سانتیگراد و ۳۵ درصد کاهش بارندگی را در دهه‌های آینده تجربه خواهد کرد. انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط ایران نزدیک به ۷۴۱/۶۱۶ میلیون تن بوده و در کنار چندین کشور دیگر رتبه هفتم در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان را دارد.

- فرسایش خاک‌های موجود و غیربهداشتی شدن تدریجی خاک‌های کشاورزی بایر کشور از چالش‌های مهم دیگر منابع طبیعی در ایران است. قسمتی بسیار اندک از منابع طبیعی جنگل‌ها، مراتع، بیابان‌ها، دریاها، کوه‌ها و سایر منابع بکر ایران برای بهره‌برداری مورد مطالعه و تحقیق واقع شده‌اند. بهره‌برداری از این منابع می‌تواند جایگزین استخراج و صادرات بی‌رویه نفت باشد.

- اجرای سند آمایش سرزمین با فراهم آوردن امکان بهره‌برداری صحیح و علمی از منابع ایران می‌تواند به عنوان یک فرصت به توسعه کشور کمک کند.

مازاد قابل فروش کشاورزی

افزایش تولیدات کشاورزی همراه با افزایش بهره‌وری برای توسعه یک کشور مهم است، اما آنچه مهم‌تر است اینکه مازاد قابل فروش کشاورزی افزایش یابد. اصطلاح مازاد قابل فروش به مازاد تولید در بخش کشاورزی بیش از نیاز مردم روستا اشاره دارد. اهمیت مازاد قابل فروش در یک اقتصاد در حال توسعه از این واقعیت ناشی می‌شود که می‌تواند تامین‌کننده غذای جمعیت صنعتی شهری باشد. با توسعه اقتصاد، نسبت جمعیت شهری افزایش می‌یابد و تقاضای فزاینده‌ای برای محصولات غذایی کشاورزی ایجاد می‌شود. اگر این تقاضاها به اندازه کافی برآورده نشوند کمبود مواد غذایی در مناطق شهری رشد را متوقف می‌کند. در صورتی که کشوری نتواند مازاد قابل عرضه در بازار را به میزان کافی تولید کند، چاره‌ای جز واردات مواد غذایی نخواهد بود که ممکن است باعث ایجاد مشکل تعادل در تراز پرداخت‌ها شود. اگر برخی کشورها بخواهند سرعت صنعت را افزایش دهند، نباید اجازه دهند که کشاورزی این کشورها عقب‌مانده باشد. تامین محصولات کشاورزی مخصوصاً محصولات غذایی باید افزایش یابد زیرا استقرار صنایع در شهرها باعث جابجایی ثابت جمعیت از حومه به شهر می‌شود. برخی چالش‌های این بخش عبارتند از:

- بهره‌وری پایین بخش کشاورزی با توجه به معیارهای روز جهان یکی از چالش‌های بخش کشاورزی در ایران است. ایران رتبه ۶۱ بهره‌وری بخش کشاورزی را میان ۱۸۹ کشور جهان در سال ۲۰۱۸ داشته است.

است که تشکیل سرمایه در ایران درصدی از تولید ناخالص داخلی از ۳۵ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۲۲ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است.

مشارکت بخش خصوصی و عمومی برای ایجاد سرمایه فیزیکی و زیرساخت‌ها از راهکارهای مهم توسعه است که کشورهای توسعه یافته از آن استفاده کرده‌اند.

مدیریت حجم نقدینگی درآمدها و هزینه‌های دولت، مالیات و بودجه ریزی

تخصیص کارآمد منابع مالی علاوه بر ارتقای رشد اقتصادی منتهی به برقراری رفاه و عدالت اجتماعی می‌شود. مدیریت موثر درآمدها و هزینه‌های عمومی بهره‌گیری از منابع محدود مالی و دارایی‌ها را بهینه کرده و تحقق اهداف توسعه‌ای بیشتری را ممکن می‌سازد. برخی چالش‌های این بخش در ادامه بیان شده است.

– مالیات یکی از عناصر اصلی، اما فراموش شده سیاست‌های توسعه است. استقرار نظام صحیح مالیاتی، منابع مورد نیاز برای توسعه را فراهم کرده و با باز توزیع درآمدها و منافع توسعه برابری در جامعه و تمایل افراد به توسعه را افزایش می‌دهد. درآمدهای مالیاتی ایران در سال ۱۴۰۰، سیصد و پنج هزار میلیارد تومان گزارش شده است. میزان درآمدهای مالیاتی ایران سالانه به طور متوسط ۲۲۸۴۰ میلیارد دلار است. پیش‌بینی برنامه ششم توسعه برای نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی ۷/۴ درصد بوده است، اما این شاخص در سال ۱۳۹۸ رقم ۶/۸ درصد را نشان می‌دهد. جمع کل نقدینگی کشور در سال ۱۳۹۹ به ۳۱۳۰۰/۲ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به پایان سال ۱۳۹۸ معادل ۲۶۶ درصد رشد داشته است. در سال ۱۴۰۰ نرخ تورم سالانه ۴۴/۲ درصد است. تورم به افزایش شدید هزینه‌های تولید انجامیده که خود به رکود تولید و ساختار نامناسب تولید دامن می‌زند. – وابستگی به درآمدهای نفتی برای توسعه و اداره کشور برنامه‌ای پایدار نبوده و مانع ثبات است. در ایران بخش عمده تولید به نفت وابسته است حتی تولیدی که ارزی در آن لازم نیست. در این زمینه دو نوع وابستگی وجود دارد و وابستگی مستقیم که قابل مشاهده است و وابستگی غیرمستقیم که قابل مشاهده نیست. وابستگی غیرمستقیم را در سال‌هایی که ذخایر ارزی افزایش می‌یابد می‌توان مشاهده کرد. در سال‌های ازدیاد ذخایر ارزی به سمت واردات هجوم آورده می‌شود. در نتیجه فعالیت واحدهای تولیدکننده کالاهایی که وارداتی هستند، متوقف می‌شود. بنابراین اگر ارزش کم باشد تولید کالاهایی که به ارزش نیاز دارند متوقف می‌شود (وابستگی نوع اول) و اگر ارزش زیاد باشد (وابستگی نوع دوم) باعث کاهش تولید داخل می‌شود. فارغ از میزان ارزش زمانی که ساختار تولید وابسته به درآمدهای نفت باشد و تجارت خارجی در جهت توسعه هدایت نیابد تولید داخلی آسیب می‌بیند.

– ساختار بودجه ریزی نیازمند تغییرات اساسی است، به عنوان مثال در سال‌های اخیر اقدامات اساسی جهت اجرای بودجه ریزی عملیاتی مبتنی بر عملکرد در ایران آغاز شده است. بودجه ریزی عملیاتی به ساز و کارها و فرآیندهای تامین بودجه بخش عمومی اشاره دارد که برای تقویت ارتباط بین بودجه و خروجی‌ها از طریق استفاده منظم از اطلاعات عملکرد رسمی، با هدف بهبود تخصیص و کارایی فنی هزینه‌های عمومی طراحی می‌شوند. تغییر به بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد توسط بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی توصیه شده است، چراکه در این روش تخصیص منابع عمومی شفاف‌تر است و ذی‌نفعان را در مورد نتایج هزینه‌ها آگاه می‌کند و به سوالاتی از قبیل آنکه چه چیزی از منابع تخصیص یافته حاصل می‌شود پاسخ می‌دهد. بودجه ریزی عملیاتی در کشور از سال ۱۳۸۰ و در پروژه اصلاح نظام بودجه ریزی ایران مطرح شد.

فناوری صنعت و شرایط تجارت خارجی

نظریه کلاسیک تجارت برای مدت‌ها توسط اقتصاددانان مورد استفاده قرار می‌گرفت تا بتوانند استدلال کنند که تجارت بین ملت‌ها همیشه برای آنها سودمند است. این تئوری پیشنهاد می‌کند کشورهای کمتر توسعه یافته در حال حاضر باید در تولید محصولات اولیه

یا خام تخصص داشته باشند، زیرا در تولید خود از مزیت نسبی برخوردار هستند، برعکس کشورهای پیشرفته دارای مزیت نسبی در تولیدات ماشین‌آلات و تجهیزات هستند، بنابراین باید در آنها تخصص داشته باشند. در سال‌های اخیر یک مکتب قدرتمند تحت رهبری راثول پربیش ظهور کرده است که شایستگی تجارت بی‌حد و مرز بین کشورهای پیشرفته و توسعه یافته را از دو لحاظ نظری و تجربی مورد تردید قرار می‌دهد.

تحقیقات و مطالعات تجربی ثابت کرده‌اند تجارت خارجی برای کشورهایی که توانسته‌اند در مدت نسبتاً کوتاهی صنایع را راه‌اندازی کنند، مفید است. این کشورها دیر یا زود بازارهای بین‌المللی محصولات صنعتی خود را تصرف کردند، بنابراین کشور در حال توسعه نه تنها باید سعی کند هر چه زودتر در تجهیزات سرمایه‌ای و همچنین سایر محصولات صنعتی به خود متکی باشد، بلکه باید تلاش کند توسعه صنایع خود را به چنین سطح بالایی برساند که به مرور زمان کالاهای تولیدی به عنوان صادرات اصلی کشور جایگزین محصولات خام اولیه (با ارزش افزوده کمتر) شوند. تکیه بر صنایع کاربر می‌تواند مشکلات بیکاری را در جامعه کمتر کند. برخی از چالش‌های این بخش عبارتند از نیاز به جایگزینی صادرات کالاهای تولیدی با صنعتی، ضرورت حمایت از فناوری‌ها و محصولات پیشرفته صنعت، تشویق و تحرک تولید و از بین بردن موانع قانونی مرتبط با آن و استقرار صنایع کاربر به منظور کاهش بیکاری در کشور.

صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۳۹۹، ۳۵ میلیارد دلار ارزش داشته که نسبت به سال ۱۳۹۸، ۶۴ درصد کاهش داشته است. تعداد کشورهای تامین‌کننده هشتاد درصد درآمد صادراتی ایران از ۲۳ کشور در سال ۱۳۸۰ به ۹ کشور در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. همچنین صادرات غیر نفتی ایران به صادرات مواد خام (که ارزش افزوده کمتری دارند) وابسته است.

منابع انسانی

منابع انسانی عامل مهمی در توسعه



بوده است. با توجه به سهم بالاتر خوراک‌ها در سبد هزینه خانوارهای فقیرتر، نرخ تورم بالاتر خوراک در سال‌های اخیر به معنای تنزل وضعیت معیشت خانوارهای با درآمد پایین تر است.

سرمایه اجتماعی

مشارکت گسترده در برنامه‌های توسعه شرط لازم برای تسریع روند رشد است. با این حال افراد فقط وقتی احساس می‌کنند که منافع توسعه به طور عادلانه توزیع می‌شود به فعالیت توسعه علاقه نشان می‌دهند. تجربیات تعدادی از کشورهای بیابانگر این است که هرگاه نظام اجتماعی معیوب به برخی از گروه‌ها اجازه می‌دهد تا مزایای رشد را به تنهایی مورد استفاده قرار دهند، عموم مردم نسبت به برنامه‌های توسعه دچار بی‌علاقگی می‌شوند. در این شرایط امید به مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه‌ای که توسط دولت انجام می‌شود، کاری بیهوده است. سرعت رشد اقتصادی در هر کشوری تا حد زیادی به تمایل افراد به توسعه بستگی دارد. از چالش‌های مرتبط با این بخش مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه و توزیع متوازن منافع توسعه میان آنهاست.

فساد

فساد در کشورهای در حال توسعه در سطوح مختلف بیداد کرده و به عنوان یک عامل منفی در روند رشد آنها عمل می‌کند. تازمانی که این کشورها فساد را در سیستم اداری خود ریشه‌کن نکنند، طبیعی است که سرمایه‌داران، بازرگانان و دیگر طبقات قدرتمند اقتصادی به بهره‌برداری از منابع ملی در جهت منافع شخصی خود ادامه دهند. همچنین مقابله با چارچوب‌های فسادزا که امکان سوءاستفاده واسطه‌ها (دلالان) از منافع تولید صنعتی و کشاورزی را در سطوح مختلف ایجاد می‌کند، بسیار ضروری است. در کشورهای در حال توسعه سیستم نظارتی نیز اغلب مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و مجوزها همیشه به دلیل شایستگی اعطا نمی‌شوند. بخش خاصی از جامعه هنر فرار مالیاتی را در کشورهای کمتر توسعه یافته به کمال رسانده است. رتبه ایران براساس

اقتصادی است. انسان نیروی کار را برای تولید فراهم می‌کند و اگر نیروی کار در کشوری کارآمد و آموزش دیده باشد ظرفیت آن برای کمک به رشد بالا خواهد بود. در صورت عدم استفاده از منابع انسانی یا معیوب ماندن مدیریت نیروی انسانی همان افرادی که می‌توانستند سهم مثبتی در فعالیت‌های توسعه‌ای داشته باشند، می‌تواند مانع توسعه شوند. مدیریت آموزش و هدایت آموزشی و شغلی براساس نیازهای کشور بسیار مهم است. مدیریت ساختار جمعیت با استفاده از سیاست‌های تشویقی می‌تواند نیروی کار جوان را در اختیار نیازهای توسعه کشور قرار دهد، همچنین سلامت جسمی و روحی افراد و امنیت روانی آنها از پیش نیازهای حیاتی برای فعالیت‌هایشان در جهت توسعه است. در حال حاضر افراد جامعه تحت تاثیر بیماری همه گیر کووید ۱۹ هستند. واکسیناسیون و مدیریت این همه گیری برای پیگیری راه توسعه بسیار مهم است. برخی از چالش‌های این بخش عبارتند از:

- آموزش توسعه‌ای و نیاز به مدیریت آموزش مبتنی بر نیازهای توسعه منابع محدود آموزشی کشور را نباید به حوزه‌های آموزشی غیر مرتبط توسعه تخصیص داد. این امر نیازمند برنامه‌ریزی برای پذیرش دانشجویان در تحصیلات عالی مرتبط با نیازهای توسعه‌ای کشور و هدایت دانش‌آموختگان به مشاغل مرتبط با تحصیلاتشان است. در سال ۲۰۱۸ نرخ بیکاری بین افراد با تحصیلات عالی ۱۸ درصد بوده است. علاوه بر این ساختار و محتوای آموزشی، ابتدایی، متوسطه و عالی باید در جهت نیازها و فرهنگ توسعه تغییر و ارتقا یابد.

- نیاز به افزایش اشتغال نرخ بیکاری براساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۱ یازده و نیم درصد بوده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران برای نرخ بیکاری متوسط ۱۰/۲ درصد در طول برنامه ششم پیش بینی شده که این شاخص در سال ۱۳۹۸، ۱۰۶ درصد بوده است.

فقر و نابرابری

فقر و نابرابری باعث کاهش انگیزه و توان مشارکت افراد در اهداف و فعالیت‌های مرتبط با توسعه می‌شود. درآمد سرانه کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ معادل ۳۴ درصد کاهش داشته است. با وجود افزایش درآمد اسمی خانوارها قدرت خرید نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک سوم کاهش یافته است. نرخ تورم در کنار کاهش درآمد سرانه در سال‌های اخیر منجر به رشد خط فقر در کشور شده است. خط فقر سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل از آن ۳۸ درصد رشد داشته است. مهم‌ترین عامل افزایش خط فقر در سال ۱۳۹۹ تورم بالا در دو بخش خوراک‌ها و مسکن بوده است. حدوداً ۳۱ درصد مردم زیر خط فقر قرار دارند، همچنین روند صعودی ضریب جینی و نسبت ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت از سال ۱۳۹۲ نشان‌دهنده افزایش نابرابری و شکاف اجتماعی در نتیجه رشد اقتصادی منفی و تورم بالا

شاخص درک فساد ۱۴۹ در میان ۱۸۰ کشور در سال ۲۰۲۰ است و نمره ۲۵ از ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است (نمره به معنای بالاترین میزان فساد و نمره ۱۰۰ به معنای پایین ترین میزان فساد است).

نظام سیاسی

نظام سیاسی مشتمل بر ثبات سیاسی، حاکمیت نظم و قانون و سیاست خارجی است. هدف و کارکرد آن حمایت از مالکیت خصوصی، روابط امن با کشورهای خارجی و مهم ترین عوامل تشویق شرکت ها برای سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه است. عدم تمرکز و توجه سیاست خارجی کشورها به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورها عامل کندی روند توسعه بوده است. عدم ثبات سیاسی طولانی مدت از موانع توسعه شمرده است. حاکمیت و نظارت قانون به ثبات سیاسی منجر شده و این امکان را فراهم می کند که افراد به فعالیت های توسعه ای علاقه مند و به امکان استفاده از بازده آنها مطمئن شوند؛ اما وجود نهادهای موازی در سیستم سیاسی، فرآیند نظارت قانونی و پاسخگویی را مشکل می کند.

نتیجه

برونداد این پژوهش، نقشه اولویت های توسعه کشور بر اساس میزان اهمیت و زمان بندی است. ترکیب عوامل بحرانی بر اساس اولویت و نزدیکی وقوع بحران است که بر اساس نسبت اهمیت به فوریت رسیدگی به موارد سازماندهی شده است، به عنوان مثال فساد بالاترین میزان اهمیت را دارد، در حالی که تامین آب به لحاظ زمانی ضروری تر است. ترتیب اولویتی فقر، شایسته سالاری و حاکمیت نظم و قانون با ترتیب زمانی آنها یکسان است. هر یک از عوامل مندرج در نقشه توسعه کشور در قالب پروژه ای جداگانه و با استفاده از روش دلفی مورد مطالعه واقع خواهد شد تا راهکارهای مرتبط با آنها تدوین شود.

برای غلبه بر مشکلات توسعه، کشور نیازمند یک استراتژی توسعه است که با پیشنهادها و راهنمایی های اساتید دانشگاه متخصصان و دست اندرکاران توسعه کشور تدوین شده باشد. نقشه توسعه حاصل هم اندیشی با دست اندرکاران توسعه کشور بوده و کلید تدوین استراتژی توسعه ایران است. این استراتژی اولویت های برنامه ریزی توسعه کشور را نشان می دهد و شامل مواردی مانند مقابله با فساد، ارتقای شایسته سالاری، حاکمیت نظم و قانون و ثبات سیاسی و رفع مشکلات مربوط به تامین آب و فقر است. بر اساس این اولویت ها حجم نقدینگی، مسائل محیط زیست، تامین انرژی، نظام بودجه ریزی و درآمدهای دولت باید مدیریت شده و سیاست های خارجی در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تدوین شوند. طراحی سیاست های آموزشی در جهت توسعه کشور نیز در این استراتژی باید مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، برنامه ریزی مردم محور، تعیین استراتژی های ملی توسعه و توجه به سند آمایش، مهم ترین اولویت های برنامه ریزی در ایران از دیدگاه این پژوهش هستند.

ادامه از صفحه ۱۱

اولویت مهار تورم و ...

پس انداز اضافی خود را در طول همه گیری کرونا به صورت انباشته در اختیار دارند، چنین موضوعی به خصوص در چین می تواند به افزایش تقاضا و مصرف کمک کند.

با این حال تداوم تورم و نیز فشردگی بازار کار این ریسک را دارد که به افزایش تورم دامن بزند و انتظارات آن را نیز بالاتر ببرد. همچنین خشکسالی، تغییرات آب و هوایی و ادامه جنگ در اوکراین، می تواند به تشدید افزایش قیمت مواد غذایی و سوخت منجر شود.

همچنین در شرایطی که بازارهای مالی انتظارات خود از سیاست های پولی را تعدیل کرده اند، ممکن است افزایش ریسک انتشار اطلاعات نامطلوب تورمی مانند سه ماهه اول سال جاری میلادی، باعث افزایش ناگهانی انتظارات در مورد نرخ بهره و کاهش قیمت دارایی ها شود. این مساله علاوه بر تحرکات مالی، بانک ها و موسسات مالی را با فشار مواجه می کند، چراکه ترانزنامه آنها به ویژه در برابر ریسک نرخ بهره آسیب پذیر است. علاوه بر این مشکلات افزایش بدهی نیز همچنان ادامه دارد و هزینه های استقراض برای بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه همچنان بالاست که این امر خطر افزایش بدهی را بالا می برد. از سوی دیگر مخاطرات و تنش های ژئوپلیتیکی در سایه جنگ اوکراین ممکن است طی ماه های آینده تشدید و باعث محدودیت در تجارت به ویژه در بخش کالاهای استراتژیک و مواد معدنی شود.

وضعیت بازارهای مالی

به طور کلی طبق برآوردها از سوی صندوق بین المللی پول به نظر می رسد که بازارهای مالی روند آرامی را تجربه کنند. در واقع رونق در بخش فناوری و افزایش قیمت سهام شاید بخشی از سیاست های مرتبط با خشتی کردن تورم را به چالش بکشد که این مساله به قیمت گذاری ناگهانی و شدید دارایی های مالی منجر خواهد شد.

همچنین با توجه به کاهش اعتبارات بانکی، آهنگ رشد وام در اقتصادهای پیشرفته را کند کرده و نرخ بهره بالا احتمالاً شرایط اعتباری را سخت تر خواهد کرد. به همین دلیل به نظر می رسد سیاست های انقباض پولی به نظر همچنان تداوم داشته باشند.



بازوی پژوهشی وزارت صمت در یک گزارش ویژه بررسی کرد

تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران

(UNIDO) و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، با تاکید بر جایگاه ایران در جهان برای مقاطع سالانه ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ استفاده می‌شود.

تحلیل رقابت اقتصاد بین الملل ایران

رقابت یک مفهوم تطبیقی است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه گسترده‌تری دارد و در تبیین آن ده‌ها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

هدف این بخش از گزارش پاسخ به این پرسش‌هاست که چه مولفه‌ها، نهادها، سیاست‌ها و عواملی در بهبود توسعه و رقابت جهانی اقتصاد ایران موثر هستند؟ وضعیت موجود و مطلوب رقابت اقتصادی ایران چگونه است؟ و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت ایران در جهان کدام هستند؟ در واقع، این

در چند دهه گذشته، رقابت در اقتصاد و تجارت جهانی افزایش یافته است. در گذشته در بسیاری از کشورها و صنایع رقابت وجود نداشت. بازارها حمایت می‌شدند و موقعیت مسلط در بازار قانون بود. حتی در بخش‌هایی که رقابت وجود داشت، میزان آن شدید نبود و مداخله زیاد و محدودکننده دولت، همانند کارت‌ها رقابت را کند می‌کرد. هنگام مطالعه عدم وجود رقابت در اقتصادهای در حال توسعه، امکان دارد تغییراتی که کشورهای توسعه یافته کرده‌اند، نادیده گرفته شود. فروپاشی کارت‌ها و گروه‌های تجاری قدرتمند و تشدید رقابت، با پیشرفت‌های چشمگیر ژاپن و آلمان بعد جنگ جهانی دوم همراه بوده است. هم‌اکنون صنایع رقابتی ژاپن نظیر خودروسازی و لوازم الکترونیکی، به یاری رقابت داخلی شدید توسعه یافته‌اند. با این حال، توسعه بخش‌های بزرگ، با وجود موانعی بر سر راه رقابت در حوزه‌هایی مانند خدمات مالی، صنایع شیمیایی و خرده‌فروشی محدود شده است. بدین ترتیب صنایع کمی دور از رقابت باقی می‌مانند. هیچ شرکت و کشوری نمی‌تواند نیاز به رقابت را نادیده بگیرد. شرکت‌ها و کشورها باید اهمیت رقابت را درک کنند و در آن مهارت به دست آورند.

نگارنده این گزارش بیش از دو دهه است که به مطالعه موضوع ساختار بازار، انحصار و رقابت تمرکز دارد. طی این مدت تلاش شده پیچیدگی‌هایی که در شرکت‌ها و صنایع رخ می‌دهد به گونه‌ای مطرح شود که به بهبود نظریه رقابت و به ویژه کاربرد آن در عمل یاری کند. آنچه در اقتصاد و تجارت ایران روی می‌دهد، اولاً جایگاه ضعیف اقتصاد بین الملل ایران را در رقابت شاهد هستیم و ثانیاً مجموعه عوامل داخلی و بیرونی موجب شده شکاف رقابت اقتصاد بین الملل ایران بیشتر شود. قطعاً برای هیات حاکمه و دست‌اندرکاران دولتی و خصوصی حوزه تجارت و تمامی ذی‌نفعان فرض است که نخست تحلیل و شناختی جامع از آنچه هم‌اکنون در حوزه رقابت اقتصاد بین الملل ایران واقع است، به دست آید و دوم تصویری از آنچه باید به دست آید، ترسیم و نقشه راه دستیابی به آن ایده‌آل ساختار رقابت، را پیوسته رصد کند.

در دهه ۱۳۹۰، ساختار و الگوی تجارت خارجی ایران دستخوش تحولات اساسی چندوجهی و چندلایه شد. در این گزارش به ابعاد مختلف تجارت خارجی ایران و تحلیل ساختار رقابت آن پرداخته می‌شود.

در این مطالعه علاوه بر مطالعات داخلی، از مطالعات تطبیقی و تحلیل یافته‌های مطالعات نهادهای بین المللی از جمله صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و مجمع جهانی اقتصاد (WEF) و وابسته به سازمان ملل متحد نظیر سازمان توسعه صنعتی یونیدو



مطالعه به دنبال تبیین رقابت و راه‌های بهبود آن در اقتصاد ایران است. در این راستا، ابتدا چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف ارائه می‌شود. سپس ضمن ارائه و تحلیل وضع موجود، تصویری از وضع مطلوب تبیین شده و راه‌های بهبود رقابت در اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

تنها در مولفه اندازه بازار وضعیت مناسبی را احراز کرده است. بنابراین، این ۵ مولفه وضعیت رقابت ایران در جهان را به شدت کاهش داده است. از مقایسه ۱۲ مولفه رقابت ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با ۲۰۱۰ نتیجه‌گیری می‌شود که مولفه‌هایی با نقاط قوت روبه تحلیل رفته است و بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی تنها نقطه قوت - اندازه بازار - با تشدید تحریم‌ها رو به وخامت گذارد.

۳- از کل متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه رقابت ایران، ۵۴ متغیر؛ ۵۲ درصد از ۱۰۴ متغیر مورد نظر در سال ۲۰۱۹، رتبه ایران ۹۹ و بالاتر بوده است. در این بین، وضعیت ۲۰ متغیر بار تبه بالاتر از ۱۲۰ به مراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود که بی‌شک در کاهش رقابت جهانی اقتصاد ایران تاثیر گذار بوده است و بنابراین به منظور بهبود و ارتقای رقابت اقتصاد ایران، در مورد تمام متغیرها از جمله ۵۴ متغیر و بالاخص با اولویت ۲۰ متغیر نقطه ضعف، اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.

رقابت پایین اقتصاد ملی، از چالش‌های اساسی فرآوری بخش خارجی اقتصاد ایران و بازرگانی داخلی و خارجی کشور ایران است. مفهوم توان رقابت در سطح اقتصاد ملی بر دو عنصر اصلی تکیه دارد: نخست روند مستمر رشد بهره‌وری در اقتصاد و دیگر رشد سهم اقتصاد ملی در تجارت جهانی که البته هر دوی این موارد، باید بهبود شاخص‌های رفاه عمومی را در پی داشته باشد. سطح توان رقابت یا رقابتی بودن یک اقتصاد با استفاده از شاخص ترکیبی معیارهای اصلی مربوطه، ارزیابی می‌شود.

شاخص توان رقابت اقتصاد ملی می‌تواند به عنوان یکی از بهترین نماگرهای توان اقتصاد در عرصه رقابت جهانی شناسایی و محور قرار گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که:

۱- هم‌اکنون اقتصاد ایران با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله کسری بودجه، تورم، ضعف کیفیت و کمیت ارائه خدمات دولتی و بی‌ثباتی در بهره‌مندی مردم از امکانات اولیه، وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، فساد اداری و مالی، بیکاری، عقب‌افتادگی فناوری، رقابت‌ناپذیری محصولات داخلی در مقایسه با محصولات مشابه خارجی، فقر گروه‌های آسیب‌پذیر، مصرف بی‌رویه و تضییع شدید محصولات استراتژیک مانند انرژی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های اخلاقی در نتیجه فشارهای اقتصادی، روبه‌رو است. در مقابل، ایران از امکانات و منابع تولیدی قابل توجهی برخوردار است. ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ویژه و استثنایی جغرافیایی، درصد قابل توجه تحصیل کرده (سرمايه انسانی داخلی و بین‌المللی عظیم)، برخورداری از بیش از نیم قرن تجربه تولید صنعتی، تنوع آب و هوای اقلیمی و نظایر آن، آنگاه که با کشورهایمانند کره جنوبی و دیگر کشورها که فاقد بسیاری از امکانات طبیعی خدادادی هستند، مقایسه شود، ظرفیت بالا را برای رشد و بهبود چشمگیر سطح رفاه جامعه یادآور می‌شود.

۲- تحلیل نتایج شاخص اقتصاد ایران نشان می‌دهد مجموع ابعاد توان رقابت جهانی در اقتصاد کشور در سطحی پایین بوده است. از سوی دیگر در ارزیابی معیارهای به دست آمده برای اقتصاد ایران، زیرساخت‌های عمومی و زمینه‌های فناوری ارتباطات، قابلیت خوبی برای تقویت توان رقابت داشته و از سوی دیگر حرکت بطنی شرکت‌ها به سوی فناوری‌های نوین و خلاقیت، یک نقطه ضعف به شمار می‌رود. مضافاً رقابت بنگاه‌ها مطرح است. در مورد این معیار که مزیت شرکت‌های ایرانی در بازار جهانی ناشی از تولیدات با کیفیت و پیشرفته است، وضعیت اقتصاد ایران در حد کشورهای با درآمد پایین است که بیشتر بر منابع طبیعی و قیمت

زمانی رقابت اقتصادی مناسب تحقق می‌یابد که دستکم وضعیت ۱۲ مولفه توانان نزدیک به وضع مطلوب باشند؛ در واقع در آن جامعه یا کشور، نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های گسترده و مناسب، ثبات محیط اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش با کیفیت، مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا و با کیفیت، کارآمدی بازار کالا، کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار، بازار مالی توسعه یافته، سطح بالای آمادگی جذب فناوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی شدن تجارت، کسب و کارهای پیچیده و توسعه یافته و نهایتاً خلاقیت و نوآوری در جامعه نهادینه و درونزا شده باشد. در این چارچوب، این مطالعه با هدف تبیین رقابت اقتصادی مناسب و راهکارهای بهبود اقتصاد ایران در مقاطع ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ مطالعه و تدوین یافته است.

این مطالعه شامل مقدمه، چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف، روش پژوهش، تحلیل وضع موجود رقابت جهانی ایران و مولفه‌های ۱۲ گانه و تصویر وضع مطلوب، جمع‌بندی با تاکید بر راه‌های بهبود مولفه‌های ۱۲ گانه و متغیرها و سیاست‌های مناسب است. خلاصه نتایج حاکی است:

۱- شاخص رقابت اقتصاد ایران بار تبه ۶۹ در (۲۰۱۰)، ۸۹ در (۲۰۱۸) و ۹۹ در (۲۰۱۹) در جهان، با ۲۰ و ۳۰ پله سقوط نسبت به ابتدای دهه ۲۰۱۰، رقابت جهانی ایران در دهه ۲۰۱۰ به شدت رو به تنزل گذاشته و همچنان در مرحله گذار از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله بهبود کارایی است.

۲- وضعیت ایران در ۱۲ مولفه رقابت به نحوی است که ایران در سال ۲۰۱۸ در ۵ مولفه از ۱۲ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار کالا، پویایی کسب و کار، نهادها و ثبات محیط اقتصاد کلان ضعیف‌ترین وضعیت و



جهانی و حتی منطقه‌ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که وجود دارد و آنچه که باید باشد، را نشان می‌دهد. شکاف کارنامه، شاخص و نمره و امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت صنعتی (CIPI) ایران و ترکیه، دو همسایه در مجاورت یکدیگر بسیار فاصله دارد. برای مثال، نمره عددی CIPI ترکیه تا ۲/۶ برابر ایران و نیز ترکیه با رتبه ۲۹ در مقایسه با ایران با رتبه ۵۸، در جایگاه برتر قرار دارد. این شکاف و فاصله در شاخص CIPI دو کشور ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناوریانه صنعتی و نفوذ جهانی در صنایع ترکیه در مقایسه با ایران دارد. با وجود آنکه در دو دهه گذشته شاخص عملکرد رقابت صنعتی ایران بسیار پرنوسان و بی‌ثبات بوده است و مضافاً چشم‌انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران مناسب ارزیابی نمی‌شود، چرا که بیم آن می‌رود با انواع محدودیت‌های فراروی اقتصاد صنعتی ایران به ویژه با تشدید تحریم‌ها، چشم‌انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران نامساعدتر شود.

دستکم ۱۲ مولفه شامل استعداد، سیاست‌ها و زیرساخت‌های نوآوری، مزیت هزینه‌ای، سیاست‌های انرژی، زیرساخت‌های فیزیکی، چارچوب قانونی، بهره‌وری نیروی کار، شبکه تامین کنندگان، زیرساخت‌های آموزشی، نظام اقتصادی-تجاری-مالی و مالیاتی، جذابیت بازارهای محلی و نظام بهداشت، عملکردهای رقابت صنعتی، جابجایی و ارتقای رتبه CIPI کشورها تاثیر گذار بوده است. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا و افزایش عملکرد صادرات و رقابت تعیین کننده بوده، شامل عوامل تولید قابل دسترس، سیاست‌های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت‌هاست. بنابراین به منظور ارتقای شاخص CIPI ایران باید تمهیدات، تدابیر و سیاست‌های مناسب لازم در هر ۴ مجموعه عوامل فوق توامان و پیوسته اثربخشی آنها در ارتقای رقابت صنعتی کشور مورد رصد قرار گیرد. با نگاهی به تجربه توسعه کشورها نتیجه‌گیری می‌شود اقتصادهایی که رشد سریعی را تجربه کرده‌اند، رشد صنعتی سریعی دارند و تجارت را به سمت کالاهای صنعتی هدایت کرده‌اند که موجب رشد بیشتری شده است.

این امر ناشی از تغییر ساختاری است که به معنای انتقال منابع از بخش‌های کم بهره‌ور به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر است و محرک اصلی رشد است. تحولات و روندها در دنیای امروز همراه با پیچیده‌تر شدن و جهانی شدن نظام‌های تولید، بنگاه‌ها راهبردهایی را برای سازماندهی مجدد زنجیره‌های ارزش اتخاذ می‌کنند که الگوهای مالکیت و جغرافیای تولید را متفاوت خواهد کرد. در نتیجه این تغییرات انتظار می‌رود فعالیت‌های صنعتی بیش از پیش تکه تکه و خرد شوند. در واقع کالاها در مراحل متعدد و در مکان‌های جغرافیایی متعددی تولید می‌شوند. مواد خام از یک محل تامین می‌شود، کالاهای واسطه‌ای مانند قطعات منفصله در مکان دیگری تولید می‌شوند و سپس به مکان جغرافیایی دیگری صادر می‌شوند تا در آنجا فرآیندهای نهایی و مونتاژ روی آن صورت گیرد. این امر به شدت در زمینه تولید و میزان صنعتی شدن کشورها موثر است. برای نمونه، هم‌اینک شرکت‌هایی هستند که محصولاتی تولید می‌کنند، اما کارکنان آنها هرگز در فرآیند تولید کالای نهایی نقشی ندارند، چرا که مراحل مختلف این محصول در یک جغرافیای پراکنده تولید خواهد شد. از این رو است که افزایش

پایین تولیدات (ناشی از ارزانی نیروی کار و نرخ حمایتی و یارانه‌ای) متکی هستند.

۳- از دیگر مظاهر ضعف توان رقابت اقتصاد ایران می‌توان به دو معیار اشاره کرد: سهم صادرات و واردات کشور از مجموع حجم جهانی آنها، طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۲ (با لحاظ فراز و فرودهایی) روندی کاهشی داشته و مرور روندهای ۱۰ سال و بیشتر در اقتصاد ایران، بیانگر روند نزولی در مورد نرخ بهره‌وری سرمایه و روند بسیار کند افزایشی در مورد نرخ بهره‌وری نیروی کار است. در این میان، تاسیس مرکزی ملی با موضوع «ارتقای توان رقابت اقتصاد ایران» تاکید می‌شود. این مرکز ارزیابی رقابت جهانی اقتصاد ایران و رصد جامع شاخص‌ها، مولفه‌ها و بنیان‌های رقابت ایران و ضمانت اجرای اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌ها را در این خصوص برعهده دارد. در راهبردهای سطح کسب و کار به عناوین اشاره می‌شود:

۱. راهبرد تسهیل ارتباط بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی با بنگاه‌های پیشرو خارجی
۲. راهبرد ارتقاء سطح تخصص و روزآمدی مدیران در بنگاه‌ها و سطح دانش مدیریت
۳. راهبرد کمک به انعطاف و خلاقیت بنگاه‌ها از طریق مقررات، تسهیلات و جوایز
۴. راهبرد زمینه‌سازی افزایش قدرت جذب فناوری‌های نوین در بنگاه‌ها.

تحلیل رقابت الگوی تجارت صنعتی ایران

ارزیابی از عملکرد رقابت صنعتی ایران، ابعاد سه‌گانه و ۸ زیرشاخص آن در مقیاس

جدول ۱. جایگاه جهانی رقابت ایران در مقایسه با بهترین کشور در دهه ۲۰۱۰

رتبه نخست جهان	رتبه (تغییر)			نمره و امتیاز ارزش عددی (تغییر)			شرح	
	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	مولفه های ۱۲ گانه	حوزه کلی
ایالات متحده	(-۱۰) ۹۹	(-۲۰) ۸۹	۶۹	(-۱,۹) ۵۳,۰	(+) ۵۴/۹		شاخص کلی رقابت پذیری جهانی	
فنلاند	(+) ۱۲۰	(-۳۹) ۱۲۱	۸۲	(-۱,۸) ۴۲,۵	(+) ۴۴/۳	۳۷/۴	(۱) نهادها	(۱) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)
سنگاپور	(-۴) ۸۰	(-۲) ۷۶	۷۴	(-۰,۶) ۶۴,۸	(-) ۶۵/۴	۳۷/۵	(۲) زیرساخت ها	
کره جنوبی	(-۴) ۸۴	(+) ۷) ۸۰	۸۷	(+۳,۲) ۵۰,۸	(+) ۴۷/۶	۳۸/۰	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات	
۳۳ کشور	(-۱۷) ۱۳۴	(-۷۲) ۱۱۷	۴۵	(-۱۴,۷) ۵۲,۲	(+) ۶۶/۹	۴۹/۶	(۴) ثبات اقتصاد کلان	
۴ کشور	(+۱۲) ۷۲	(-۳۰) ۸۴	۵۴	(+۲,۹) ۸۰,۴	(+) ۷۷/۵	۵۸/۹	(۵) بهداشت و آموزش	(۲) سرمایه انسانی
سوئیس	(-۱) ۹۲	(+) ۷) ۹۱	۹۸	(+۰,۹) ۵۷,۹	(-) ۵۷/۰	۳۸/۰	(۶) مهارت ها و آموزش عالی	
هنگ کنگ	(+) ۱۳۳	(-۳۶) ۱۳۴	۹۸	(-۰,۴) ۴۱,۶	(-) ۴۲/۰	۳۸/۵	(۷) بازار محصول	(۳) بازارها
سنگاپور	(-۴) ۱۴۰	(-۱) ۱۳۶	۱۳۵	(-۱,۸) ۴۱,۳	(-) ۴۳/۱	۳۳/۷	(۸) بازار نیروی کار	
هنگ کنگ	(-۲۵) ۱۲۳	(+۲۲) ۹۸	۱۲۰	(-۵,۰) ۴۷,۵	(-) ۵۲/۵	۳۲/۹	(۹) نظام / بازار مالی	
چین	(-۲) ۳۱	(+) ۱۹	۲۰	(-۰,۴) ۷۴,۱	(+) ۷۴/۵	۵۰/۹	(۱۰) اندازه بازار	
ایالات متحده	(-۱۳) ۱۳۳	(-۳۷) ۱۱۹	۸۲	(-۵,۷) ۴۴,۳	(-) ۵۰/۰	۳۳/۴	(۱۱) بویایی کسب و کار	(۴) اکوسیستم نوآوری
آلمان	(-۶) ۷۱	(+۲۶) ۶۵	۹۱	(-۰,۴) ۳۸,۰	(+) ۳۷/۶	۳۵/۶	(۱۲) توانایی نوآوری	

ماخذ، نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

مهم تری را به عنوان عرضه کنندگان و رقبای جهانی کشورهای صنعتی بازی می کنند. در آسیا صنایع بزرگ مقیاس هم اینک بازیگران اصلی زنجیره جهانی ارزش هستند. ابعاد سه گانه و شاخص های هشت گانه CIPI ایران و مقایسه آن با جایگاه نخست در جهان و منطقه مطابق جدیدترین اطلاعات آماری در دسترس قابل مشاهده است.

برترین رتبه هاد در عملکرد رقابت پذیری صنعتی

نتایج شاخص CIPI ۲۰۱۸ برای ۱۵۰ کشور دنیا در گروه های چهارگانه بالا، متوسط به بالا، متوسط به پایین و پایین با سطوح توسعه متفاوت رتبه بندی شده است. بین سطوح متفاوت توسعه و رقابت پذیری صنعتی رابطه است، چرا که سطوح بالای شاخص CIPI تقریباً به اقتصادهای صنعتی شده تعلق دارد، حال آنکه اکثریت کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی در سطوح پایین شاخص CIPI تمرکز دارند. با وجود این، برخی استثنائات نیز وجود دارند. رتبه نخست CIPI جهان با ۰/۵۲۳۴ امتیاز به آلمان تعلق دارد. ژاپن با

روزافزون تجارت جهانی در کالاهای واسطه ای طی دهه های گذشته تجربه می شود. زنجیره های ارزش، نقش اصلی را در فرآیند تولیدات صنعتی از گام اول در کارخانه تا رسیدن به دست مصرف کننده ایفا می کند. در واقع وقتی فرآیند تولید به صورت جهانی تکه تکه و خرد شده است، کشورهای توسعه یافته بر فعالیت ها و بخش هایی متمرکز می شوند که ارزش افزوده بیشتری خلق می کنند و برعکس کشورهای در حال توسعه بر بخش های کاربر تمرکز می یابند که ارزش افزوده کمتری ایجاد می کنند.

مساله دیگر توسعه زنجیره های ارزش جهانی و همگرایی سریع مناطق جغرافیایی جدید در اقتصاد جهانی است که سبب شده فشار رقابتی روزافزونی بر کشورهای که به طور سنتی در بخش صنعت فعال بودند، وارد شود. به طور خاص، چین، برزیل و هند رشد صادرات صنعتی بالایی داشته اند. این کشورها هم اینک تبدیل به کشورهای پیشتاز در تولید صنعتی رقابت پذیر شده اند. به عبارت بهتر، هند در تولید نرم افزار و خدمات مرتبط با فناوری اطلاعات، چین در زمینه محصولات صنعتی مهارت محور و برزیل نیز در زمینه محصولات کشاورزی پیشتازند. به علاوه آمریکا لاتین هم اینک نقش مهمی در تولید و تامین مواد خام و غذا در دنیا بازی می کند. مضافاً انتظار بر این است که نقش آفرینان در تولید مواد خام در آینده بیشتر شود. در همین راستا برخی برآوردها وجود دارد که نشان می دهد در آینده مناطق جغرافیایی جدید اهمیت بیشتری خواهند یافت. پیش بینی ها در زمینه رشد اعضای بریکس؛ برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی نشان می دهد این کشورها تا نیمه های قرن تا ۲۰۵۰ به سهمی معادل سهم کشورهای جی ۷ (هفت کشور بزرگ صنعتی دنیا) از تولید ناخالص جهانی دست یابند.

نهایتاً در نتیجه این روند، اگرچه به طور سنتی مناطق نوظهور اقتصادی در جهان به عنوان کارخانه های مونتاژ تصور می شوند، اما روند جهانی نشان می دهد که این کشورها سرمایه گذاری سنگینی برای افزایش دانش فنی و ارتقای صنعتی انجام می دهند. در نتیجه این کشورها به طور روزافزون نقش

تفاوت معنی دار نسبت به آلمان، با امتیاز با ۰/۳۹۹۸ در رتبه ۲ قرار دارد. این کشور در ابعاد سه گانه شاخص پیشرو است. چین، آمریکا، کره جنوبی و سوئیس در رتبه ۳ تا ۶ قرار دارند.

رتبه کشورها

در گزارش ۲۰۱۹ یونیدو با عنوان «عملکرد رقابت صنعتی ۲۰۱۸»، آلمان عنوان بهترین کشور دنیا در CIPI ۲۰۱۸ را داراست. این کشور توانسته از ابتدا از سال ۲۰۰۰ همه ساله جایگاه خود را به عنوان رقابت پذیرترین کشور جهان در حوزه صنایع حفظ کند. در ادامه این رتبه بندی ژاپن، چین، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی و سوئیس به عنوان بهترین، آماده ترین و کارآمدترین کشورها در CIPI در رده های ۲ تا ۶ قرار دارند. بدین ترتیب، سه کشور شاخص جهان آلمان، ژاپن و چین، ۷ کشور شاخص از رهبران منطقه ای آمریکا، کره، سوئیس، مکزیک، تایلند، اسرائیل و آفریقای جنوبی و گروه در حال توسعه از جمله ترکیه را برشمرد.

تغییر رتبه ها

در این رتبه بندی چین توانسته با افزایش ۲/۶ درصدی نمره، جایگاه آمریکا را در رده سوم تصاحب کند. البته این جابه جایی را می توان تا حدی ناشی از افت عملکرد آمریکا دانست؛ تنها کشوری که در میان ۱۰ رتبه برتر، نمره آن کاهش یافته است. سایر ۱۰ کشور حتی تا رتبه ۳۰ کشور برتر این رتبه بندی با بهبود نمره، اما بدون تغییر رتبه، جایگاه پیشین را حفظ کرده اند. در این گزارش برخی کشورها نسبت به سایرین عملکرد چشمگیری داشته اند. بر این اساس در میان ۳۵ رتبه نخست، بهترین بهبود با جهش ۳ پله ای، متعلق به پرتغال و اسلوانی است. بین رتبه های ۳۶ تا ۷۰، دو کشور بلغارستان و ویتنام توانسته اند با ۲ و ۳ پله ترقی، رتبه خود را ارتقا دهند در مقابل دو کشور ونزوئلا و ایران به ترتیب با ۷ و ۵ پله تنزل در رده های ۶۸ و ۵۸ قرار گیرند.

برترین رتبه ها

در میان مناطق جهان، اروپا و اوراسیا

عملکرد خود را به عنوان رقابت پذیرترین منطقه در حوزه عملکرد صنعتی حفظ کرده اند. ۱۷ کشور از ۳۰ رتبه برتر در این منطقه واقع شده اند. این منطقه یکی از غنی ترین منابع سه گانه بهبود CIPI را دارد و از زیرساخت های بهره وری، فناوری و نوآوری پیشگام بهره می برد.

خاورمیانه و شمال آفریقا

اسرائیل، ترکیه و عربستان به ترتیب با احراز جایگاه ۱ تا ۳ در شاخص CIPI در منطقه منایع پیشرو هستند. بیشترین تحول چشمگیر در CIPI کشورهای صادرکننده نفت، از جمله عربستان، امارات متحده عربی و عمان در دهه گذشته رخ داده است. در همان زمان، بحران سیاسی و اجتماعی در تعدادی از کشورهای منطقه منایع CIPI، آنها را با کاهش صدور مواجه کرده است؛ برای نمونه در سوریه و یمن.

تغییر رتبه ایران

به گزارش «یونیدو»، ایران از لحاظ CIPI، در جایگاه ۵۸ جهان و ۸ منطقه قرار دارد. شاخص CIPI ایران در جهان طی دوره ۲۰۱۶ تا ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۵۸ ارتقا یافته است. در این بین، شاخص عملکرد رقابت پذیری صنعتی سه کشور امارات متحده عربی، عمان و ایران به ترتیب با ۴۳، ۳۴ و ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۴۱، ۶۶ و ۵۸ جهان ارتقا یافته است و در مقابل شاخص CIPI عراق، سوریه و الجزایر به ترتیب با ۲۴، ۱۵ و ۱۳ رتبه تنزل به ترتیب به جایگاه ۱۶۶، ۱۱۲ و ۹۴ جهان سقوط کرده است.

رتبه منطقه ای ایران

سه کشور اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی به ترتیب بهترین و در مقابل سه کشور عراق، یمن و سوریه ضعیف ترین جایگاه را در شاخص CIPI و ابعاد سه گانه آن در ۱۹ کشور منطقه منایع دست آورده اند. در این بین، ایران در میانه ۱۹ کشور منطقه منایع در جایگاه ۸ در شاخص CIPI و ابعاد سه گانه آن قرار دارد. از سه مولفه کلیدی شاخص CIPI، ایران در مولفه نفوذ جهانی (رتبه ۴۲)، ظرفیت تولید و تجارت (رتبه ۷۸) و پیچیدگی و تعمیق فناوری (رتبه ۸۲) را احراز کرده است.

رتبه تعدیل یافته عملکرد رقابت صنعتی ایران

با ارزیابی مجدد شاخص CIPI با ملاحظات امتیاز عددی و رتبه کشورها نیز دستخوش تغییراتی شده است. در این بین رتبه تعدادی از کشورها، بهبود یافته اند و رتبه برخی کشورها رو به افول گذاشته است. در این بین با تعدیل شاخص، امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت پذیری صنعتی ایران (۰/۴۵۷) به شاخص CIP تعدیل یافته (۰/۱۰۹) با ۷۶۲۸ درصد کاهش مواجه شد و بنابراین شاخص CIP تعدیل یافته ایران با ۱۹ رتبه تنزل، جایگاه ایران از ۵۸ به ۷۸ افت می کند.

عوامل بهبود توسعه پایدار

شاخص CIPI ۱۵۰ اقتصاد جهان که در مجموع بیش از ۹۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و بخش صنعت جهان را پوشش می دهند بر مبنای عوامل و سیاست هایی که منجر به توسعه پایدار این بخش می شوند، در ۳ حوزه اصلی ۸ زیر شاخص مورد ارزیابی قرار می گیرد. بر این اساس ابزار مقایسه ای استراتژیک برای کسب و کارها و دولت ها محسوب می شود تا بخش صنایع را به طور پایدار و سازگار توسعه دهند. این مهم با امکان مقایسه و الگوبرداری از پیشرفت هایی که سایر کشورها در حوزه رقابت صنایع دارند و اطلاع از سیاست ها و سرمایه گذاری های آنها تحقق می یابد.



واکنش شاخص رفاه سالانه به تورم ماهانه در ایران در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

اثر تورم بر رشد اقتصادی

می تواند در مقایسه بارشده اقتصادی اثر بزرگ تری بر سطح رفاه اقتصادی جامعه داشته باشد. در اقتصاد متغیرهای مختلفی وجود دارد که سیاست اقتصادی دولت ها را تحت تاثیر قرار می دهد و یکی از مهم ترین آنها تورم است. تورم از آن جهت برای سیاستگذاران اقتصادی دارای اهمیت است که افزایش آن می تواند پیامدهای منفی مختلفی همچون افزایش نابرابری درآمد، تشدید فقر و افزایش نرخ جرم و جنایت برای جامعه به بار آورد. ضمن اینکه برخی پژوهشگران اقتصادی ادعا می کنند که تورم بالا موجب کاهش دستمزد حقیقی و تضعیف رشد اقتصادی می شود.

در اقتصاد ایران یکی از مشکلات عمده دولت ها در دهه های اخیر کنترل تورم بوده است، به نحوی که بررسی داده های تورم ماهانه در چهار دهه اخیر نشان می دهد که اقتصاد ایران در بیشتر ماه ها تورم دو رقمی را تجربه کرده است. ضمن اینکه پس از آبان ۱۳۹۷ تا آذر ۱۴۰۰ به طور میانگین اقتصاد ایران تورم ۳۷/۸ درصدی را تجربه کرده است. این میزان از افزایش تورم در سه سال اخیر در اقتصاد ایران، نگرانی ها در رابطه با سطح رفاه اقتصادی افراد و خانوارها را به شدت افزایش داده است، چراکه افزایش تورم می تواند قدرت خرید افراد و خانوارها و در نتیجه میزان مصرف آنها را کاهش دهد. بررسی داده های شاخص ترکیبی رفاه محاسباتی نیز حاکی از این موضوع است که میزان این شاخص پس از سال ۱۳۹۶ روند نزولی را طی می کند، به طوری که در سال های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب کاهش ۲/۳۸، ۵/۳۲ و ۷/۴۰ درصدی رفاه اقتصادی در ایران قابل مشاهده است. اثر احتمالی نامطلوب تورم و میزان این اثر بر رفاه اقتصادی در حوزه سیاستگذاری حیاتی است، زیرا گاهی دولت ها برای افزایش سطح رفاه اقتصادی به طور مطلق به سیاست های انبساطی تکیه می کنند و اثرهای تورمی ناشی از آن را کوچک می شمارند. در واقع، دولت ها تصور می کنند که ایجاد اشتغال، هدف با اهمیت تری نسبت به مهار تورم است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به دو پرسش اساسی در مورد اقتصاد ایران است؛ نخست آنکه آیا تورم اثر نامطلوبی بر سطح رفاه اقتصادی دارد؟ و دوم آنکه آیا اثر نامطلوب احتمالی تورم بر سطح رفاه اقتصادی بیش از اثر مطلوب احتمالی رشد اقتصادی است؟ برای پاسخ به این دو پرسش، پژوهش حاضر از روش الگوی داده های ترکیبی استفاده کرده است تا بتواند با تکیه بر آن از داده های ماهانه تورم بهره گیرد. سهم این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین از دو جهت است: نخست شاخص رفاه اقتصادی مورد استفاده که با روش خاصی محاسبه شده و عوامل متعددی در آن منظور شده است. دوم اینکه برای استفاده از حداکثر اطلاعات ممکن، از شاخص ماهانه قیمت ها استفاده شده است؛ این امر می تواند توان توضیح دهندگی الگوار را تقویت دهد.

تورم و رفاه اقتصادی

تورم از دو مسیر نابرابری درآمد و قدرت خرید می تواند بر رفاه اقتصادی اثر بگذارد

فصلنامه پژوهشی برنامه ریزی و بودجه با انتشار گزارشی به قلم «مانی مومنی»، «شهریار زوکی» و «آرمان یوسفی بارفروشی» به بررسی اثر تورم بر رشد اقتصادی کشور پرداخته است در ادامه بخشی از این گزارش را می خوانید.

مهار تورم یکی از الزامات سیاستگذاری های اقتصادی است. افزایش مداوم تورم می تواند به تشدید فقر، نابرابری درآمد و حتی افزایش جرم منجر شود. از این رو، مطالعات متعددی تورم را عاملی اثرگذار بر کاهش رفاه اقتصادی تشخیص داده اند. با توجه به اینکه در دهه های اخیر، اقتصاد ایران گرفتار تورم شدیدی بوده است، به نظر می رسد که وضعیت رفاهی مردم ایران واکنش سریعی نسبت به این متغیر داشته باشد و کاستن از فرکانس داده ها می تواند موجب کاهش توضیح دهندگی الگو شود. در این پژوهش کوشش شده است که اثر تورم ماهانه بر رفاه اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۵۱ مورد سنجش قرار گیرد. از آنجایی که شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی نمی تواند در فرکانسی بالاتر از سالانه مشخص شود، استفاده از الگوی داده های ترکیبی ضروری است.

رشد اقتصادی نیز به عنوان متغیر کنترل در الگو لحاظ شده است. نتایج برآورد حاکی از آن است که تورم اثر منفی (نامطلوب) و رشد اقتصادی اثر مثبت (مطلوب) بر رفاه اقتصادی دارد. همچنین، اثر تورم به شکل معناداری بزرگ تر از رشد اقتصادی است. به عبارتی دیگر، کنترل تورم در بلندمدت

جدول ۱: میانگین نرخ رشد شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی

۱۱/۳۷	پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۵۶-۱۳۵۱)
-۳/۹۸	انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۷)
۴/۳۹	برنامه اول توسعه (۱۳۷۳-۱۳۶۸)
-۰/۶	برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)
۵/۰۱	برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
۳/۵۸	برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴)
۰/۵۵	برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰)
-۲/۶۱	برنامه ششم توسعه (۱۳۹۹-۱۳۹۶)
۰/۴۴	میانگین پس از انقلاب اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۵۷)
۱/۷۸	میانگین کل دوره

نابرابری درآمد، رفاه اقتصادی را کاهش دهد.

در باب رابطه منفی تورم و نابرابری درآمد می توان به دو مجرا اشاره کرد؛ مجرای نخست توسط پارکین و لیدلر (۱۹۷۵) ارائه شده است که در آن تورم باعث انتقال درآمد از وام دهندگان اسمی به وام گیرندگان اسمی می شود. در این استدلال، تورم به هر دو گروه فقیر و ثروتمند آسیب می زند، اما اثرش بر ثروتمندان بیشتر است، زیرا معمولاً فقرا بدهی اسمی بیشتری نسبت به ثروتمندان دارند.

در نتیجه افزایش تورم موجب کاهش نابرابری درآمد می شود. مجرای دوم اشاره به این موضوع دارد که سیستم مالیاتی تصاعدی در زمان افزایش تورم موجب باز توزیع درآمد می شود. در این حالت، افزایش تورم موجب می شود که افراد در دهک های بالای درآمدی در محدوده ای با نرخ مالیاتی بالاتر قرار بگیرند و در نتیجه این موضوع باعث کاهش نابرابری خواهد شد. بنابراین، بر اساس این استدلال ها، تورم می تواند از طریق کاهش نابرابری درآمد، رفاه اقتصادی را افزایش دهد. همچنین، تورم با کاهش ارزش حقیقی درآمد موجب کاهش قدرت خرید و در نتیجه میزان مصرف افراد می شود. از آنجایی که مصرف فعلی افراد یکی از پارامترهای مهم در سنجش رفاه اقتصادی است، بنابراین تورم از مسیر کاهش قدرت خرید نیز موجب کاهش رفاه اقتصادی می شود.

رشد اقتصادی و رفاه

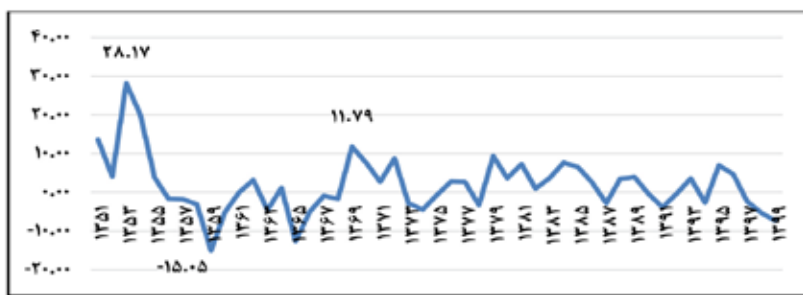
رشد اقتصادی از مسیر اشتغال قادر به اثرگذاری مثبت بر رفاه اقتصادی است. افزایش رشد اقتصادی به معنای افزایش در تولید کالا و خدمات است. با توجه به آنکه یکی از عوامل اصلی در تولید، نیروی کار است، بنابراین انتظار می رود با افزایش رشد اقتصادی، اشتغال نیز افزایش یابد. افزایش اشتغال پیامدهای مثبت مختلفی برای جامعه به همراه خواهد داشت. از یک سو ممکن است به دلیل افزایش تقاضای نیروی کار، دستمزدها افزایش یابند، زیرا کارفرمایان به دنبال حفظ نیروهای موجود و جذب نیروهای جدید هستند. همچنین ممکن است با افزایش اشتغال امکان ورود افراد به شغل هایی با درآمد بالاتر فراهم شود. ضمن اینکه با افزایش اشتغال این امکان وجود دارد که افراد بیشتری در خانوار دارای شغل شوند و سطح کلی درآمد خانوار افزایش یابد. با توجه به اینکه آزر برگ و شارپ (۲۰۰۲) بیان کردند که هم مصرف فعلی و هم میراثی که افراد برای نسل آینده خود باقی می گذارند، بر میزان رفاه اقتصادی اثر گذار است، بنابراین افزایش درآمد حاصل شده از مسیر اشتغال در هر شرایطی (مصرف یا پس انداز) موجب افزایش رفاه اقتصادی خواهد شد.

از سوی دیگر، افزایش اشتغال در بخش رسمی اقتصاد شرایط انتقال نیروی کار را از بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد فراهم می آورد، زیرا برخی افراد زمانی که اشتغال رسمی

که نابرابری درآمد یکی از مسیرهای اصلی در رابطه با اثرگذاری تورم بر رفاه اقتصادی است. آزر برگ و شارپ (۲۰۰۲) بیان می کنند که اگر در جامعه ای همه افراد ۵۰۰ دلار درآمد داشته باشند و درآمد خود را به گونه ای باز توزیع کنند که نیمی از جمعیت ۹۹۹ دلار و نیمی دیگر ۱ دلار درآمد داشته باشند، آیا وضعیت رفاه اقتصادی مشابه با حالت قبل خواهد بود؟ آنها بیان می کنند که اگرچه درآمد متوسط بدون تغییر می ماند، اما جامعه برابرتر احتمالاً مطلوبیت کل بالاتری دارد. بنابراین، بر اساس این تفسیر، هرچه جامعه به واسطه تورم نابرابرتر شود، رفاه اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت و بالعکس.

در مورد اثرگذاری تورم بر نابرابری درآمد، تحلیل های متفاوتی وجود دارد. برخی مجراها رابطه مثبت و برخی دیگر رابطه منفی بین تورم و نابرابری درآمد را تبیین می کنند. در باب رابطه مثبت تورم و نابرابری درآمد این استدلال وجود دارد که تورم می تواند از طریق انتقال درآمد از دستمزددبگیران به صاحبان سرمایه بر نابرابری درآمد اثر بگذارد.

تایسون بیان می دارد که تورم باعث کاهش دستمزد حقیقی و از این طریق موجب کاهش درآمد فقرا می شود. علاوه بر این، تورم همچون مالیاتی بر افراد فقیر است، زیرا به طور معمول فقرا در مقایسه با ثروتمندان سهم عمده ای از ثروت خود را به صورت پول نقد نگهداری می کنند. در نتیجه، در مقایسه با ثروتمندان که ترکیبی از پول نقد و دارایی سرمایه ای را در اختیار دارند، بیشتر در اثر تورم با کاهش قدرت خرید و بی ارزش شدن دارایی خود مواجه می شوند. در مورد رابطه مثبت تورم و نابرابری درآمد می توان به اثر منفی تورم بر پرداخت های انتقالی دولت که شامل یارانه نقدی و بیمه بیکاری می شود، اشاره داشت. با افزایش تورم، ارزش پرداختی های دولت کاهش می یابد. در نتیجه، با توجه به اینکه عمده افرادی که پرداخت های انتقالی دولت به آنها تعلق می گیرد از دهک های پایین درآمدی هستند؛ این موضوع باعث افزایش نابرابری در جامعه خواهد شد. بنابراین، بر اساس این استدلال ها تورم می تواند از طریق افزایش



شکل ۱: روند نرخ رشد شاخص ترکیبی رفاه

داخلی است. گودرزی فراهانی و همکاران (۲۰۱۱)، با بهره‌گیری از داده‌های سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ دریافتند که میزان هزینه رفاهی تورمی برای نرخ تورم ۱۰ درصدی، به میزان ۵/۵ است، در حالی که برای مدل با شاخص‌بندی کامل، میزان این هزینه رفاهی ۳/۷ درصد است. بوئل و کمر (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای میان ۲۳ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ دریافتند که متوسط هزینه رفاهی ناشی از تورم دائمی کمتر از ۰/۵ درصد مصرف خصوصی در کشورهای مورد مطالعه است. زائری و ندری (۲۰۱۳)، با بررسی داده‌های ایران در دوره ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۷ دریافتند که متوسط هزینه رفاهی در دو حالت لگاریتمی و نیمه‌لگاریتمی به ترتیب برابر با ۳/۵۴ و ۱/۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی است. خلیلی عراقی و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های فصلی در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ دریافتند که در مدل ایستا برای نرخ تورم ۱۰ درصدی، هزینه رفاهی تورم به صورت نسبی از درآمد برابر با ۳۷۵ و برای یک مدل پویا برابر با ۳۵/۴ است.

کائو و همکاران (۲۰۲۱)، با بهره‌گیری از داده‌های بودجه خانوار کانادا در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ دریافتند که افزایش تورم به میزان ۳ درصد، به میزان ۱۳ درصد مصرف یک سال هزینه رفاهی به همراه دارد که عمدتاً به اقشار فقیر و سالمندان تحمیل می‌شود. سرتیس و ژوسال، (۲۰۲۱) با استفاده از داده‌های فصلی ایالات متحده در بازه زمانی ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۹ نشان دادند که با افزایش تورم از ۲ درصد به ۴ درصد، هزینه رفاهی معادل ۰/۳۰ درصد تولید ایجاد می‌شود.

همچنین برخی دیگر از مطالعات اثر رفاهی گروه‌های مختلف قیمتی را بررسی کردند. در این گروه از مطالعات صامتی و ایزدی (۲۰۱۴) با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان اصفهان طی دوره ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به این نتایج دست یافتند که افزایش قیمت‌ها به ترتیب در گروه کالای خوراکی‌ها، مسکن، حمل و نقل، سایر کالاهای متفرقه، بهداشت و درمان، پوشاک و کفش، اثاث و لوازم، تفریح و تحصیل خانوارها را با بیشترین زیان رفاهی مواجه کرده است. همچنین در مطالعه‌ای دیگر، حکمتی فرید و همکاران (۲۰۱۶)، اثر افزایش قیمت هشت گروه کالایی بر رفاه خانوارهای روستایی ایران را طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ مورد آزمون قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش قیمت هر یک از گروه‌های کالایی، متناسب با سهم خود در حداقل معاش خانوار، رفاه خانوارهای روستایی را کاهش می‌دهد. همچنین، آرمان‌مهر و فرهنگ‌منش (۲۰۱۷)، اثرات رفاهی ناشی از افزایش قیمت هشت گروه کالایی را در دوره ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ در میان خانوارهای شهری ایران مورد بررسی قرار دادند.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که افزایش قیمت باعث کاهش رفاه بیشتری در دهک‌های درآمدی پایین نسبت به دهک‌های ثروتمند می‌شود، اما با افزایش قیمت یک گروه کالایی و ثبات قیمت دیگر گروه‌های کالایی آسیب‌پذیرترین دهک درآمدی از نظر کاهش رفاه متفاوت است. صادقی حسونوند و همکاران (۲۰۲۱)، اثر تعدیل قیمت گروه‌های کالایی (خوراک، مسکن، حامل‌های انرژی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و سایر کالاها) را بر رفاه خانوار روستایی ایران در دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین زیان رفاهی متعلق به گروه کالایی خوراک است که بیشترین سهم را در میان مخارج خانوار دارد. در مرحله بعد به ترتیب مسکن، حمل و نقل، بهداشت و درمان و حامل‌های انرژی قرار دارند.

را قابل دسترس نمی‌بینند، به ناچار اشتغال غیررسمی را انتخاب می‌کنند. بنابراین، با افزایش اشتغال در بخش رسمی اقتصاد، امکان انتقال این دسته از نیروی کار فراهم می‌شود. با توجه به اینکه به طور معمول بخش رسمی دستمزدهای بالاتری از میانگین رابه افراد پیشنهاد می‌کند، در نتیجه افراد و خانوار با افزایش درآمد و بهره‌رو خواهند شد. از سوی دیگر، با توجه به این موضوع که در بخش رسمی اقتصاد افراد از حمایت قانون کار و سازمان‌های تامین اجتماعی برخوردارند، در صورت بروز مشکلاتی همچون بیماری، از کارافتادگی و غیره، به دلیل بهره‌مندی از حمایت سازمان‌های تامین اجتماعی و قانون کار، برای امرار معاش با مشکلات جدی روبه‌رو نمی‌شوند. در نتیجه، انتقال نیروی کار از بخش غیررسمی به رسمی (به دلیل افزایش اشتغال)، درآمد آینده افراد تضمین می‌شود و امنیت اقتصادی افراد افزایش می‌یابد که در نتیجه افزایش رفاه اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

در حوزه کاربردی و ادبیات تجربی، پژوهش‌های متعددی در زمینه نوع اثرگذاری تورم بر رفاه انجام شده است که بیشتر این مطالعات میزان هزینه رفاهی ناشی از افزایش تورم را محاسبه کرده‌اند. در همین زمینه، سرتیس و یآوری با مطالعه‌ای در دوره ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ در منطقه اروپا دریافتند که هزینه رفاهی افزایش تورم در کشورهای بزرگ کمتر از کشورهای کوچک است. چیو و ملیکو دریافتند که هزینه رفاهی ناشی از افزایش تورم از صفر به ۱۰ درصد در کشور ایالات متحده به میزان ۰/۶۲ درصد مصرف است. بختیاری و صمدپور (۲۰۱۱)، هزینه رفاهی تورم را در ایران در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اگر نرخ تورم از ۳ درصد به ۱۵ درصد افزایش یابد، هزینه رفاهی تورم در مدل لگاریتمی از ۰/۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی به ۱/۷ درصد به تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. همچنین در مدل نیمه‌لگاریتمی این افزایش از ۰/۱۲ درصد به ۲/۳ درصد تولید ناخالص

چشم انداز تاریک تولید

۱۷ درصد رسیده است. گفتنی است میانگین سالانه شاخص قیمت نیز در تیرماه سال ۱۴۰۲ روند نزولی یک سال اخیر خود را ادامه داد و با ۳/۴ واحد درصد کاهش نسبت به ماه قبل، میزان ۳۱/۳ درصد افزایش را نشان می دهد.

طی تیرماه سال ۱۴۰۲، شاخص تولید شرکت های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۳ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۴/۷ درصدی مواجه شده است. در این ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل از بین ۱۵ رشته فعالیت صنعتی بورسی ۸ رشته فعالیت افزایش در شاخص تولید و ۷ رشته فعالیت کاهش در شاخص تولید را تجربه کرده اند. رشته فعالیت های «تجهیزات برقی»، «دارو» و «خودرو و قطعات» بیشترین سهم را در افزایش شاخص تولید

مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی به تحلیل و بررسی بخش حقیقی حوزه صنعت و معدن اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۲ پرداخت. دفتر مطالعات اقتصادی این مرکز در گزارشی با عنوان «پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران در تیرماه سال ۱۴۰۲ بخش صنعت و معدن» بیان کرد: تحلیل روند رشد بخش صنعت از جنبه های مختلف، عاملی کلیدی در تحلیل های خرد و کلان اقتصادی و یکی از ارکان تصمیم گیری در حوزه اقتصاد است. شاخص تولید بخش صنعت به دلیل تاثیر نوسانات سطح فعالیت صنعت بر بخش های دیگر اقتصاد، به عنوان یک شاخص مهم اقتصادی کوتاه مدت مورد استفاده قرار می گیرد.

در تیرماه سال ۱۴۰۲، شاخص های تولید و فروش شرکت های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۳ و ۶/۱ درصدی را تجربه کرده اند، اما نسبت به ماه قبل شاخص تولید و فروش به ترتیب کاهش ۴/۷ و ۵ درصدی داشته اند که تحت تاثیر محدودیت های تامین برق صنایع در تیرماه بوده است. در تیر سال ۱۴۰۲ شاخص تولید و فروش رشته فعالیت خودرو و قطعات بر مبنای شرکت های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۱۵/۳ و ۱۴/۷ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۸/۲ و ۵/۴ درصدی داشته است. شاخص تولید و فروش رشته فعالیت فلزات پایه نسبت به ماه مشابه سال قبل نیز افزایش ۱۲/۲ و ۵/۹ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۱۲/۵ و ۹/۸ درصدی داشته است.

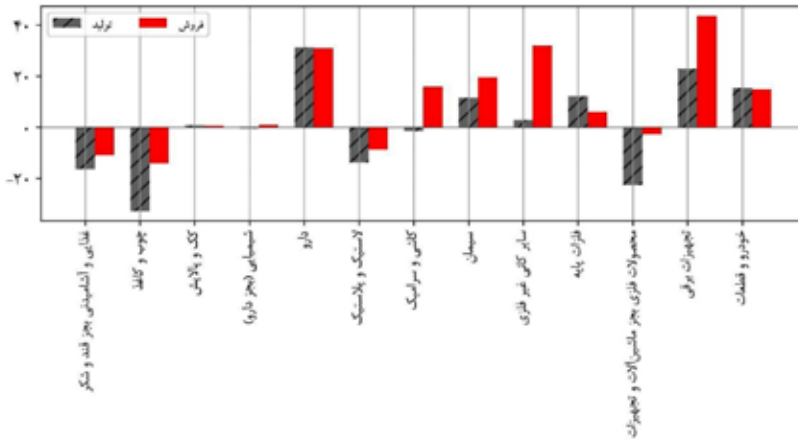
در تیر سال ۱۴۰۲ نرخ رشد ماهانه قیمت فعالیت های صنعتی بورسی رشد مثبت ۰/۴ درصدی را ثبت کرده است، همچنین رشد نقطه به نقطه با افزایش ناچیز نسبت به ماه قبل، به

جدول ۱. رشد شاخص تولید و فروش فعالیت های صنعتی و معدنی بورسی تیرماه سال ۱۴۰۲

شاخص فروش		شاخص تولید				رشد شاخص تولید و فروش
رشد چهارماهه نسبت به چهارماهه مشابه سال قبل	رشد نسبت به ماه مشابه سال قبل	رشد نسبت به ماه قبل	رشد چهارماهه نسبت به چهارماهه مشابه سال قبل	رشد نسبت به ماه مشابه سال قبل	رشد نسبت به ماه قبل	
۴/۵	۶/۱	-۵/۰	۵/۰	۳/۰	-۴/۷	صنعت
-۰/۵	۰/۸	۰/۱	-۱/۹	۰/۴	۳/۷	شیمیایی به جز دارو
-۳/۶	۵/۹	-۹/۸	۳/۷	۱۲/۲	-۱۲/۵	فلزات پایه
۱۳/۱	۱۴/۷	-۵/۴	۲۰/۸	۱۵/۳	-۸/۲	خودرو و قطعات
۲۱/۷	۱۹/۸	-۹/۶	-۰/۴	۵۰/۵	-۰/۵	معدن

مأخذ: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

نمودار ۴. رشد شاخص‌های تولید و فروش رشته‌فعالیت‌های صنعتی در تیرماه سال ۱۴۰۲ نسبت به ماه مشابه سال قبل (درصد)^۱



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نقطه به نقطه با افزایش ناچیز نسبت به ماه قبل به ۱۷ درصد رسیده است. گفتنی است میانگین سالانه شاخص قیمت نیز در تیرماه سال ۱۴۰۲ روند نزولی یک سال اخیر خود را ادامه داد و با ۳/۴ واحد درصد کاهش نسبت به ماه قبل میزان ۳۱/۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. شاخص تولید فروش و قیمت صنایع بورسی با استفاده از داده‌های ماهیانه شرکت‌های صنعتی بورسی پذیرفته شده در بورس محاسبه می‌شود. در تهیه این شاخص‌ها از اطلاعات ماهانه ۳۱۶ شرکت بورسی استفاده می‌شود و علاوه بر اندازه‌گیری تغییرات میزان تولید فروش و قیمت در بخش صنعت در محاسبات ملی نیز تاثیر بسیاری خواهد داشت و بر آوردی از تغییرات ماهانه ارزش افزوده ایجاد شده را در صنایع مختلف و به دنبال آن در کل اقتصاد منعکس می‌کنند.

شاخص تولید صنعت را بانک مرکزی و مرکز آمار ایران با تواتر فصلی و همچنین شاخص قیمت صنعت به صورت فصلی را مرکز آمار و ماهانه را بانک مرکزی منتشر می‌کند، اما الزامی به انتشار شاخص فروش صنعت ندارند. از طرفی، این آمار چندین ضعف اساسی دارد که مهم‌ترین آن وقفه سه ماهه در انتشار داده‌ها و بعضاً متوقف شدن انتشار آنها و نداشتن تواتر ماهانه است.

شاخص‌های ماهانه تولید فروش و قیمت استخراج شده از اطلاعات عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا حد زیادی می‌تواند با دقت مناسب و به صورت بهنگام تحولات بخش صنعت و معدن کشور را توضیح دهند و با توجه به بررسی‌های انجام شده و تطبیق دادن این شاخص با شاخص تولید صنعتی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران که به صورت فصلی منتشر می‌شود، مشخص شده این شاخص به خوبی می‌تواند در وقفه انتشار این شاخص‌های رسمی، شاخص جایگزین مناسبی برای آن باشد. در این مطالعه تغییرات شاخص‌های تولید فروش و قیمت شرکت‌های صنعتی و معدنی پذیرفته شده در بورس و همچنین مهم‌ترین رشته‌فعالیت‌های آن در تیرماه سال ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است.

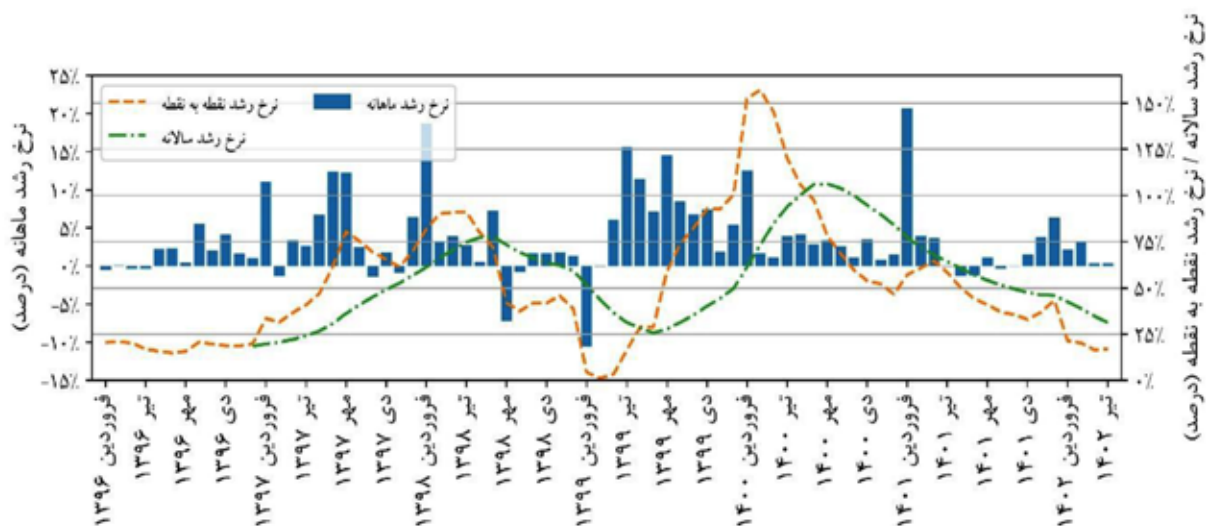
شاخص‌های تولید و فروش شرکت‌های صنعتی بورسی در تیرماه سال ۱۴۰۲، شاخص تولید و فروش شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۳ و ۶۱ درصدی را تجربه کرده است، اما نسبت به ماه قبل شاخص تولید و فروش به ترتیب کاهش ۴/۷ و ۵ درصدی داشته‌اند که احتمالاً تحت تاثیر محدودیت‌های تامین برق صنایع در تیرماه بوده است. نتایج طرح شامخ اتاق بازرگانی ایران نیز نشان می‌دهد شاخص مدیران خرید صنعت در تیرماه سال ۱۴۰۲، ۱۴۰۹/۵۰ در آستانه مرز ۵۰ بدون تغییر باقی مانده و کمترین میزان ۶ ماهه اخیر را از دی ماه (به غیر از فروردین ماه) به ثبت رسانده است. به طور کلی بدتر شدن عملکرد ناشی از کاهش شدید در سفارشات جدید بخش صنعت، کمبود نقدینگی و مشکل تامین مالی، قطعی‌های برق شرکت‌ها، تصمیمات بانک مرکزی و تغییر مداوم قوانین و مقررات باعث رکود و عدم امکان برنامه‌ریزی برای فعالان اقتصادی شده است.

و رشته‌فعالیت‌های «محصولات فلزی به جز ماشین آلات و تجهیزات» و «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» بیشترین سهم را در کاهش شاخص تولید داشته‌اند. طی تیرماه سال ۱۴۰۲ نسبت به ماه قبل رشته‌فعالیت‌های «کک و پالایش» و «شیمیایی به جز دارو» افزایش ناچیز در شاخص تولید داشته‌اند. و سایر رشته‌فعالیت‌ها کاهش در شاخص تولید را ثبت کرده‌اند که بیشترین سهم در کاهش شاخص تولید به رشته‌فعالیت‌های «محصولات فلزی به جز ماشین آلات و تجهیزات»، «لاستیک و پلاستیک» و «فلزات پایه» تعلق داشت. شاخص تولید شرکت‌های معدنی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۵۰/۵ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۵ درصدی مواجه شده است.

طی تیرماه سال ۱۴۰۲ شاخص فروش شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۶۱ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۵ درصدی مواجه شده است. در این ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۰ رشته‌فعالیت افزایش در شاخص فروش و ۵ رشته‌فعالیت کاهش در شاخص فروش داشته‌اند. رشته‌فعالیت‌های «تجهیزات برقی»،

«سایر کانی غیر فلزی» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم را در افزایش شاخص فروش نسبت به ماه مشابه سال قبل و رشته‌فعالیت‌های «لاستیک و پلاستیک» و «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» بیشترین سهم را در کاهش شاخص فروش داشته‌اند. در این ماه نسبت به ماه قبل رشته‌فعالیت‌های «کک و پالایش» و «تجهیزات برقی» بیشترین سهم را در افزایش شاخص فروش و رشته‌فعالیت‌های «لاستیک و پلاستیک» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم را در کاهش شاخص فروش ثبت کرده‌اند. شاخص فروش شرکت‌های معدنی بورسی هم نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۱۹/۸ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۹/۶ درصدی مواجه شده است. در تیر سال ۱۴۰۲ نرخ رشد ماهانه قیمت فعالیت‌های صنعتی بورسی رشد مثبت ۰/۴ درصدی را ثبت کرده است. همچنین رشد

نمودار ۲۸. درصد تغییر شاخص قیمت صنعت (۱۰۰=۱۳۹۵)



مأخذ: همان.

افزایش ناچیز در شاخص تولید داشته‌اند و سایر رشته‌های فعالیت‌ها کاهش در شاخص تولید را ثبت کرده‌اند که بیشترین کاهش در شاخص تولید متعلق به رشته‌های «محصولات فلزی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات»، «لاستیک و پلاستیک» و «فلزات پایه» بوده است. رشته‌های «کک و پالایش»، «محصولات فلزی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات» و «تجهیزات برقی» افزایش در شاخص فروش و رشته‌های «لاستیک و پلاستیک» و «فلزات پایه» کاهش در شاخص فروش داشته‌اند. در تیرماه سال ۱۴۰۲ نسبت به ماه مشابه سال قبل رشته‌های «تجهیزات برقی»، «دارو» و «خودرو و قطعات» بیشترین سهم را در افزایش شاخص تولید و رشته‌های «محصولات فلزی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات» و «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» بیشترین سهم را در کاهش شاخص تولید داشته‌اند، همچنین رشته‌های «تجهیزات برقی»، «سایر کانی غیر فلزی» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم را در افزایش شاخص فروش نسبت به ماه مشابه سال قبل و رشته‌های «لاستیک و پلاستیک» و «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» بیشترین سهم را در کاهش شاخص فروش داشته‌اند. طی تیرماه سال ۱۴۰۲ نسبت به ماه قبل، رشته‌های «کک و پالایش» و «شیمیایی به جز دارو» افزایش ناچیز در شاخص تولید داشته‌اند و سایر رشته‌های فعالیت‌ها کاهش در شاخص تولید را ثبت کرده‌اند که بیشترین سهم در کاهش شاخص تولید متعلق به رشته‌های «محصولات فلزی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات»، «لاستیک و پلاستیک» و «فلزات پایه» بوده است، همچنین رشته‌های «کک و پالایش»، «تجهیزات برقی» بیشترین سهم را در افزایش شاخص فروش و رشته‌های «لاستیک و پلاستیک» و «تجهیزات برقی» بیشترین سهم را در کاهش شاخص فروش ثبت کرده‌اند. در ادامه به بررسی رشته‌های «خودرو و قطعات»، «شیمیایی (به جز دارو)» و «فلزات پایه» به دلیل ضریب اهمیت بالای این رشته‌های فعالیت‌ها در محاسبه شاخص و همچنین رشته‌های «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» و «دارو» به دلیل اثرپذیری از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی در واردات نهاده‌های آنها پرداخته شده است.

شاخص‌های تولید و فروش رشته‌های خودرو و قطعات در تیرماه سال ۱۴۰۲ شاخص تولید رشته‌های خودرو و قطعات بر مبنای شرکت‌های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۱۵/۳ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۸/۲ درصدی داشته و همچنین شاخص فروش آن نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۱۴/۷ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۵/۴ درصدی داشته است.

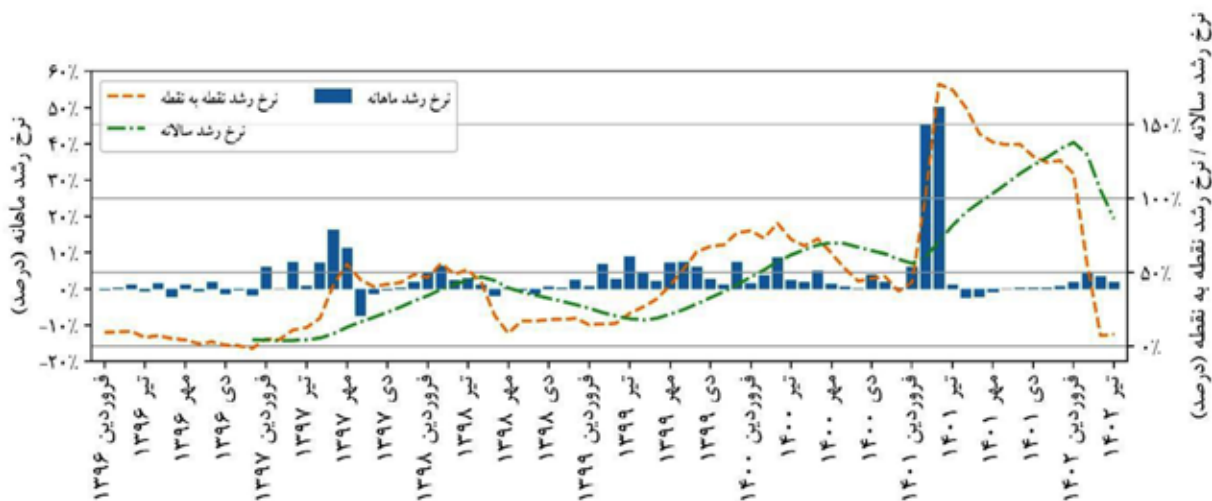
شاخص‌های تولید و فروش رشته‌های شیمیایی به جز دارو در تیرماه سال ۱۴۰۲ شاخص

طی سه ماهه منتهی به تیرماه سال ۱۴۰۲، رشد میانگین متحرک سه ماهه شاخص تولید افزایش ۵/۱ درصدی و شاخص فروش آن افزایش ۴/۵ درصدی را نشان می‌دهند.

شاخص‌های تولید و فروش به تفکیک رشته‌های فعالیت‌های صنعتی بورسی در تیرماه سال ۱۴۰۲، نسبت به ماه مشابه سال قبل از بین ۱۵ رشته‌های فعالیت صنعتی بورسی ۸ رشته‌های فعالیت در شاخص تولید و ۷ رشته‌های فعالیت کاهش در شاخص تولید داشته است. رشته‌های «دارو»، «تجهیزات برقی» و «خودرو و قطعات» بیشترین افزایش در شاخص تولید و رشته‌های «چوب و کاغذ» و «محصولات فلزی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات» بیشترین کاهش در شاخص تولید را تجربه کرده‌اند.

در این ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل از بین ۱۵ رشته‌های فعالیت صنعتی بورسی ۱۰ رشته‌های فعالیت در شاخص فروش و ۵ رشته‌های فعالیت کاهش در شاخص فروش را تجربه کرده‌اند. رشته‌های «تجهیزات برقی»، «سایر کانی غیر فلزی» و «دارو» بیشترین افزایش در شاخص فروش و رشته‌های «چوب و کاغذ» و «غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر» کاهش در شاخص فروش را تجربه کرده‌اند. در تیرماه سال ۱۴۰۲ نسبت به ماه قبل رشته‌های «کک و پالایش» و «شیمیایی به جز دارو»

نمودار ۳۱. درصد تغییر شاخص قیمت رشته‌فعالیت غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر (۱۰۰-۱۳۹۵)



مأخذ: همان.

«ورق» و «سایر» افزایش یافته است.

شاخص‌های تولید و فروش رشته‌فعالیت غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر در تیر ماه سال ۱۴۰۲، شاخص تولید رشته‌فعالیت غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر بر مبنای شرکت‌های بورسی، نسبت به ماه مشابه سال قبل کاهش ۱۶/۵ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۱۰/۹ درصدی داشته است. همچنین شاخص فروش آن نسبت به ماه مشابه سال قبل کاهش ۱۰/۹ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۱/۱ درصدی داشته است.

نسبت به ماه قبل کاهش شاخص تولید زیربخش‌های «کیک و بیسکویت»، «روغنی‌ها» و «سایر» و کاهش شاخص فروش زیربخش‌های «کیک و بیسکویت» و «لبنیات» به کاهش شاخص تولید و فروش منجر شده است. همچنین نسبت به ماه مشابه سال قبل کاهش شاخص تولید زیربخش‌های «روغنی‌ها»، «کیک و بیسکویت» و «سایر» و کاهش شاخص فروش زیربخش‌های «روغنی‌ها» و «کیک و بیسکویت» به کاهش شاخص تولید و فروش منجر شده است.

شاخص‌های تولید و فروش رشته‌فعالیت دارو در تیر ماه سال ۱۴۰۲ شاخص تولید رشته‌فعالیت دارو بر مبنای شرکت‌های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۳۱/۲ درصدی داشته و نسبت به ماه قبل بدون تغییر بوده است. همچنین شاخص فروش آن نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۳۰/۹ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۱/۹ درصدی داشته است. نسبت به ماه مشابه سال قبل شاخص تولید و فروش تمام زیربخش‌ها افزایش یافته است.

شاخص قیمت فعالیت‌های صنعتی بورسی در تیر ماه سال ۱۴۰۲ نرخ رشد ماهانه قیمت فعالیت‌های صنعتی بورسی رشد مثبت ۰/۴ درصدی راثبت کرده است. همچنین رشد نقطه به نقطه با کاهش نسبت به ماه قبل، به ۱۷ درصد رسیده است. گفتنی است میانگین سالانه شاخص قیمت نیز در تیر سال ۱۴۰۲ روند نزولی یک سال اخیر خود را ادامه داده و با ۳/۴ واحد درصد کاهش نسبت به ماه قبل، میزان ۳۱/۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

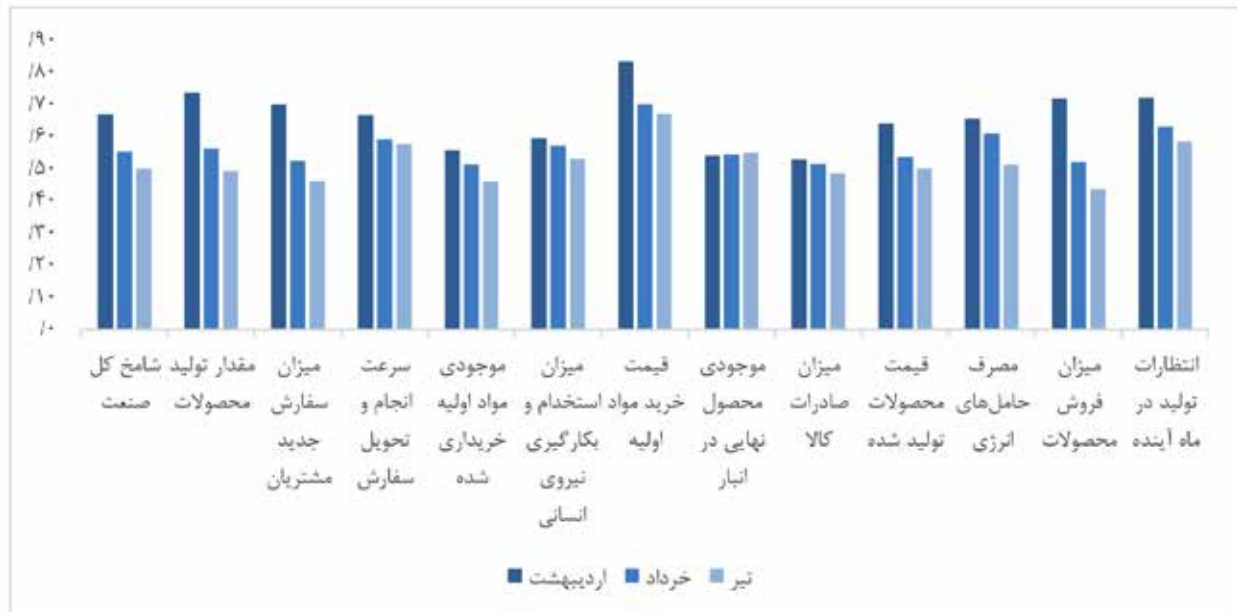
بررسی شاخص قیمت رشته‌فعالیت‌های بورسی نشان می‌دهد در تیر ماه سال ۱۴۰۲، رشته‌فعالیت‌های «سایر کانی غیر فلزی» و «سیمان» بالاترین نرخ رشد ماهانه و رشته‌فعالیت‌های «خودرو و قطعات» و «فلزات پایه» بالاترین نرخ رشد نقطه به نقطه را تجربه کرده‌اند.

رشته‌فعالیت دارو در تیر ماه نرخ رشد ماهانه ۱/۸ درصدی داشته است. شایان ذکر است رشد نقطه به نقطه رشته‌فعالیت دارو نسبت به ماه پیش کاهش یافته و به ۴۲/۷ درصد رسیده است و میانگین سالانه قیمت نیز ۷۷/۲ درصد افزایش یافته است. با حذف ارز ترجیحی مواد اولیه رشته‌فعالیت غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر، رشد ماهانه شاخص قیمت این رشته‌فعالیت در اردیبهشت و تیر سال ۱۴۰۱ به حدود ۴۵ و ۵۰ درصد رسید، اما در ماه‌های بعد و پس از

تولید رشته‌فعالیت شیمیایی به جز دارو بر مبنای شرکت‌های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۰/۴ درصدی و نسبت به ماه قبل افزایش ۳/۷ درصدی داشته است. همچنین شاخص فروش آن نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۰/۸ درصدی و نسبت به ماه قبل افزایش ۰/۱ درصدی داشته است. نسبت به ماه قبل شاخص تولید زیربخش‌های اصلی افزایش یافته است. از طرفی، نسبت به ماه مشابه سال قبل شاخص تولید زیربخش‌های اصلی به جز «پلاستیک و لاستیک مصنوعی» افزایش یافته است و شاخص فروش با توجه به افزایش شاخص فروش زیربخش «کودها و ترکیبات نیتروژن دار» در کنار کاهش سایر زیربخش‌ها تغییر چشمگیری نداشته است.

شاخص‌های تولید و فروش رشته‌فعالیت فلزات پایه در تیر ماه سال ۱۴۰۲، شاخص تولید رشته‌فعالیت فلزات پایه بر مبنای شرکت‌های بورسی، نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۱۲/۲ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۱۲/۵ درصدی داشته است. در مقابل شاخص فروش آن نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۵/۹ درصدی و نسبت به ماه قبل کاهش ۹/۸ درصدی داشته است. نسبت به ماه قبل شاخص تولید و فروش زیربخش‌های اصلی کاهش داشته است، از طرفی نسبت به ماه مشابه سال قبل شاخص تولید زیربخش «ورق»، «پروپیل» و «سایر» افزایش یافته و شاخص فروش زیربخش

شاخص مدیران خرید کل صنعت در سه ماه منتهی به تیرماه سال ۱۴۰۲



مأخذ: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی.

ماه مشابه سال قبل شده است.

جمع‌بندی

شاخص تولید فروش و قیمت صنایع بورسی از اطلاعات ماهانه ۳۱۶ شرکت بورسی استخراج می‌شود که بررسی‌ها نشان می‌دهد این شاخص با شاخص تولید صنعتی بانک مرکزی و مرکز آمار حرکتی مناسب دارد و با دقت زیادی می‌تواند تحولات بخش صنعت و معدن کشور را به صورت ماهانه رصد کند. در این گزارش تغییرات شاخص‌های تولید، فروش و قیمت شرکت‌های صنعتی و معدنی پذیرفته شده در بورس و همچنین مهم‌ترین رشته‌فعالیت‌های آن در تیرماه سال ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است. برآورد این گزارش نشان می‌دهد طی تیرماه سال ۱۴۰۲ شاخص تولید شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۳ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۴/۷ درصدی مواجه شده و همچنین شاخص فروش شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۶۱ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۵ درصدی مواجه شده است. شاخص قیمت فعالیت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۷ درصد و نسبت به ماه قبل ۰/۴ درصد افزایش یافته است.

شاخص مدیران خرید (شامخ)

نتایج طرح شامخ اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد، شاخص مدیران خرید صنعت در تیرماه سال ۱۴۰۲، ۵۰/۰۹ در آستانه مرز ۵۰ بدون تغییر باقی مانده و کمترین میزان ۶ ماهه اخیر را از دی‌ماه (به غیر از فروردین ماه) به ثبت رسانده است. کمتر شدن شیب افزایش شاخص صنعت به دلیل کاهش رشد میزان سفارشات است.

چشم‌انداز تولید در ماه آینده به پایین‌ترین سطح خود از تیرماه سال گذشته به جز (اسفندماه) رسیده است، زیرا شرکت‌های مورد بررسی در مورد طیف وسیعی از عوامل از قبیل وضع قوانین کارشناسی نشده، کمبود نقدینگی و مشکل در تامین مالی بی‌ثباتی نرخ ارز تردید مشتری برای خرید و قطعی برق از پیش تعیین نشده اشاره می‌کنند. شاخص میزان فروش محصولات در تیر (۲۳/۷۵) به کمترین مقدار ۵ ماهه خود از بهمن ماه (به غیر از فروردین) رسیده است.

تخلیه اثر این شوک به شدت کاهش یافت و تا پایان ۱۴۰۱ نیز شاخص قیمت تقریباً در همان سطح باقی ماند، اما در ماه‌های اخیر اندکی افزایش یافته و در تیرماه رشد ماهانه مثبت ۱/۹ درصدی داشته است. به‌طور مشابه رشد نقطه‌به‌نقطه شاخص قیمت در این رشته‌فعالیت از تیرماه سال گذشته مسیر نزولی را طی کرده و در تیرماه ۱۴۰۲ به ۸ درصد رسیده است. گفتنی است میانگین سالانه قیمت در این رشته‌فعالیت از تیرماه نزولی بوده و به ۸۶ درصد رسیده است.

شاخص‌های تولید و فروش شرکت‌های معدنی بورسی در تیرماه سال ۱۴۰۲، شاخص تولید شرکت‌های معدنی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۵۰/۵ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۰/۵ درصدی مواجه شده که احتمالاً به دلیل مدیریت بهتر مساله برق در این بخش است. همچنین شاخص فروش شرکت‌های معدنی بورسی هم نسبت به ماه مشابه سال قبل با افزایش ۸ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۹/۶ درصدی مواجه شده است. نسبت به ماه قبل شاخص تولید زیربخش‌های «کنسائتره» و «سایر» و شاخص فروش زیربخش‌های «کنسائتره» و «گندله» کاهش یافته است. افزایش شاخص تولید و فروش زیربخش «گندله» باعث افزایش شاخص تولید و فروش شرکت‌های معدنی بورسی نسبت به

در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

حکمرانی بخش کشاورزی و تبعات آن بر امنیت غذایی

نسیبه زارعی
پژوهشگر اقتصادی

ایجاد می کند که باعث توان و ظرفیت توسعه بیشتری می شود. در این راستا لحاظ کردن مقیاس تصمیم گیری در حکمرانی و افزایش کارایی در تصمیم و حکمرانی هوشمند در بخش کشاورزی برای تامین امنیت غذایی پیشنهاد می شود.

بخش کشاورزی یکی از اصلی ترین و امیدوار کننده ترین ابزار برای کاهش فقر و تامین معیشت محلی است. این بخش به عنوان بخش مولد نقش کلیدی در توسعه اقتصادی جهانی و امنیت غذایی دارد. یکی از شرایط حیاتی مورد نیاز بخش کشاورزی این است که اطمینان حاصل شود که ساختارهای حکمرانی خوب و سیاست های مرتبط در همه سطوح وجود دارد مطالعات نشان داده است که اقتصادهای مبتنی بر کشاورزی در سراسر جهان بیشتر در کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار یافت می شود. در این کشورهاست که امتیازات برای حکمرانی در کمترین حد خود و اغلب منفی است، زیرا سیستم های کشاورزی اغلب به دلیل تعارض، ظرفیت ضعیف نهادی و طراحی و اجرای بد سیاست های دولت آسیب می بینند. بنابراین هر گونه تلاش برای بهبود کشاورزی و نتایج امنیت غذایی باید نقش حکمرانی را نیز در نظر بگیرد. برنامه توسعه سازمان ملل حکمرانی را اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در امور کشورداری در تمام سطوح آن می داند، اما برخی دیگر از کارشناسان و صاحب نظران در این باره حکمرانی را روابط بین دولت و جامعه مدنی و حکومت کنندگان و حکومت شوندگان می دانند.

در نهایت، دولت ها بازیگران اصلی در جنبه های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی حکمرانی و امنیت غذایی هر کشور هستند. ارتباطات پیچیده بین کشاورزی، امنیت غذایی و حکمرانی نشان می دهد که تلاش برای کاهش گرسنگی مزمن باید هر سه عنصر را در بر گیرد؛ به ویژه اصول معینی از حکمرانی - مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و حاکمیت قانون - باید بخش جداناپذیر برنامه های کشاورزی و امنیت غذایی باشد. چنین تلاش هایی در میان بازیگران چند بخشی و سیستم های غذایی موثر است و به همه ذی نفعان قدرت می دهد تا تغییراتی را برای افزایش امنیت غذایی و کاهش سوء تغذیه ایجاد کنند. توجه صریح به حاکمیت و سیاست های عمومی مربوط به کشاورزی نیز به دولت ها در تحقق اهداف امنیت غذایی کمک می کند، زیرا سیستم های کشاورزی پایدار و موثر و افزایش درصد جمعیت هایی که امنیت غذایی دارند نیز از اهداف حکمرانی خوب هستند، افزایش امنیت غذایی سبب مشارکت بیشتر جامعه در فرآیندهای سیاسی می شود، در حالی که ناامنی غذایی نارضایتی ها از نهادها را افزایش می دهد و مانع مشارکت سیاسی می شود و به بروز درگیری های مسلحانه کمک می کند. توانمندسازی و تامین امنیت غذایی به مردم اجازه می دهد تا در توسعه سیاست ها مشارکت

حکمرانی مطلوب در بخش کشاورزی شامل درک تهدیدات اساسی برای امنیت غذایی، ترسیم چشم انداز تعادل بلندمدت، ایجاد تعادل میان منافع مصرف کنندگان و تولید کنندگان و مسوولیت پذیر بودن در قبال جامعه است. ایران در شاخص حکمرانی کل در کیفیت مدیریت سیاسی در سلسله تحولات در سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ در بین ۱۳۸ کشور آسیایی و آفریقایی دارای رتبه ۱۳۲ است. عملکرد حاکمیتی در کشور نیز معادل ۱/۹ یعنی ضعیف است. همچنین شاخص حکمرانی گزارش شده کشور از سوی بانک جهانی دارای ارزش پایین منفی ۱/۳ است. نتایج نشان می دهد که شاخص های یادشده در کشور پایین هستند. با توجه به گسترده بودن شاخص و معیارهای امنیت غذایی، در این گزارش از نامی غذایی به عنوان معیار یازیر مجموعه ای از امنیت غذایی استفاده شده است. تعداد زنان و مردان در ناامنی غذایی در دو سطح متوسط و شدید در بازه های ۱۳۹۵-۱۳۹۳ و ۱۴۰۰-۱۳۹۸ کاهش یافته است. تعارض به وجود آمده را می توان ناشی از پیچیده بودن مسائل حکمرانی و امنیت غذایی دانست که بسیاری از بخش ها، رشته ها و حوزه های سیاست را در بر می گیرد. ارتقا و بهبود حکمرانی بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه ظرفیت زیادی برای جایگزینی نه تنها نهادهای مصرفی، بلکه تولیدات کشاورزی

و اولویت‌های محلی را شناسایی و اجرا کنند. در گزارش حاضر به بررسی حکمرانی کشاورزی و ارتباط بخش کشاورزی، تامین امنیت غذایی و حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. در این راستا، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که اثرگذاری حکمرانی خوب باید بر امنیت غذایی چگونه است و بهبود حکمرانی چه آثاری در بخش کشاورزی دارد. در ادامه برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا حکمرانی و امنیت غذایی و پس از آن، حکمرانی خوب و بخش کشاورزی بحث می‌شود. در نهایت پس از ملاحظات امنیت اقتصادی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

حکمرانی و امنیت غذایی

عوامل ایجاد ناامنی غذایی طیف بسیار وسیعی از موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... را دربر می‌گیرد که ریشه بسیاری از آنها را می‌توان در حکمرانی ضعیف کشورها جست‌وجو کرد، اما همیشه این پرسش‌ها در نشست‌های بین‌المللی مطرح شده‌است که تضمین امنیت غذایی در عصر جهانی شدن بر عهده کیست؟ آیا بهبود حکمرانی در سطح بین‌المللی بزرگ‌ترین نیاز ما است یا کسری‌های حاکمیتی در سطح ملی؟ وقتی دولت‌های ملی در تضمین امنیت غذایی شهر و ندان خود عقب‌نشینی می‌کنند، آیا خارجی‌ها می‌توانند به جبران کسری حکومتی ناشی از آن کمک کنند؟ کمک کنندگان دو جانبه و موسسات مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی چه نقشی ایفا می‌کنند و آیا ممکن است سازمان‌های غیردولتی برای این کار وارد عمل شوند؟

پرداختن به مسائل امنیت غذایی مستلزم سطح بالایی از هماهنگی ذی‌نفعان ملی، داشتن درک روشن از مشکلات و اهداف مرتبط با عدم تامین امنیت غذایی و راه‌های غلبه بر آن است که باید با اندازه تهدید امنیت غذایی و منابع موجود در هر کشور مطابقت داشته باشد، بنابراین مشکلات گرسنگی و ناامنی غذایی نیاز فوری به تمرکز ملی دارد، نه جهانی. بسیاری از دولت‌ها هنوز کالاهای عمومی ضروری مانند زیرساخت‌های حمل و نقل آب پاک نیروی برق و تحقیقات

عمومی را برای بهره‌وری کشاورزی جدید ارائه نمی‌کنند و همین سبب ناامنی غذایی در کشورها می‌شود. در این مرحله امنیت غذایی نیازمند حکمرانی خوب و موثر است. حکمرانی موثر در تامین امنیت غذایی باید شامل این موارد باشد؛ درک تهدیدات اساسی برای امنیت غذایی، چشم‌انداز تعادل بلندمدت و ایجاد تعادل بین منافع مصرف‌کنندگان از سویی و تولیدکنندگان و تامین‌کنندگان مواد غذایی از سوی دیگر اطمینان از دسترسی به غذا را برای آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه به وجود آورد و در قبال جامعه مسوولیت پذیر باشد. در ادامه شاخص‌های حکمرانی و امنیت غذایی در کشورهای مختلف بررسی و مقایسه می‌شود.

شاخص حکمرانی در جدول شماره یک، به کیفیت مدیریت سیاسی در سلسله‌تحوالات هر کشور اشاره دارد. در این شاخص تصمیم‌گیرندگان سیاسی و عملکرد آنها با در نظر گرفتن مشکلات ساختاری در هر کشور ارزیابی شده‌است. مقدار شاخص یادشده از عملکرد حاکمیتی در عامل سطح دشواری و سختگیری تعیین شده‌است. در بین ۱۳۸ کشور آسیایی و آفریقایی، شاخص حکمرانی کشور در رتبه ۱۳۲ام است. بهترین رتبه بر اساس این شاخص یک است که به تایوان تعلق دارد و کمترین رتبه ۱۳۷ مربوط به اریتره در قاره آفریقا است. بازه محاسبه شده این شاخص در بین کشورهای مورد بررسی یک و ۷/۴۶ است که رتبه ایران با درجه بسیار بسیار ضعیف ۱۷ است. عملکرد حاکمیتی در کشور نیز ۱/۹ یعنی ضعیف است. در کشورهای گزارش شده، چین بهترین رتبه در عملکرد را با مقدار ۵/۲۹ دارد. در ادامه به شاخص وضعیت و مقایسه آن در کشور با برخی از کشورهای آسیایی می‌پردازیم.

شاخص وضعیت، ترکیبی از وضعیت دموکراسی هر کشور و وضعیت اقتصادی آن است. این شاخص با بررسی دو بعد تحلیلی سیاسی و اقتصادی مشخص می‌کند که هر یک از ۱۳۸ کشور آسیایی و آفریقایی در مسیر خود تحت دموکراسی حاکمیتی و اقتصاد بازار در چه موقعیت و رتبه‌ای قرار گرفته‌اند. بازه این شاخص در کشورهای مورد بررسی یک و ۱۰ است. بهترین کشور از نظر شاخص وضعیت دارای مقدار ۱۰ و بدترین کشور دارای مقدار یک است. مقدار شاخص وضعیت کشور ۲/۸۳ با درجه بسیار بسیار ضعیف است. گفتنی است یکی از بزرگ‌ترین دلایل پایین بودن این شاخص، وجود تحریم‌های بلندمدت علیه کشور است. بهترین شاخص وضعیت در کشورهای مورد بررسی مربوط به کشور هند با مقدار ۵/۸۸ است. برای بررسی بیشتر، روند شاخص حکمرانی و وضعیت در کشور گزارش شده است. همان‌طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود، شاخص وضعیت و حکمرانی در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ دارای روند نزولی است. شاخص حکمرانی دارای کمترین و بیشترین رتبه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۱۰۱ و ۱۳۲ است. همچنین شاخص وضعیت دارای کمترین و بیشترین رتبه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۹ (= ۱۴۰۱) به ترتیب ۹۵ و ۱۲۷ است. در ادامه، شاخص حکمرانی در بانک جهانی نیز برای کشور گزارش می‌شود.

شاخص‌های گزارش شده در بانک جهانی برگرفته از یافته‌های موسسات مختلف بین‌المللی مانند EIU، ICRG، بنیاد هریتیج و خانه آزادی است. این شاخص‌ها وضعیت اقتصادی سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام و شاخص‌های کلی و جدیدی با عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند. نتایج محاسبات عملکرد حکمرانی در بازه منفی ۲/۵ (ضعیف) و ۲/۵ (قوی) است. هر چقدر مقدار شاخص حکمرانی خوب به منفی ۲/۵ نزدیک باشد نشان از ضعف بودن آن شاخص است و هر چقدر به ۲/۵ نزدیک شود نشان‌دهنده قوی بودن شاخص مورد نظر است. در ۶ شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی ثبات سیاسی کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات حاکمیت قانون و کنترل فساد گزارش شده، شاخص حکمرانی در کشور دارای ارزش پایین منفی ۱/۳ است. این به معنی مناسب نبودن شاخص‌های حکمرانی است. همچنین رتبه در جدول بالا نشان‌دهنده رتبه صدک کشور در جهان است. صفر نشان‌دهنده پایین‌ترین مقدار است و ۱۰۰ بیشترین رتبه را شامل می‌شود. بیشترین رتبه صدک کشور در شاخص کارایی و اثربخشی دولت در سال ۱۳۹۴، معادل ۶۶۳ است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو سری داده مورد بررسی برای تحلیل شاخص

حکمرانی در کشور گزارش ناشی از خوب نبودن شاخص حکمرانی را در کشور دارند. در این گزارش از ناامنی غذایی به عنوان شاخص یا زیرمجموعه‌ای از امنیت غذایی استفاده شده است. امنیت غذایی و ناامنی غذایی دو تعریف متفاوت هستند؛ ناامنی غذایی به عدم دسترسی کافی به غذای خوب، سالم و مناسب فرهنگی اشاره دارد و امنیت غذایی به معنای دسترسی مطمئن به مواد غذایی خوب، سالم و مناسب فرهنگی است. این بدین معناست که شما با خانواده‌تان نگران پرداخت هزینه خواربار جایی که وعده غذایی بعدی شما ممکن است، تهیه شود با کاهش دادن غذا برای پرداخت قبوض نیستید.

تعداد زنان، مردان و تمام افراد با ناامنی غذایی متوسط و شدید در بازه‌های مورد بررسی ۱۳۹۵-۱۳۹۳ و ۱۴۰۰-۱۳۹۸ کاهش یافته (تمام شاخص‌های گزارش شده در سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد نشان‌دهنده افزایش امنیت غذایی در کشور است) در حالی که شاخص حکمرانی گزارش شده نشان‌دهنده وضعیت نامناسب کشور در میان کشورهای آسیایی و آفریقایی است. این موضوع عدم ارتباط شاخص حکمرانی با امنیت غذایی بیان می‌کند. پیشرفت علم در گذر زمان، ورود فناوری‌های بهتر به ویژه در بخش کشاورزی (نه لزوماً فناوری‌های روز دنیا) و افزایش تولید و گذار می‌تواند دلایل کاهش ناامنی غذایی در کشور بر شمرده یا عدم قابل اعتماد بودن شاخص هادانست برای تحلیل سرعت کاهش ناامنی غذایی در کشور و ارتباط آن با شاخص حکمرانی، به بررسی سرعت کاهش ناامنی غذایی و شاخص حکمرانی برخی از کشورها پرداخته می‌شود.

به‌طور متوسط شاخص حکمرانی در کشورهای هند و ترکیه بیشتر از چین و پاکستان در دوره مورد بررسی است. متوسط عملکرد حاکمیتی کشورهای هند و ترکیه نیز کارا تر از عملکرد حاکمیتی در کشورهای پاکستان و چین است.

همان‌طور که گفته شد، شاخص وضعیت ترکیبی از وضعیت دموکراسی و اقتصادی است. کشوری که دارای شاخص وضعیت

بالا تری باشد، در وضعیت اقتصادی و دموکراسی بهتری قرار گرفته است. در چهار کشور مورد بررسی شاخص وضعیت هند در شرایط بهتر و شاخص وضعیت پاکستان در شرایط بدتری قرار دارد. در ادامه به بررسی روند امنیت غذایی در این چهار کشور پرداخته می‌شود.

شاخص جهانی امنیت غذایی مسائل مربوط به مقرون به صرفه بودن غذا، در دسترس بودن کیفیت و ایمنی منابع طبیعی و انعطاف‌پذیری را برای ۱۱۳ کشور در نظر می‌گیرد. این شاخص مدل معیاری کمی و کیفی پویاست که از ۵۸ شاخص منحصر به فرد ساخته شده است که عوامل موثر بر امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را اندازه‌گیری می‌کند.

در این ارزیابی، چین دارای کمترین رتبه در میان چهار کشور مورد بررسی است و بیشترین رتبه را پاکستان دارد. تغییرات در چهار کشور مورد بررسی در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ مثبت هستند و بیشترین تغییرات مثبت را نیز چین در افزایش امنیت غذایی داشته است. کمترین تغییرات در سال‌های مورد بررسی مربوط به ترکیه با ۱/۱ درصد است. در یک مقایسه متوجه می‌شویم که نمی‌توان با استفاده از داده‌های در دسترس دو متغیر شاخص حکمرانی و امنیت غذایی از تباطو موثری یافت. این موضوع ناشی از چندین دلیل مهم زیر است:

- امنیت غذایی به معنای دسترسی همه افراد جامعه در تمام ادوار به غذای کافی و سالم برای داشتن زندگی سالم و فعال است، اما نوع غذا، شرایط دسترسی به غذا و میزان دسترسی در هر کشوری متفاوت است. بنابراین، سطح تامین امنیت غذایی مختلف است. از این رو نیاز یک شاخص امنیت غذایی بومی برای هر کشور و منطقه در این مرحله مشخص می‌شود.

- با گذر زمان موج گسترده‌ای از فناوری‌های جدید منابع تازه برای افزایش امنیت غذایی و تکنیک و روش‌های کاربردی در مزرعه کشف شده است که باعث افزایش امنیت غذایی در کل دنیا می‌شود. کشورهای با شاخص حکمرانی پایین نیز در این موج قرار گرفته‌اند و همین سبب افزایش امنیت غذایی آنان شده است.

- امنیت غذایی و تغذیه چالشی پیچیده است که بسیاری از بخش‌ها، رشته‌ها و حوزه‌های سیاست در هر کشور را در بر می‌گیرد و عوامل و متغیرهای متفاوتی مانند متغیرهای هواشناسی، اقلیمی، سیاسی و اقتصادی بر امنیت غذایی موثر هستند. در نتیجه شاخص حکمرانی نمی‌تواند منعکس‌کننده تمام این عوامل باشد. محرک‌های مهم تغییر در عرصه امنیت غذایی، سیاست‌های موثر و هماهنگ در سطح قاره‌ای، منطقه‌ای و ملی است. ارتباط بین حوزه‌های مختلف سیاست محیط کسب و کار، نوآوری در سطح نهادی و سازمانی و رویکردهایی برای افزایش و بزرگ‌سازی حاکمیت زمین و مشارکت نیز از موضوعات مهم سیاست به شمار می‌رود.

- آثار شاخص حکمرانی و امنیت غذایی باید در بازه بزرگ‌تر و داده‌های دقیق‌تری بررسی شود (بررسی موارد بالا نیازمند اطلاعات بیشتر و برآورد مدل‌های متناسب با متغیر و داده‌هاست).

حکمرانی خوب و بخش کشاورزی

حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه بر اساس تعریف بانک جهانی عبارتند از سیاست‌گذاری‌های پیش‌بینی‌پذیر، شفاف و روشن، بوروکراسی آغشته به اخلاق حرفه‌ای در راستای پیشبرد منافع عمومی، حاکمیت قانون، فرآیندهای شفاف و جامعه مدنی قدرتمندی که در امور مردمی شرکت می‌کند. این حکمرانی چندبعد دارد که شامل ثبات سیاسی حاکمیت قانون مسوولیت‌پذیری، دولت‌های موثر کیفیت نظارتی و کنترل فساد می‌شود. این نوع حکمرانی از اهداف کشاورزی و امنیت غذایی از طریق مسیرهای متعدد حمایت می‌کند.

سیستم حکمرانی خوب باید به بحران غذایی پاسخ دهد و به مشکلات پیچیده ناامنی غذایی رسیدگی کند تا گرسنگی را از بین ببرد. حاکمیت خوب به برنامه‌ها اجازه می‌دهد تا استراتژی‌های امنیت غذایی را تدوین کنند و با همسو کردن اهداف و اقدامات در تمام سطوح دولت به نیازهای متنوع و همیشه در حال تغییر پاسخ می‌دهد. برای مثال، در برزیل وزارتخانه جدیدی اهداف غذا و تغذیه را به عنوان اولویت ملی دنبال می‌کند که به بهبود امنیت غذایی

در سراسر این کشور کمک کرده است. این کشور ۵۰ سال پیش، واردکننده کالاهای اساسی و ضروری بود، اما امروز به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای در این عرصه تبدیل شده است و امنیت غذایی ۲۰ درصد مردم جهان را تامین می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های حکمرانی خوب این کشور طرف قرارداد بودن دولت برزیل با کشورهای کوچک مقیاس است، به گونه‌ای که دولت برزیل به کشاورزهای کوچک مقیاس انواع نهاده‌ها مانند کود، سم و حتی لباس، کفش و... می‌دهد و از آنها گندم و بذر گندم خریداری می‌کند، اما کشاورزان بزرگ مقیاس این کشور تحت حمایت اتحادیه هستند. اتحادیه در برزیل بازوی اجرایی قدرتمند در کنار دولت است. مثال کوچک این اقدام در ایران تشکیل قرارگاه امنیت غذایی است که وظیفه تامین امنیت غذایی در کشور را دارد.

در سطح محلی، سازمان‌های جامعه مدنی که با دولت کار می‌کنند، کمک‌های ارزشمندی به امنیت غذایی می‌کنند. بیشتر درگیری‌های مسلحانه در جهان در کشورهای کم‌درآمد و با کمبود مواد غذایی اتفاق می‌افتد که به تولیدات کشاورزی وابسته هستند. این نوع کشورها که به اندازه کافی در کشاورزی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بیشتر در معرض ناامنی غذایی مزمن هستند. در ادامه، به نکاتی در حکمرانی خوب و مطلوب در بخش کشاورزی اشاره می‌شود. حکمرانی خوب اصطلاحی است که به اقتضای شرایط تعیین می‌شود و متناسب با مساله و شیوه اجرای تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها انجام می‌شود. هر تصمیم نیز یک جریان فکری است؛ یعنی انتخاب‌های مختلف از میان گزینه‌های مختلف. حال تصمیم‌گیری‌ها در بخش کشاورزی و حکمرانی آن به تناسب نوع مسائل و ذی‌نفعان آن نیازمند این است که به صورت فاصله‌ای باشد، نه نقطه‌ای.

حکمرانی خوب باید دربرگیرنده تمام ابعاد و جنبه‌های تمام اقتدارها اعم از اقتدار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

حکمرانی خوب بخش کشاورزی با حکمرانی خوب روستا در هم تنیده شده، به عبارت دیگر حکمرانی کشاورزی زمانی

خوب و مطلوب است که با حکمرانی روستایی پیوند خورده باشد. حکمرانی روستایی خوب نیز در چارچوب علت و معلول یا علیت دوسویه با حکمرانی کشاورزی خوب تعریف می‌شود. یکی از دلایلی که حکمرانی کشاورزی کارکردهای اصلی خود را ندارد، همین جزیره‌ای کار کردن است. برای مثال، در کشور وزارت جهاد کشاورزی مستقل از معاونت توسعه روستایی تصمیم می‌گیرد. همین باعث عدم اجرا یا ناکارآمد شدن طرح‌ها می‌شود.

چارچوب نهادی برای حکمرانی کشاورزی دارای ابعاد عمودی و افقی است. در بعد عمودی موسسات دارای سلسه مراتب بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی هستند و در بعد افقی موسسات دارای بخش‌های مختلفی هستند.

بهترین نوع سیاست‌ها به ویژه سیاست‌ها در بخش کشاورزی، سیاست‌های ترکیبی است. سیاست‌های موجود در سیاست‌های ترکیبی باید هم راستا و هم جهت باشند.

حکمرانی خوب در بخش کشاورزی با تصمیم‌گیری پویا و دانش‌آینده پژوهی همراه است، چرا که این بخش با رفتار انسان، اقلیم حیوان، گیاهان و... مرتبط است.

ملاحظات امنیت اقتصادی

تضمین امنیت غذایی یکی از وظایف کلیدی دولت است. عدم امنیت غذایی در شرایط نامطلوب، واکنش زنجیره‌ای با پیامدهای منفی به همراه دارد. هر نوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت در حوزه امنیت غذایی بازتابی دوچندان در جامعه دارد. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولت را می‌توان حکمرانی معرفی کرد؛ حکمرانی‌ای که در آن سیاست‌ها، تدوین، انتخاب پیاده‌سازی ارزیابی و جایگزین می‌شود (حاجی حسینی و کریم میان ۱۳۹۸).

بنابراین، حکمرانی توانایی ایجاد امنیت ملی اقتصادی در هر کشور را با تامین امنیت غذایی ایجاد می‌کند یا برعکس امنیت ملی اقتصادی را با عدم تامین امنیت غذایی به خطر می‌اندازد. حکمرانی‌ای که بتواند امنیت غذایی و کشاورزی پایدار بخش کشاورزی به عنوان بخش تولیدکننده کالاهای اساسی و اصلی‌ترین بخش در تامین امنیت غذایی را در هر کشور تامین کند، حکمرانی کشاورزی خوب و مطلوب نام‌گذاری می‌شود، زیرا امنیت غذایی و ایجاد کشاورزی پایدار به ایجاد دولت‌های باثبات و شفاف در حکمرانی خوب کمک می‌کند که این نوع دولت‌ها نیز به سیستم‌های کشاورزی و امنیت غذایی فراگیرتر و موثرتر کمک می‌کنند. جایگاه دولت در حکمرانی خوب نهاد اجتماعی نهاد ساز است؛ به طوری که این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار و بخش کشاورزی زمینه‌های امنیت غذایی و رشد اقتصادی را فراهم آورد (به تبع این دولت تکامل یافته به صفات و ویژگی‌های دولت‌های پیشین آراسته است که وی را در انجام دادن وظایف اقتصادی همراهی می‌کند) به نوعی که شرایط را برای توسعه پایدار فراهم می‌کند (کریمی و همکاران ۱۳۹۶).

حکمرانی بد باعث توسعه محدود و رشد نامتوازن در اقتصاد می‌شود و امنیت اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. چنانچه این مساله حل و برطرف نشود، به مرور زمان امنیت ملی نیز به خطر می‌افتد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و مطلوب نه تنها در بخش کشاورزی، بلکه در تمام بخش‌های اقتصادی و غیراقتصادی باعث تامین امنیت غذایی و ایجاد اطمینان خاطر در جامعه می‌شود. در نتیجه حکمرانی خوب تأثیر مثبتی بر پایداری بخش کشاورزی و امنیت غذایی دارد.

راهبردهای تنظیم بازار و ذخیره کالاهای اساسی در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

حمایت از تولید داخلی و شرکت‌های دانش‌بنیان

نسیبه زارعی // پژوهشگر اقتصادی

قیمت تضمینی، سیاست ذخیره احتیاطی، سیاست پرداخت جبرانی و صندوق تثبیت قیمت و درآمد است. سیاست مرزی نیز شامل پرداخت یارانه، محدودیت و اعمال تعرفه‌های وارداتی و صادراتی است. سیاست‌های داخلی اغلب با هدف تعیین و تثبیت قیمت در داخل گرفته می‌شود. تثبیت قیمت برای اهدافی مانند تثبیت قیمت دریافتی تولیدکنندگان و تثبیت قیمت دریافتی صادرکنندگان به کار می‌رود. در این نوع سیاست قیمت کالا و محصول ثابت باقی می‌ماند و تغییر آن منوط به پیشنهاد دولت یا تصویب مجلس است. قیمت کف و سقف به ترتیب برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اجرایی می‌شود. اگر قیمت محصول بسیار پایین‌تر از هزینه تمام‌شده آن باشد، دولت با تعیین قیمت کف برای آن محصول از ضرر بیش از اندازه تولیدکننده جلوگیری می‌کند. در برخی موارد، قیمت کالا و محصول در بازار بسیار بیشتر از قیمت واقعی آن است، بنابراین دولت با تعیین قیمت سقف در بازار ورود می‌کند و مانع از کاهش منفعت مصرف‌کنندگان می‌شود. در قیمت تضمینی دولت با احتساب

تنظیم بازار محصولات کشاورزی در دنیا به دلیل حساسیت کالاهای اساسی و مساله امنیت غذایی اهمیت بالاتری نسبت به دیگر کالاها و خدمات دارد. در ایران شرکت‌های مباشر دولتی، شرکت پشتیبانی امور دام، شرکت بازرگانی دولتی ایران و سازمان مرکزی تعاون روستایی متولی تنظیم بازار کالاهای اساسی هستند. دو شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و پشتیبانی امور دام و سازمان تعاون روستایی متولیان خرید و ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی اساسی و استراتژیک هستند. عدم توزیع مناسب انبارهای دولتی و خصوصی در استان‌ها بر اساس پراکنندگی جمعیت یکی از بزرگ‌ترین مسائل این شرکت‌هاست، به همین دلیل برای برخی از استان‌ها و شهرها با جمعیت بالا و ظرفیت پایین انبارها از استان‌های حامی استفاده می‌کنند. این مساله باعث افزایش هزینه‌های حمل و نقل می‌شود. انبار کردن کالاهای اساسی وارداتی پس از تخلیه در بندر امام خمینی (ره) نیز بر شدت این مساله افزوده است، از این رو راهکارهایی ناظر بر شرایط پیش‌رو برای تنظیم بهتر بازار محصولات بخش کشاورزی در راستای تامین امنیت غذایی پیشنهاد می‌شود که عبارت است از ثبت و تدوین آمار و اطلاعات واقعی و دقیق بخش کشاورزی به صورت داده‌های تاریخی و سری زمانی، مدیریت هوشمند توزیع کالاهای اساسی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی و حمایت از تولید داخلی است.

تنظیم بازار قیمت و مقدار تعادلی در راستای ایجاد تعادل برای حفظ رفاه حال مصرف‌کنندگان و حمایت از تولیدکنندگان در بازار مشخص می‌کند که اغلب توسط دولت کنترل و نظارت می‌شود. دولت با استفاده از قیمت و مقدار کالا تعیین می‌کند چه نوع بنگاه‌هایی می‌توانند وارد بازار شوند. هدف از تنظیم بازار و نظارت بر آن کنترل مشکلات ناگهانی مانند افزایش ناگهانی قیمت و کاهش مقدار عرضه در برهه‌ای خاص، تنظیم استانداردهای سودمند در تولید و عرضه کالا، ترویج عدالت و انصاف است.

سیاست‌های تنظیم بازار به دو گروه سیاست‌های داخلی و مرزی تقسیم می‌شود. سیاست‌های داخلی شامل سیاست‌هایی با هدف تنظیم بازار با استفاده از کالاهای داخل کشور از طریق سیاست‌های قیمتی مانند سیاست‌های تثبیت قیمت، قیمت کف، قیمت سقف،

هزینه‌های تولید محصول اغلب برای کالاهای استراتژیک مانند گندم، ذرت و... قیمت مشخصی در نظر می‌گیرد و با قیمت تعیین شده اقدام به خرید کالا و محصول از تولیدکنندگان می‌کند، در سیاست صندوق تثبیت قیمت و درآمد، ضرر تولیدکنندگان در صورت پایین بودن قیمت بازار از قیمت هدف توسط دولت از صندوق جبران می‌شود. صندوق یادشده را کشاورزان و تولیدکنندگان زمانی که قیمت بیشتر از قیمت هدف است، پر می‌کنند. در سیاست ذخیره احتیاطی، هنگامی که عرضه محصول یا کالا افزایش یابد، دولت به عنوان خریدار در بازار ورود می‌کند و محصول مازاد در بازار که باعث کاهش قیمت واقعی محصول می‌شود را خریداری می‌کند. در برخی موارد، قیمت دریافتی توسط تولیدکننده (کشاورز) بسیار کمتر از قیمت تعیین شده است. در این صورت دولت مابه‌التفاوت قیمت را با عنوان پرداخت جبرانی به تولیدکننده پرداخت می‌کند.

ذخیره‌سازی به دلایل مختلفی مانند تاثیرگذاری بر بازار بین‌المللی تنظیم بازار داخلی و کاهش ریسک قحطی انجام می‌شود با وجود تحریم‌های شدید، شرایط اقتصادی در چندین سال اخیر، شیوع ویروس کرونا و جنگ روسیه و اوکراین، برقراری تنظیم بازار و کاهش ریسک در هر نوع و کمبود مواد غذایی در آینده امنیت اقتصادی موضوعی‌های مهم قلمداد می‌شوند.

در سیاست‌های مرزی هدف دولت کنترل تجارت از سه طریق یارانه تعرفه و محدودیت است. هدف دولت در دادن یارانه تشویق به صادرات و واردات است. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که یک نوع محصول در داخل کمتر یا بیشتر از میزان تقاضای آن باشد در اعمال تعرفه و محدودیت نیز هدف اصلی دولت حمایت از کالاهای داخلی است که با بستن تعرفه و قرار دادن محدودیت، مانع ورود کالاهای خارجی به داخل کشور می‌شود.

تنظیم بازار بیشتر درباره کالاهای اساسی و استراتژیک اعمال می‌شود (درباره دیگر کالاهای، تنظیم بازار کالاهای اساسی اغلب به صورت نظارت و پیگیری انجام می‌شود).

برای درک بهتر تنظیم بازار و عملکرد آن لازم است کالاهای اساسی معرفی و شناسایی شوند. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کالاهای اساسی در اغلب مناطق دنیا طبق رژیم غذایی بیشتر مردم بر پایه محصولات برنج، گندم، سیب‌زمینی محصولات حیوانی مانند گوشت، شیر، تخم‌مرغ، پنیر و ماهی است.

در ایران نیز طبق قانون تضمین خرید محصولات اساسی که در ۲۱ شهریور سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، محصولات گندم، برنج، جو، چغندر، پنبه و ش، دانه‌های روغنی، چای، سیب‌زمینی، پیاز و حبوبات به عنوان کالاهای اساسی کشاورزی در نظر گرفته شده‌اند. همچنین، دولت هر سال در بخشنامه‌های مختلف اقلامی را به عنوان کالاهای اساسی معرفی می‌کند. در اوایل اردیبهشت سال ۱۳۹۳ در بخشنامه‌ای کالاهای اساسی و حساس را به دو گروه تقسیم کرد. کالاهای کشاورزی در اولویت اول عبارت از گوشت قرمز، گندم، آرد، نان، برنج، روغن نباتی، شکر، کره، جو، ذرت، کنجاله سویا، گوشت مرغ، شیر خشک صنعتی و خام است. کالاهای با اولویت دوم نیز عبارت از پنیر، ماست و تخم‌مرغ است (کالاهای واکسن دامی، کاغذ چاپ و مطبوعات روغن، موتور LAB، دوده، لاستیک پلی اتیلن، شمش فولادی، انواع ورق میلگرد، تیر آهن، مس کاند، شمش آلومینیم، سرب، سیمان خاکستری، کاشی شیشه جام، خودروی سبک، تراکتور و کمباین، یخچال و فریزر، ماشین لباسشویی و تلویزیون نیز شامل اولویت دوم است، اما به دلیل خارج بودن از موضوع گزارش، بررسی نمی‌شوند).

انواع گوشت قرمز و مرغ، تخم‌مرغ، شیر و فرآورده‌های آن، گندم، سویا، ذرت، دیگر دانه‌های روغنی، برنج، قند و شکر از کالاهای اساسی کشور شمرده می‌شوند. هدف از بررسی تنظیم بازار و ذخیره کالاهای اساسی با اشاره به کالاهای اساسی و محصولات بخش کشاورزی ارائه راهکارهای راهبردی و پیشنهادات برای ارتقا و بهبود روند تنظیم بازار است. در گزارش حاضر به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. مدیریت و تنظیم بازار کالاهای اساسی را چه سازمان یا ارگانی انجام می‌دهد؟ میزان تغییرات ذخایر کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۱ به چه صورت بوده است؟ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها چه اثری بر تنظیم بازار و عملکرد شرکت‌های دولتی داشته است؟ در این گزارش به تنظیم بازار و هدف آن و امکان‌سنجی ذخایر کالاهای اساسی پرداخته شده است.

تنظیم بازار

در راستای اجرای قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران در سال ۱۳۹۳ به وزارت جهاد کشاورزی منتقل شد و اکنون به عنوان زیرمجموعه این وزارتخانه اقدامات و فعالیت‌های متفاوتی مانند خرید تضمینی، خرید، حمل، واردات و توزیع اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی تولید و مصرف گندم، آرد و نان، تنظیم بازار داخلی، تامین و حفظ موجودی ذخایر استراتژیک کالاهای اساسی و پر مصرف مردم دست کم معادل مصرف دو ماه کشور و حمایت از ایجاد واحداث تاسیسات نگهداری و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی شامل افزایش ظرفیت، سیلوها، انبارها، سردخانه‌ها و مخازن توسط بخش خصوصی را بر عهده دارد (تارنمای شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران). سازمان بعدی برای تنظیم بازار بخش کشاورزی در کشور، سازمان مرکزی تعاونی روستایی است. این سازمان با داشتن دو زیرمجموعه دولتی (سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران) و غیردولتی (شبکه تعاونی روستایی ایران) در دستیابی بخش کشاورزی به اهداف خود یعنی خرید محصولات استراتژیک و ایجاد پایداری در آن تنظیم بازار و توسعه پایدار در روستاها همکاری می‌کند.

(تارنمای سازمان مرکزی تعاونی روستایی). شرکت سهامی پشتیبانی امور دام به عنوان شرکت مباشر دولتی نیز وظیفه تنظیم کالاهای اساسی در کشور را بر عهده دارد. این شرکت با ادغام شرکت‌های گوشت و طیور، فعالیت خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کرد. هدف اصلی از تشکیل این شرکت تهیه، تولید، نگهداری، توزیع، پشتیبانی و تنظیم بازار انواع خوراک دام،

طیور و آبزیان مواد پروتئینی حیوانی، کمک به عمران، احیا و اصلاح مراتع برای افزایش تولید، حمایت از تولیدکننده، مصرف کننده و صنایع وابسته و خرید تضمینی مواد علوفه‌ای و محصولات پروتئینی دامی است (تارنمای شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور).

با نگاهی به تغییرات قیمت محصولات و کالاهای اساسی در ۱۱ ماه اول سال ۱۴۰۱ نوسانات و روند افزایشی قیمت این کالاها و ناتوانی تامین نیازهای اولیه دهک‌های پایین درآمدی جامعه مهم‌ترین دلیل اقدام به تنظیم بازار برای کالاهای اساسی است.

بیشترین افزایش قیمت در ۱۱ ماه سال ۱۴۰۱ مربوط به روغن مایع نزدیک به ۲۹۵ درصد و کمترین آن مربوط به محصول گوجه‌فرنگی با ۰/۳ درصد افزایش است. از دلایل تنظیم بازار وجود قیمت‌های مارپیچی یا همان نوسانات شدید قیمتی محصولات کشاورزی در بازار است.

بر اساس این گزارش ۵ محصول پیاز، سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی، پرتقال و سیب دارای نوسان قیمتی شدیدی هستند. وجود قیمت‌های مارپیچی و پرنوسان تنها مختص سال ۱۴۰۱ یا چند سال اخیر نیست، بنابراین نمی‌توان دلیل نوسانات بالای قیمتی محصولات کشاورزی را که مشمول بالای ۸۰ درصد کالاهای اساسی و ضروری هر خانوار است، جنگ روسیه و اوکراین یا افزایش شدت تحریم‌ها دانست. با بررسی روند قیمت‌ها و مرور اخبار گذشته محصولات کشاورزی به این واقعیت پی می‌بریم که هر ساله قیمت محصولات کشاورزی به نسبت کالاهای دیگر بخش‌های اقتصادی، نوسانات بالایی داشته است. برای رفع این نوسانات انواع سیاست‌های تنظیم بازار مورد بحث قرار می‌گیرد.

امکان‌سنجی ذخیره کالاهای اساسی یکی از رایج‌ترین روش‌های تنظیم بازار در کشور ذخیره کالاهای اساسی است، اما محصولات کشاورزی رانمی‌توان به صورت نامحدود در انبارها نگهداری کرد. مدت ماندگاری محصولات کشاورزی متفاوت است، برای برخی از میوه‌ها و سبزیجات فقط چند روز، برای بیشتر غده‌ها و پیازها چند ماه و برای دانه‌های غذای خشک یا دیگر دانه‌ها

بیش از یک سال است.

اغلب محصولات بخش کشاورزی را می‌توان با خنک نگه داشتن انبار یا به نوعی قرار دادن در سردخانه‌ها برای مدت بیشتری نگه‌داشت و ماندگاری آن را بالا برد، اما تطبیق شرایط آب و هوایی برای هر محصول هزینه‌بر و نیازمند سردخانه‌های مجهز و دستگاه‌های تخصصی است. محصولات کشاورزی باید به نحوی در انبار و سردخانه نگهداری شوند که ظاهر جذاب و طعم اولیه خود را حفظ کنند. افزون بر شرایط آب و هوایی عوامل متعدد دیگری بر حسب نوع محصول وجود دارند که برای عدم ماندگاری آن محصول تهدید شمرده می‌شوند. این تهدید از فرآیند تولید در مزارع و گلخانه‌ها آغاز می‌شود و تا مصرف ادامه می‌یابد، برای مثال می‌توان انواع آفات، امراض، پرندگان و... را نام برد.

رعایت نکردن اصول تولید، برداشت، انتقال و انبارداری سبب ایجاد ضرر پس از ذخیره‌سازی می‌شود، زیرا اگر نگهداری مناسب امکان‌پذیر نباشد، محصول پیش از مصرف خراب می‌شود، بنابراین ذخیره‌سازی موثر در محصولات کشاورزی نیازمند بررسی نوع محصول، رعایت اصول و قوانین انبارداری و انبار و سردخانه‌های اختصاصی و مجهز است، برای مثال محصولاتی مانند سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی و... با ماندگاری پایین نیازمند سردخانه بادمای مناسب هستند که هر یک از این موارد هزینه‌بر است.

ذخیره کالاهای اساسی و راهبردی

هدف از تنظیم بازار ایجاد تعادل در آن است، این تعادل با کنترل یا کاهش نوسانات در متغیرهای اصلی مانند قیمت و مقدار ایجاد می‌شود، اهمیت این موضوع به خصوص در بخش کشاورزی به اندازه‌ای است که در دنیا تمام دولت‌ها برای حفظ رفاه حال مصرف‌کنندگان و حمایت از تولیدکنندگان در بازار ورود می‌کنند. در کشورهایی با نظام اقتصادی مختلط دلایل بسیاری مانند نبود تعادل در بازار، فقدان رضایت تولیدکنندگان از قیمت محصولات و کالاها و بالا بودن قیمت نهاده‌های تولید، فقدان رضایت مصرف‌کنندگان از قیمت محصولات و کالاها، افزایش ناگهانی محصولات و کالاها در برهه زمانی خاص و کاهش شدید قیمت آن (به خصوص هنگام برداشت محصولی خاص در مناطق مختلف کشور) و... وجود دارد که نیاز است تنظیم بازار با قدرت و دقت بالاتری اجرا شود. در ادامه فهرست ذخایر به تفکیک محصولات در ۶ ماه نخست دو سال پیاپی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ گزارش شده است.

بر اساس این گزارش، وزن کالاهای گندم، جو دامی، ذرت دانه روغنی سویا و کنجاله سویا در ۶ ماه نخست دو سال مورد بررسی به ترتیب ۷۲، ۲، ۵ و ۵۷ درصد کاهش یافته است، اما ارزش هر یک از این محصولات به ترتیب مثبت ۱۸۴، منفی ۶۱، مثبت ۱۳، مثبت ۱۱ و منفی ۵۷ درصد تغییر کرده است. وزن کل واردات کالاهای اساسی از گمرک توسط شرکت پشتیبانی امور دام و شرکت بازرگانی دولتی ایران در ۶ ماه نخست سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، ۱۶ درصد کاهش یافته است. ارزش دلاری و ریالی کالاها نیز به ترتیب ۰/۲ و ۳۲۹ درصد افزایش داشته است. بخش عمده‌ای از این افزایش قیمت ناشی از قانون هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها و تورم داخلی است. در دی سال ۱۴۰۱ حسب دستور ریاست محترم جمهوری، ذخایر کالاهای اساسی به سقف ۸۰ درصد (۵۰ درصد بخش دولتی و ۳۰ درصد بخش غیردولتی) کاهش یافت. طبق این دستورالعمل، ذخایر استراتژیک باید به ۵۰ درصد کاهش یابد و مقرر شد که ۲۰ درصد از ذخایر در بازار به فروش رسد و ۳۰ درصد بقیه، در قالب فروش یا نگهداری به بخش خصوصی! انتقال یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در راستای ایجاد تنظیم و تعادل در بازار محصولات اساسی و کشاورزی، سیاست‌های مختلفی استفاده شده است. اغلب سیاست‌های داخلی تنظیم بازار به صورت در مان کوتاه مدت در بخش کشاورزی به دو دسته قیمت‌گذاری و ذخیره‌سازی تقسیم می‌شود. سیاست‌های قیمت کف و سقف یا تثبیت قیمت به تمامی وابسته به قیمت و سیاست‌های قیمت‌گذاری

است و در شرایط بد اقتصادی با نوسانات و تورم بالا کارایی زیادی ندارد.

سیاست ذخیره احتیاطی کالاهای اساسی به عنوان سیاست داخلی در تنظیم بازار افزون بر توانایی حمایت از تولیدکنندگان و حفظ رفاه مصرف کنندگان در آینده امکان برقراری تامین امنیت غذایی در جامعه را نیز فراهم می کند. با ذخیره احتیاطی امکان حفظ ثبات و پایداری در دسترسی به مواد غذایی مغذی و سالم برای افراد جامعه وجود خواهد داشت. در شرایط بحرانی مانند شیوع ویروس کرونا، جنگ های بین المللی و شرایط اقتصادی نامناسب، ذخیره اضطراری کالاهای اساسی تضمینی برای دسترسی دهک های درآمدی پایین و گروه آسیب پذیر جامعه به مواد غذایی اصلی و کالاهای اساسی است.

سیاست حمایتی ذخیره احتیاطی و اضطراری کالاهای اساسی افزون بر امنیت غذایی باعث اطمینان خاطر در افراد جامعه می شود و از نظر روانی تاثیرات مثبتی دارد. در دسترس بودن مواد غذایی اصلی و مورد نیاز افراد سبب می شود که جامعه از هر نوع تنش درباره احتمال کمیابی مواد غذایی و قحطی دور بماند. ذخیره کالاهای اساسی و تزریق به موقع آن مانع افزایش قیمت کالاها در شرایط تورمی می شود. ذخیره سازی می تواند پس از خرید تضمینی و انبار کردن کالاها نیز انجام می شود. در ادامه توصیه و راهکارهایی ناظر بر شرایط پیش رو برای تنظیم بهتر بازار محصولات بخش کشاورزی در راستای تامین امنیت غذایی پیشنهاد می شود.

ثبت و تدوین آمار نامه های دقیق در بخش کشاورزی

یکی از مهم ترین پایه های ایجاد تنظیم بازار بررسی و استفاده از داده و آمار است. با ثبت آمار و اطلاعات به صورت واقعی و دقیق در بخش کشاورزی نه تنها بررسی وضع موجود در این بخش به راحتی ممکن می شود، بلکه سیاست گذاری های آینده نیز امکان پذیرتر و کارتر می شود. ثبت و بررسی داده های تاریخی و سری زمانی سبب کاهش خطای تصمیمات و سیاست گذاری های آینده می شود. به عبارت دیگر، با تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مقداری و قیمتی

محصولات و کالاهای اساسی از تکرار دوباره اشتباهات جلوگیری می شود. این موضوع برای محصولات بخش کشاورزی که ماندگاری بالایی ندارند و فسادپذیر هستند، بسیار مهم است و باعث کاهش ضایعات در بخش کشاورزی می شود. ضروری است مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت جهاد کشاورزی سعی در تهیه داده ها به صورت دقیق تر و واقع گراتر کند. همچنین داده های جمع آوری شده باید به راحتی قابل استخراج و هدفمند باشند.

مدیریت هوشمند بازار و توزیع کالاهای اساسی در کشور

تنوع اقلیمی و اکولوژیکی کشور، فاصله بین تولید تا مصرف محصولات کشاورزی، فسادپذیر بودن کالاهای اساسی، پیچیدگی توزیع کالاها و فقدان مدیریت درست آنها و در نهایت پویا بودن مسائل بخش کشاورزی، سبب ناکارآمدی شدن زنجیره تامین شده است. آثار جانبی ناکارایی این زنجیره نیز ایجاد نااطمینانی برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان است. برای ایجاد بازاری با قیمت های ثابت، ایجاد آرامش در بین مصرف کنندگان و اطمینان از فروش محصولات بین تولیدکنندگان، مدیریت هوشمند بازار از مراحل کشت تا عرضه در بازار برای قابل دسترس بودن محصولات توسط مصرف کنندگان با کاهش نقش واسطه ها الزامی است. پیشنهاد می شود وزارت جهاد کشاورزی با مشخص کردن مقدار تولیدات و مصرف به تفکیک هر شهر سعی در تعیین و ارائه الگوی تولید به تولیدکنندگان در سطح کلان کند.

حمایت از شرکت های دانش بنیان در بخش کشاورزی

یکی دیگر از راه حل های ایجاد تعادل و تنظیم بازار، بهره بردن از شرکت های دانش بنیان در بخش کشاورزی است؛ وزارت جهاد کشاورزی با حمایت مالی و سیاسی از شرکت های دانش بنیان کارا و موفق در زمینه های تولید داده، بذرها، پر بازده انواع سموم و کودهای شیمیایی نه تنها در تولید محصولات بخش کشاورزی کارا تر عمل خواهد کرد، بلکه توزیع کالاهای اساسی با کمترین درصد ضایعات در جابه جایی انجام می شود. ضروری است وزارت جهاد کشاورزی به همراه سازمان تحقیقات و توسعه کشاورزی و دیگر ارگان های مرتبط سعی در حمایت از این دسته از شرکت ها در بخش کشاورزی کنند. بهتر است نوع حمایت از این شرکت ها بر اساس کارایی و مهارت شرکت های یاد شده باشد. همچنین این وزارتخانه با همکاری بانک مرکزی در راستای گسترش شرکت های دانش بنیان کشاورزی کاراسعی بر فراهم کردن امکانات لازم و تسهیلات بلندمدت با سود پایین برای متقاضیان کند.

حمایت از تولید داخلی

حمایت از تولید داخلی به شیوه های مختلف امکان پذیر است. افزایش قیمت خرید تضمینی و قیمت محصولات را می توان یکی از این روش ها ذکر کرد؛ افزایش قیمت خرید تضمینی کالاهای اساسی با وجود اینکه باعث افزایش حجم تولید می شود، منجر به افزایش قیمت دیگر کالاها و تشدید تورم در کشور هم می شود. بسیاری از دولت ها برای جلوگیری از این نوع تورم سیاست های حمایتی مانند ارائه نهاده ها، بذر کود شیمیایی و سم با قیمت پایین یا رایگان، اعطای وام بلاعوض و کم بهره و دیگر خدمات حمایتی را در بخش کشاورزی در راستای حمایت از بهره برداران و کشاورزان اعمال کردند.

تجارب ناشی از اعمال این نوع سیاست ها در کشور نشان داده که ارائه نهاده ها و ... باعث بروز فساد بیشتر و قاچاق در بخش کشاورزی شده است و کشاورزان از کمترین سود و حمایت برخوردار بوده اند. بنابراین بهتر است دولت قیمت تضمینی کالاهای اساسی را افزایش دهد، اما این کالاها را با یارانه بالا به تولیدکنندگان داخلی به فروش رساند. برای جبران این یارانه و افزایش درآمد دولت بهتر است وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صمت با همکاری دیگر ارگان ها و سازمان های مربوط، کشور را به سوآپ آرد و دیگر کالاهای اساسی در منطقه تبدیل کنند.

الگوی ثروت اندوزی در کشورهای مختلف چگونه است؟

ابر ثروتمندان تجاری

تقریباً همه می‌دانیم که الگوی کسب ثروت در جهان دائماً تغییر می‌کند و بعید است صنعتی برای چندین دهه در صدر فهرست سودآورترین صنایع باقی بماند، اما کشورها هم بعید است دائماً در صدر فهرست ثروتمندترین‌ها باقی بمانند و این گردونه، مدام می‌چرخد.

زمانی عراق امروزی (در قالب تمدن‌های بین‌النهرین) ثروتمندترین کشور در جهان بود. تا دو قرن پیش بریتانیا این جایگاه را داشت و حالا هم آمریکا ممکن است این جایگاه را به چین بسپارد. در اوایل قرن بیستم، سودآورترین و روزآمدترین صنعت، صنعت ساخت خودرو بود. در دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ میلادی، نوبت به ساخت لوازم خانگی (یخچال و تلویزیون‌های رنگی) رسید و از حدود ۱۹۹۰ میلادی هم دوران اینترنت شروع شد.

حالا صحبت از «هوش مصنوعی» است و تلفیق هوش مصنوعی با صنایع دیگر (مثلاً صنعت خودرو)، آینده کسب و کارها و شکل و شمایل تولید ثروت را هم رقم می‌زند. در این میان اما خود کشورها هم به اشکال مختلف و از طریق الگوهای متفاوت، در مسیر ثروت‌سازی قدم گذاشته‌اند. این نوشتار، شیوه‌های ثروت‌سازی در چند کشور را با هم مقایسه می‌کند.

سرعت» احتیاج دارند و اهمیت به جا به جایی درون‌سرزمینی کالا از طریق ریل راه‌آهن، کمتر از گذشته شده است.

روزهایی که «فولاد» و «راه‌آهن» مهم‌تر از حالا بودند

در اوایل قرن بیستم، ثروتمندترین انسان‌هایی که روی کره زمین زندگی می‌کردند، کسب و کارهای اینترنتی نداشتند. آنهاغول‌های تجارت در حوزه‌هایی بودند که در آن روزگار بالاترین اهمیت را برای جهان داشتند: «تولید فولاد»، «استخراج نفت»، «ساخت خودرو» و «ساخت راه‌آهن».

برای مثال «هنری فورد» که نامش با نام یکی از بزرگ‌ترین برندهای خودرو در جهان گره خورده، زمانی رویای این را داشت که هر آمریکایی، یکی از خودروهای ساخت شرکتش را داشته باشد. او تقریباً به رویایش جامه عمل هم پوشاند. یا مثلاً به «راه‌آهن» فکر کنید که بریتانیایی‌ها در آن پیش‌تاز بودند. امروز دیگر متصل کردن شرق تا غرب و شمال تا جنوب یک کشور از طریق راه‌آهن، به اندازه ۱۰۰ سال پیش اهمیت ندارد، چراکه مهم‌ترین صنایع، یعنی صنایع دیجیتال و آنلاین، عمدتاً به «فیبر نوری» و «اینترنت پر

از «ادویه» تا «استارلینک»

اگر به عقب‌تر برگردیم، صحنه باز هم عوض می‌شود: در حدود سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی (تقریباً هم‌زمان با امپراتوری مغول در ایران و بخش‌های بزرگی از پهنه «اوراسیا»)، ثروتمندترین انسان‌های جهان، تاجران بودند که «پشم»، «ابریشم»، «الوار»، «نمک» و «ادویه» را در «جاده ابریشم» جابه‌جا می‌کردند. باور اینکه زمانی «نمک» و «فلفل» اهمیتی را داشتند که امروز «ترانزیستورهای رایانه‌ای» دارند، شاید دشوار باشد، اما این واقعیت تجارت بوده و هست.

بازرگانان اهل شهر «جنوا»، در شمال غرب ایتالیا امروزی، زمانی در سرتاسر دریای مدیترانه، صدها کشتی تجاری و پایگاه‌های اداری داشتند و به قدری ثروت انباشته کرده بودند که به تنهایی می‌توانستند با کشورهای بزرگ (مانند فرانسه) چانه‌زنی سیاسی داشته باشند. این یعنی یک شهر، صرفاً از طریق تجارت، آن قدر ثروت اندوخته بود که شانه‌به‌شانه کشورهای با چند هزار برابر مساحت و چند صد برابر جمعیت می‌زد یا مثلاً ایران را در زمان سلسله صفوی در نظر بگیرد. برای دهه‌ها، مهم‌ترین محصول صادراتی ایران عصر صفوی، «ابریشم» بود و رقبای خارجی هم برای آن صحنه به در کردن ابریشم تولیدی ایران، شیوه‌هایی همچون جنگ افروزی یا سیاست تجاری «دامپینگ» را روی میز داشتند.

حالا اما بعید است کسی با بار زدن فلفل هندی به اروپا یا رساندن ابریشم ایرانی به آن سوی جهان، بتواند سری میان سرها پیدا کند. امروز که ابرپروژه‌هایی مانند اینترنت ماهواره‌ای «استارلینک» یا «جت جی پی تی» قرار است زندگی ما را تا کمتر از ۵ سال آینده از اساس متحول



کنند، واضح است که شیوه ثروت اندوزی هم تغییر کرده است.

بیش از ۲۰۰ سال وجود دارد. رتبه بعد از آن آلمان است (با بیش از ۲۲۰ شرکت) و هلند و فرانسه هم در جایگاه‌های بعدی هستند. اینکه چرا ژاپنی‌ها شرکت‌هایی دارند که تا این اندازه قدیمی هستند، احتمالاً به ثبات نهادی، استحکام نهاد خانواده و مواردی از این دست برمی‌گردد.

الگوی آلمانی: «مدادت را تا تمام نشده دور نینداز پسر!»

آلمانی‌ها اما به شیوه دیگری ثروتمند می‌شوند. آنها تا جایی که می‌توانند پول ذخیره می‌کنند. اگر آمریکایی‌ها یا اعراب حاشیه خلیج فارس به ریخت و پاش معروفند، آلمانی‌ها را به خساست در خرج کردن پول می‌شناسند. در اروپا، در ماجرای بحران بدهی دولت یونان که از سال ۲۰۰۸ میلادی شروع شد، این بانک‌های آلمانی بودند که اوراق بدهی دولت یونان را خریدند و به این ترتیب یونان (و در واقع کل اتحادیه اروپا) را از خطر ورشکستگی مالی نجات دادند.

این توانایی بانک‌های آلمانی، پشت گرم به میزان بالای پس‌انداز مالی شهروندان آلمانی بوده است. فرهنگ آلمانی با پس‌انداز و کنار گذاشتن پول عجین شده و حتی امروز هم به بچه‌ها یاد می‌دهند که در هر شرایطی برای روز مبادا پول کنار بگذارند و تاریخ آلمان از این روزهای مبادا کم‌هم نداشته است.

پس از جنگ جهانی اول و در دوران موسوم به «جمهوری وایمار»، آلمانی‌ها ابرتورمی را تجربه کردند که سر به چندین هزار درصد می‌زد. پس از جنگ جهانی دوم هم آلمان با خاک یکسان شد و تا ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی عملاً دو کشور آلمان وجود داشت. تجربه دود شدن ذخیره‌های مالی هم نتوانسته عادت پس‌انداز کردن را از سر آلمانی‌ها بیندازد. معروف است که پدران آلمانی به بچه‌هایشان توصیه می‌کنند مباداها را آن قدر بتراشند تا واقعاً تمام شود. ثروتمند شدن از مسیر قناعت و پس‌انداز هم ظاهراً امکان‌پذیر است.

الگوی آمریکایی: «بالا، بالا و بالاتر!»

ادامه در صفحه ۴۹

ابرتروتمندان جهان: از ذخیره طلا تا «توثیت» زدن

به همین ترتیب، خیلی راحت می‌توان دید که منبع اصلی ثروت اندوزی ابرتروتمندان جهان مپای تغییرات جهان، عوض شده است. کسانی مانند «مانسا موسی»، پادشاه «امپراتوری مالی»، که گفته می‌شود ثروتمندترین چهره در تاریخ بوده و هنوز هم هست، ثروتش را مدیون ذخیره‌سازی منابع طلا بود.

بر اساس تخمین‌های امروزی، او بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار ثروت داشت، اما حالا نامش لا به لای وقایع تاریخی گم شده و حتی امپراتوری قدرتمندش هم جاییش را به رقبای تاریخی (مثل امپراتوری بریتانیا یا امپراتوری مغول) داده است یا مثلاً «آگوستوس» نخستین امپراتور روم (۲۷ سال پیش از میلاد مسیح) را در نظر بگیرد که تخمین زده می‌شود بیش از چهار تریلیون (۴۰۰۰ میلیارد) دلار ثروت داشت، چرا که عملاً ثروت امپراتوری را کنترل می‌کرد (و البته این ثروت متعلق به شخص او نبود).

از آن سو، «برنار آرنو» فرانسوی که در زمان تنظیم این متن پس از «ایلان ماسک» در جایگاه دومین فرد ثروتمند قرار دارد، عمده ثروتش را مدیون هنر و صنعت مد و محصولات آرایشی است. نام او که برای مدتی کوتاه در جایگاه ثروتمندترین فرد جهان هم قرار گرفته بود، با برندهای مشهوری در ذهن ایرانی‌ها گره خورده است مانند Givenchy، Fendi، Louis Vuitton و یک دوجین برند مشهور دیگر.

اگر بخواهیم مته به خشک‌خاش این دست‌به‌دست شدن جایگاه‌ها در فهرست ثروتمندترین‌ها بگذاریم، بد نیست مثلاً به «توئیترا» هم اشاره کنیم که با برآمدن رقیبش به نام «تردز»، نشان داد رقابت میان ابرتروتمندان (در اینجا «ایلان ماسک» و «مارک زاکربرگ») به حوزه ارتباط میان انسان‌ها در قالب شبکه‌های اجتماعی هم کشیده شده است.

الگوی ژاپنی: «ثروت من برای نوه نوه نوه‌ام!»

اما این فقط تک‌چهره‌های حوزه‌های مختلف کسب و کار نیستند که برای ثروت اندوزی با هم تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد کشورها هم به دلایل گوناگون، به شکل‌های متفاوتی فرآیند انباشت ثروت را رقم می‌زنند. به عنوان مثال، ژاپنی‌ها استاد «نهادسازی پایدار» در زمینه تجارت هستند. احتمالاً در هیچ کجای جهان، به اندازه ژاپن شرکت‌هایی را سراغ نخواهیم داشت که از زمان بنیان‌گذاری‌شان قرن‌ها گذشته باشد. بیشتر این شرکت‌ها خانوادگی هستند که مدیریت آنها نسل اندر نسل جابه‌جایی می‌شود.

شرکت «کونگو گومی» که در زمینه ساخت و ساز فعال است و به عنوان قدیمی‌ترین شرکت ثبت شده جهان هم شناخته می‌شود، در سال ۵۷۸ میلادی، یعنی ۱۴۴۵ سال پیش در شهر اوساکا در ژاپن شروع به کار کرد. یک بررسی آماری که در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط «بانک کره» انجام شده بود، نشان می‌داد که در ژاپن نزدیک به ۳ هزار و ۱۵۰ شرکت با قدمت

اصلی‌ترین ویژگی‌های مدیران برتر در قرن ۲۱ چیست؟

نادر پیروز / کارآفرین

تحولات جامعه بشری در دوران معاصر کم‌نظیر بوده است. شتاب این تحولات در قرن ۲۱ به اوج خود رسیده و جامعه جهانی را با فرصت‌ها و تهدیدهای تاریخی مواجه کرده است. مهم‌تر آنکه روبه‌رو شدن با بسیاری از این تغییرات شگرف اجتناب‌ناپذیر است. لذا نقش مدیریت و اهمیت مدیران در هر بخشی از جامعه بیش از پیش تعیین‌کننده است. پرسش کانونی اینجاست که یک مدیر موفق در قرن ۲۱ چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

اخیراً شرکت مکنزی که از برترین شرکت‌های مشاور مدیریتی در جهان است گزارشی را در این زمینه منتشر کرده است. گروهی از این شرکت ۲۰۰ نفر از موفق‌ترین مدیران عامل حاضر در سراسر جهان را شناسایی کرده‌اند و با ۶۷ نفر از آنها مصاحبه مفصل و تحلیلی انجام داده‌اند و نتایج حاصله را منتشر کرده‌اند. آنچه از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد چکیده‌ای است از این گزارش.

فرصت‌ها هستند، در آینده‌نگری و دوراندیشی بسیار تبحر دارند، در ایجاد انگیزه بالا میان آحاد سازمان خود بسیار موفق هستند، استراتژی سازمان خود را با فرصت‌های بازار به خوبی می‌آمیزند، با اینکه با شکست میانه خوبی ندارند اشتباهات خود را بلافاصله می‌پذیرند و به سرعت از ناکامی‌ها عبور می‌کنند. برای آنها اهداف عالی و استراتژی شرکت در اولویت اول است نه صرفاً عملکرد مالی و منافع آنی.

۲- با موارد نرم همچون موارد سخت برخورد کنید

در دنیای پرتلاطم کنونی اگر از هر سه استراتژی یکی موفق شود دستاورد بزرگی محسوب می‌شود. از این رو اهمیت موارد نرم و پرداختن به آنها دوچندان است. منظور از موارد نرم مواردی چون نحوه برخورد با افراد و فرهنگ است. تحقیقات نشان داده شرکت‌هایی که توانسته‌اند موارد نرم که عموماً پیچیده هستند را به خوبی حل کنند در عمل بیش از دو برابر دیگر شرکت‌ها در پیشبرد یک استراتژی بخت موفقیت دارند (این عدد مابین ۳۰ تا ۷۹ درصد در گزارش‌ها آمده است). مدیران حاذق استاد پرداختن به این ظرافت‌ها هستند. آنها به خوبی می‌توانند افراد سازمان خود را در این جهان متلاطم و در بازارهای پر نوسان برای دستیابی به اهداف مشترک هماهنگ و همراه کنند. این مدیران با هنرمندی کامل تغییرات لازم را به سازمان خود منتقل می‌کنند و می‌دانند چگونه حسن انجام آن را تا حصول نتیجه مطلوب پیگیری و اندازه‌گیری کنند.

۳- اول به نقش‌ها بپردازید بعد به افراد

مدیران سرآمد همچون روانشناسان ماهر عمل می‌کنند. برای تشکیل تیم‌های کارآمد اول نقش‌های لازم برای پیشبرد اهداف آن تیم را در نظر می‌گیرند. سپس به خوبی تشخیص می‌دهند که چه افرادی بهترین گزینه برای ایفای این نقش‌ها هستند. این مهارت هم جزو مهارت‌های نرم محسوب می‌شود.

آنچه یک مدیر سرآمد را از دیگر مدیران موفق متمایز می‌کند تفاوت دیدگاه و طرز فکر اوست. این ۲۰۰ مدیر برتر در مجموع پنج تریلیون دلار ارزش افزوده خلق کرده‌اند که معیار اصلی تمایز آنها با دیگر مدیران است. می‌توان دیدگاه و طرز فکر متمایز این مدیران برتر را در شش عامل اصلی خلاصه کرد. هر چند مهارت مدیریت رانمی‌توان در قالب کتاب و کلمات ساده‌سازی کرد، اما گاهی اوقات ساده‌سازی خود یک فضیلت است. نتیجه پژوهش شرکت مکنزی نشان می‌دهد که شش عامل اصلی در میان مدیران طراز اول جهان مشترک است. شرح مختصری از این شش عامل اصلی موفقیت در ادامه ذکر می‌شود:

۱- جسور باشید

جهان امروز جهان عدم قطعیت‌هاست. به راحتی می‌توان در دام احتیاط و به فردا سپردن تصمیمات افتاد. مدیران بسیار موفق جسور هستند. در بینش و چشم‌انداز خود و سازمانشان تردید نمی‌کنند، اما جسورانه تصمیم می‌گیرند. آنها فعالانه به دنبال شکار

ابر ثروتمندان ...

آمریکایی‌ها اما در مسیر ثروت اندوزی، احتمالاً در نقطه مقابل آلمانی‌ها هستند. آمریکایی‌ها تا جایی که می‌توانند خرج می‌کنند. آمریکا یکی از بالاترین درصدهای بدهی خانوار نسبت به تولید ناخالص داخلی را در جهان دارد. خرج کردن برای پول در آوردن، راهکار آمریکایی‌ها بوده است. آمریکا سالانه بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار در حوزه تحقیق و توسعه هزینه می‌کند که به صورت مطلق، بالاترین در جهان است و تقریباً برابر تمام تولید ناخالص داخلی سالانه ایران است.

فرهنگ آمریکایی با این انگاره همراه است که محدودیتی برای ثروتمندتر شدن وجود ندارد. «رویای آمریکایی» که مضمون بسیاری از رمان‌ها و فیلم‌های آمریکایی هم هست، دقیقاً همین را می‌گوید: همه آمریکایی‌ها باید فرصت برابر داشته باشند تا بتوانند با سخت‌کوشی، تا جایی که می‌توانند برای پیشرفت شخصی جلو بروند. آمریکایی‌ها اما همین ارزش شخصی را در ساحت عمومی هم محقق کرده‌اند. از میان ۵۰ شرکت جهان با بیشترین میزان درآمد، ۲۰ شرکت آمریکایی هستند. فهرست نوآورترین شرکت‌های جهان هم تقریباً سرتاسر آمریکایی است، با استثنای نظیر «هوآوی» چینی و «سامسونگ» کره‌ای.

واما ایران؛ از امروز به فردا ...

الگوی ثروت‌اندوزی در ایران بسیار متفاوت است. در دست کم ۵۰ سال اخیر، همه ایرانی‌ها سوار بر موج تورم بوده‌اند و آنکه بهتر موج‌سواری کرده، دوام آورده و آنکه موج‌سواری بلد نبوده، غرق شده است. اینکه کالا یا دارایی را با چندین برابر قیمت خریدش بفروشی، یک الگوی ثروت‌اندوزی به حساب می‌آید، اما الگوی ایجاد ثروت نیست.

مقصر اصلی صدمات دولت‌ها بوده‌اند، نه مردم و در این شرایط، شرکت‌داری هم به جایی نمی‌رسد، چراکه ثروت‌اندوزی از طریق کسب رانت اطلاعاتی و سواری روی موج تورم بسیار راحت‌تر است، اما با عمیق‌تر شدن شکاف میان ابعاد اقتصاد ایران و اقتصاد کشورهای همسایه و نیز با تخلیه شدن تقریباً تمامی منابع طبیعی و غیرطبیعی در دسترس، بعید است شیوه سواری گرفتن از تورم هم درازمدت جواب بدهد. چیزی باید تغییر کند. جهان صنعت

مهارت نرم است از این جهت که این مدیران می‌توانند به خوبی هم در تیمسازی تاثیرگذار باشند و هم با حفظ فاصله و دادن فضای کافی به تیم‌ها دست آنها را باز بگذارند. رعایت و حفظ این تعادل مهارتی است مهم که هم در سطح بخش‌ها و تیم‌ها و هم در مورد افراد شرکت باید اجرا شود.

۴- به اعضای هیات مدیره کمک کنید تا آنها به کسب و کار شرکت کمک کنند

کیفیت ارتباط میان مدیران عامل طراز اول و اعضای هیات مدیره شرکت بسیار مهم و بالاست. مانند هر نوع رابطه‌ای اعتماد نقش اصلی را دارد. صداقت، شفافیت و برخورد آنی با برنامه‌ها و مشکلات شرکت از عوامل سازنده این اعتماد است. مدیران موفق هم این ارتباط و اعتماد را به خوبی ایجاد می‌کنند و می‌دانند چطور اعضای هیات مدیره را با بخش‌های مختلف شرکت وصل کنند تا از ظرفیت دو طرف بهترین بهره برای پیشبرد اهداف شرکت فراهم شود. جریان آزاد اطلاعات میان شرکت و هیات مدیره کلید این موفقیت است.

۵- با پرسیدن «چرا؟» شروع کنید

یافتن پاسخ چرایی و دلیل هر چیزی در دنیای پیچیده کنونی کار آسانی نیست. بسیاری از شرکت‌ها و افراد عملاً در سردرگمی به سر می‌برند. نتایج پژوهش‌ها به خوبی نشان می‌دهد شرکت‌هایی که دقیقاً می‌دانند علت حضور آنها در بازار و جایگاه آنها در جامعه چیست عملکرد بهتری طی بیست سال گذشته نسبت به شاخص S&P ۵۰۰ بازار بورس نیویورک که شاخصی از ۵۰۰ شرکت برتر بورس آمریکا است دارند. مدیران سرآمد به وضوح می‌دانند علت وجودی شرکت‌شان چیست. این دلایل را با استراتژی شرکت دائماً مقایسه می‌کنند و در صورت لزوم اصلاحات مورد نیاز را انجام می‌دهند. این مقایسه فرصت‌های کسب درآمد را برای شرکت افزایش می‌دهد. صراحت و رفع ابهام‌ها در فلسفه وجود شرکت انگیزه را در کارکنان دوچندان می‌کند و وفاداری آنها را به سازمان به صورت فزاینده‌ای ارتقا می‌بخشد. مدیریت با هدف مشخص، همه‌فهم و آشکار به دستاوردهای بزرگی می‌انجامد.

۶- تنها کارهایی را انجام دهید که فقط خودتان از عهده آن برمی‌آید

مدیرعاملی یک شغل ۲۴ ساعته است که هفت روز هفته هم برای آن کم است. بدیهی است که هیچ مدیری نمی‌تواند تمام وقت و انرژی خود را صرف این مسوولیت سنگین کند. لاجرم باید دست به انتخاب‌هایی زد. مهم‌ترین انتخاب نحوه صرف اوقات مدیر و مدیریت زمان است. مدیران سرآمد هر یک روش‌های خاص خود را دارند. برخی در طول برنامه هفتگی خود زمان‌هایی را برای پرداختن به موضوعات از قبل پیش‌بینی نشده در نظر گرفته‌اند. تعدادی اوقات استراحت ۱۰ دقیقه‌ای برای بازیابی روحیه و احیای تمرکز خود مابین جلسات متنوع و پرداختن به موضوعات پیچیده دنیای امروز در نظر گرفته‌اند. عده‌ای چند دقیقه در روز پیانو می‌نوازند یا به مراقبه می‌پردازند. آنچه مهم است اینکه یک مدیر بتواند به روش‌هایی مشخص و منظم دیدگاه و طرز فکر خود را در میان انبوه چالش‌ها و پراکندگی موضوعات و پیچیدگی تصمیم‌گیری‌ها حفظ کند. غرق شدن در گرداب جهان کنونی بزرگ‌ترین آفت یک مدیر است. مدیران سرآمد خود را به خوبی می‌شناسند و از خود به نحو شایسته‌ای محافظت می‌کنند.

مروری بر تجارت کالایی ایران طی ۵ ماهه نخست سال ۱۴۰۲



۱۴.۴ میلیون تن
افزایش ۲.۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل

۲۴.۲ میلیارد دلار
افزایش ۷.۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل

۵۵.۹ میلیون تن
کاهش ۲۶.۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل

۱۹.۳ میلیارد دلار
کاهش ۸.۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل



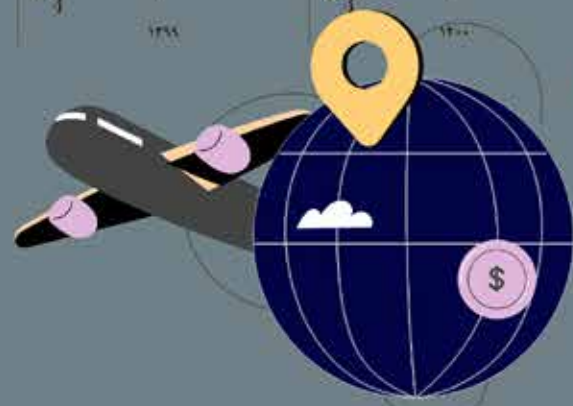
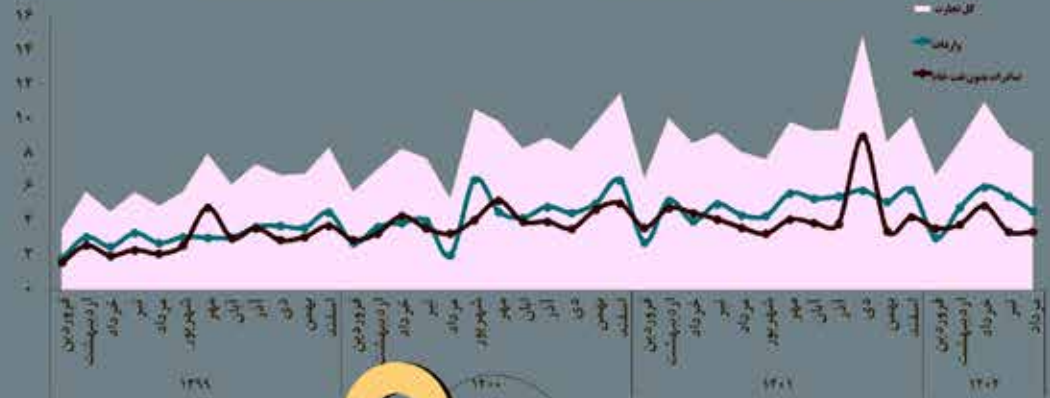
روند ماهانه ارزش تجارت کالای بدون نفت خام - میلیارد دلار

مرداد ۱۴۰۲

کل تجارت ۸.۱ میلیارد دلار
(کاهش ۹.۸ درصدی نسبت به ماه قبل)

صادرات (بدون نفت خام) ۳.۴ میلیارد دلار
(کاهش ۲۳ درصدی نسبت به ماه قبل)

واردات ۴.۶ میلیارد دلار
(کاهش ۱۵.۸ درصدی نسبت به ماه قبل)



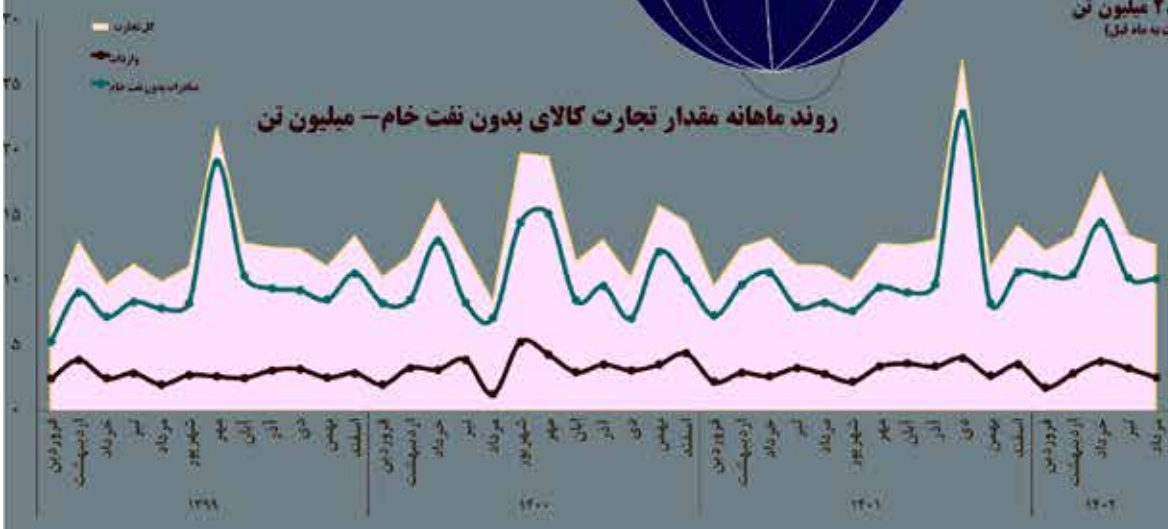
مرداد ۱۴۰۲

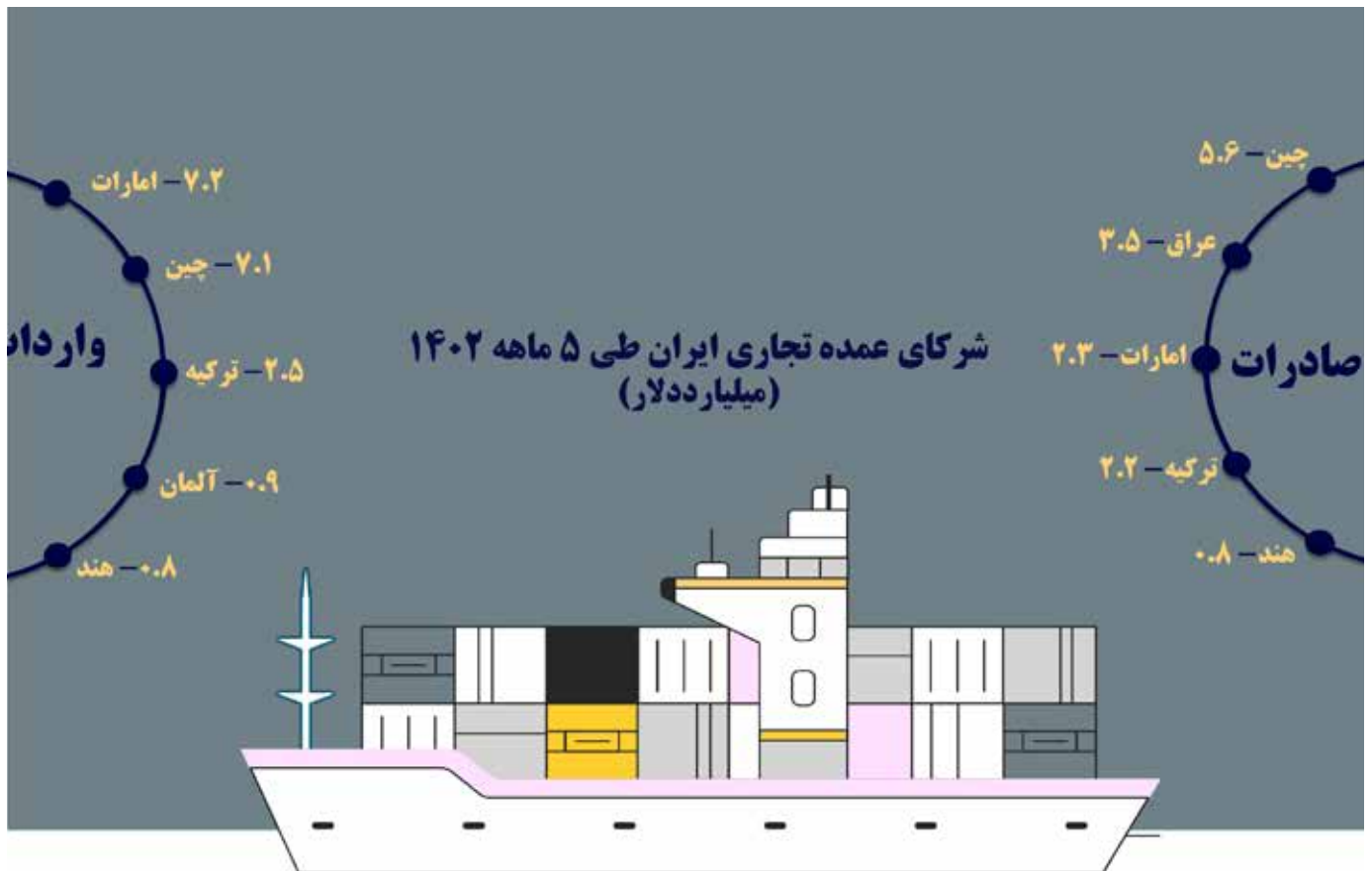
کل تجارت ۱۲.۷ میلیون تن
(کاهش ۲.۹ درصدی نسبت به ماه قبل)

صادرات (بدون نفت خام) ۱۰.۱ میلیون تن
(کاهش ۱.۱ درصدی نسبت به ماه قبل)

واردات ۲.۶ میلیون تن
(کاهش ۲۰.۸ درصدی نسبت به ماه قبل)

روند ماهانه مقدار تجارت کالای بدون نفت خام - میلیون تن





صادرات ۱۱۰ میلیون دلاری پسته در پنج ماهه اول امسال

در پنج ماهه نخست امسال، نزدیک به ۱۶ هزار تن انواع پسته به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار به ۴۴ کشور صادر شد که ۲۳ درصد آن به مقصد روسیه بوده است.

به گزارش توس اکو، سید روح اله لطیفی، سرپرست اداره کل دفتر مطالعه، پایش و تجارت خارجی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران اظهار داشت: از ابتدای سال تا پایان مرداد ماه ۱۵ هزار و ۹۸۱ تن انواع پسته به ارزش ۱۰۹ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۱۷۷ دلار صادر شد که نسبت به مدت مشابه بارشده ۶ درصدی در وزن و کاهش یک درصدی در ارزش همراه بوده است.

وی افزود: این پسته ها شامل ۱۲ هزار و ۵۹۰ تن پسته با پوست به ارزش ۷۱ میلیون و ۶۶۴ هزار و ۲۱۷ دلار، سه هزار و ۳۲۳ تن پسته بدون پوست به ارزش ۳۷ میلیون و ۳۰۶ هزار و ۱۷۹ دلار و سایر پسته ها به وزن ۶۸.۵ تن به ارزش ۷۴۴ هزار دلار بوده است.

لطیفی در خصوص مقاصد صادراتی محصول پسته گفت:

روسیه با خرید سه هزار و ۷۳۳ تن به ارزش ۲۵ میلیون دلار و سهم ۲۳ درصدی مقصد نخست، آلمان با خرید ۱۱.۲ میلیون دلار، امارات با ۱۱ میلیون دلار، قرقیزستان با ۸.۵ میلیون دلار و چین با ۷.۵ میلیون دلار در رتبه های دوم تا پنجم خرید پسته ایرانی در پنج ماه نخست بودند.

وی افزود: کشورهای هند، عراق، ازبکستان، تاجیکستان، اسپانیا، پاکستان، افغانستان، کانادا، لبنان، ایتالیا، ترکیه، هنگ کنگ، قزاقستان، کویت، قطر، سنگاپور، سوریه، مالزی، انگلستان، ترکمنستان، اوکراین، استرالیا، بلژیک، ژاپن، عمان، اردن، فرانسه، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، یونان، صربستان، سوئیس، تایلند، مولداوی، مقدونیه، هلند، تایوان و بحرین به ترتیب در جایگاه ششم تا چهل و چهارم مقاصد صادرات پسته ایران قرار دارد.

فعالان معدنی استان از فرصت‌ها و چالش‌های این بخش گفتند

تأمین ماشین‌آلات، شرط رونق معادن

اهمیت بخش معدن در توسعه اقتصادی استان سبب شد تا شهرآرا با حضور غلامرضا نازپرور رئیس خانه معدن خراسان رضوی و رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی استان، حسین عباس‌نیا پژوهشگر حوزه زمین‌شناسی، آریوبرزن مافی نایب‌رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی استان و محمد ساقی نماینده انجمن تولیدکنندگان کانی‌های فلزی، میزگردی را برگزار کند و مهم‌ترین راهکارهای توسعه بخش معدن را از آن‌ها جویا شود.

افزایش حقوق دولتی

رئیس خانه معدن خراسان رضوی در این میزگرد، بیش از همه متمرکز بر پیگیری مسئله حقوق دولتی و تحمیل بار سنگینی بود که بر دوش معدن‌کاران افتاده است. نازپرور تأکید داشت که اگر هم افزایش حقوق دولتی پذیرفتنی باشد، خدمات متقابل دولت به معدن‌کاران همچنان بسیار محدود است.

وی گفت: در سال ۱۴۰۱، حقوق دولتی ۶ برابر افزایش پیدا کرد و امسال هم این رقم دوباره با افزایش دوبرابری روبه‌رو شد؛ تاحدی که درآمد دولت از حقوق معدنی را از ۴۰ همت به ۸۰ همت افزایش داد. با این حال، در مقابل این افزایش حقوق دولتی، خدمات قابل‌ارائه به معدن‌کاران افزایش پیدا نکرده است و مثلاً همچنان واردات ماشین‌آلات با محدودیت‌های بسیاری روبه‌روست. البته فرایند واردات خیلی بهتر شده است اما هنوز هم کاستی‌هایی وجود دارد و به‌طور مثال، برای معادنی که تا ۹۰ هزار تن برداشت سالانه دارند، واردات ماشین‌آلات محدود به یک دستگاه است و برای معادن بزرگ‌تر، سقف واردات تا دو دستگاه لحاظ شده است که اصلاً منطقی نیست. وی تأکید کرد: دولت برای رشد تولید در بخش معدن باید مجوز ورود ماشین‌آلات مورد نیاز معدن‌کاران را صادر کند. شرکت‌هایی که تولیدکننده ماشین‌آلات معدنی کشور است، در یک سال گذشته نتوانسته به اندازه نیاز این بخش ماشین‌آلات تولید کند. نیازمند اصلاح قوانین و ورود ماشین‌آلات معدنی به کشور هستیم. یک معدن کار چگونه بدون ماشین‌آلات مورد نیاز فعالیت کند؟ این تجهیزات، کالای تجملاتی نیست که از وارداتش جلوگیری شود یا با شرایط بسیار خاص و سختی وارد شود؛ بلکه نیاز معدن کشور برای ادامه فعالیت است.

خام‌فروشی، خوب یا بد؟

به گفته رئیس خانه معدن استان، ظرفیت خراسان رضوی در حوزه معدن به قدری است

رونق حوزه معدن از جمله زمینه‌هایی است که می‌تواند دولت را به دل‌کندن از نفت تشویق کند. معدن به‌عنوان یک صنعت مادر و عامل تغذیه بیش از ۸۰ حوزه صنعتی دیگر می‌تواند چرخ تولید ملی را سریع‌تر بچرخاند. در این شرایط، خراسان رضوی با فعالیت حدود هزار معدن، بیش از ۷ درصد تولید ناخالص ملی را در این بخش به خود اختصاص داده است که بنا به تصریح معدن‌کاران استان، می‌توان از این حد نیز فراتر رفت. خراسان رضوی استانی معدن‌خیز است و معادن جزو مزیت‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه به شمار می‌رود. سنگ‌آهن با ۵۹ معدن، آهک و آلوویوم آهکی با ۴۴ معدن، سنگ تزئینی و نما با ۲۴۳ معدن، کرومیت با ۷۱ معدن، مس با ۵۲ معدن، گچ با ۵۱ معدن، طلا با هشت معدن، منگنز با ۳۶ معدن و سیلیس با ۲۷ معدن جزو مهم‌ترین معادن استان هستند که ذخیره قطعی برخی از آن‌ها به بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن می‌رسد. با این حال فعالان بخش معدن می‌گویند که وجود برخی مشکلات مانند تأمین ماشین‌آلات، افزایش حقوق دولتی و ناهماهنگی دستگاه‌های متولی سبب شده است تا بخش معدن، آن‌گونه که باید نتواند ظرفیت‌هایش را عملی کند.



این را نمی‌خواهیم و فقط همین که از نظر سازوکارهای اداری، تسهیلگری صورت بگیرد تا مزاحمتی برای معدن‌کاران نباشد، کافی است.

عباس‌نیا بیان کرد: در همین راستاست که می‌گوییم دولت باید تکلیف خود را روشن کند. در کشور ۶ هزار معدن فعال داریم که نیاز فنی آن‌ها روشن است. حالا اینکه شرکت‌های تولیدکننده ماشین‌آلات بخواهند به دلیل کاستی‌های فنی خود، اجازه واردات ماشین‌آلات را ندهند و اصل کار معدن در کشور را با مشکل روبه‌رو کنند، از اساس پذیرفتنی نیست. وی افزود: به‌طور مثال، کارخانه هپکو در سال گذشته بالغ بر ۳۰۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین تولید کرده است که از این میان، فقط ۱۵۰ دستگاه غلتک مخصوص راه‌سازی و کشاورزی بوده است. کدام معدن به این حجم غلتک نیاز دارد؟ در معدن خود نیازمند دام‌تراک ۱۲۰ تنی و بیل مکانیکی سنگین هستیم اما در این شرایط، دولت به‌جای اینکه تولیدکنندگان ماشین‌آلات را توجیه کند تا نیاز معدن‌کاران تأمین شود یا حداقل واردات آزاد باشد، معدن‌کار را برای واردات دستگاه‌های فنی تحت فشار قرار می‌دهد. این همان انحصاری است که در خودروسازی وجود دارد و همان اشتباه، در حوزه معدن هم تکرار می‌شود.

ضرورت تدوین سند جامع معادن

نایب‌رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی استان در این میزگرد با گلایه از نبود یک چشم‌انداز بلندمدت یا سند جامع برای حوزه معدن در کشور گفت: در کشورهای معدن‌خیز مثل استرالیا یا کانادا، کسب مجوز معدن‌کاری توسط کارگروهی انجام می‌شود که اداره محیط‌زیست هم عضوی از آن است زیرا به هر ترتیب، معدن‌کاری منجر به تخریب بافت گیاهی و پوشش حیوانی در یک منطقه خواهد شد؛ بنابراین همه جوانب از ابتدا سنجیده می‌شود اما در کشور ما به دلیل فعالیت جزیره‌ای سازمان‌ها، گاهی اوقات یک اداره مجوز معدن‌کاری را صادر می‌کند و معدن هم برپا می‌شود اما پس از چندی، یک اداره دیگر بنا به دلایل مختلف، معدن را پلمب می‌کند تا سرمایه‌گذاری عظیم یک معدن‌دار گرفتار مسائل حقوقی شود.

مافی تصریح کرد: در حوزه معدن نقشه‌راه به معنای ملموس و عملی وجود ندارد و به همین دلیل، از تغییر نیاز بازار جهانی گرفته تا افت و خیز قیمت ارز و سایر مسائل میدانی، هیچ عاملی منجر به تغییر سیاست‌های معدن‌کاری نمی‌شود. اینکه در کشور ما ارزش ریال با دلار تفاوت دارد، موضوعی است که می‌تواند در معدن به نفع اقتصاد کشور باشد، همان‌طور که در چین شاهد چنین موضوعی هستیم زیرا فعالیت در این حوزه با ارز ملی انجام می‌شود اما محصول آن به دلار مبادله خواهد شد. با این حال، نبود یک برنامه بلندمدت در صنایع فراوری و نقص در آمایش سرزمینی، سبب شده است تا یک‌زمان در فعالیت معدن بی‌نهایت سخت‌گیری شود و زمانی دیگر، برای برخی محصولات معدنی نظیر مس یا سیسمان مجوز برداشت و تولید نامحدود صادر کنند.

که هم از نظر غنای معادن و هم تنوع مواد معدنی، طبق آخرین آمار رسمی از ۸۱ نوع ماده معدنی کشف شده در کشور، ۵۳ نوع در خراسان رضوی وجود دارد. وی بیان کرد: مسئله خام‌فروشی موضوعی است که باید به‌دقت به آن توجه شود. امروزه نمی‌توان در حوزه فراورده‌های معدنی با یک نگاه بسته، همه محصولات راماده اولیه بدانیم که براساس قانون منع خام‌فروشی، صادراتش ممنوع قلمداد شود. مثلاً در معدن سنگ، وقتی معدن‌کار بدون انفجار عمل می‌کند و محصولش را در قالب قطعات برش خورده و آماده مصرف به صنعتگر ارائه می‌دهد، دیگر نمی‌توان این محصول را یک ماده خام دانست بلکه این یک ماده نیمه‌فراوری شده است و حتی می‌تواند در بازارهای صادراتی به همین شکل عرضه شود.

نازپرور بیان کرد: این یک مسئله مهم است که شما به سهم بازار توجه کنید. نمی‌توان به بهانه خام‌فروشی از اساس با هرگونه صادرات محصولات معدنی مخالفت کرد زیرا به‌طور مثال، اگر امروزه شرکت مس ایران با وجود نیاز کشور به شمش، مفتول و کاتد، سالانه ۳۰۰ هزار تن کنسانتره مس صادر می‌کند به این دلیل است که می‌خواهد سهم خود را در بازارهای جهانی حفظ کند. فراتر از کشور ما نیز این موضوع وجود دارد و اگر امروزه استرالیایی‌ها بخش اصلی نیاز صنایع چین به مواد معدنی را تأمین می‌کنند، به این دلیل است که قرار نیست در کشور همه چیز فراوری شود و این امر باید براساس نیاز صنعت داخلی باشد.

ماشین‌آلات، حلقه گمشده معدن‌کاری

در ادامه این نشست، یک پژوهشگر حوزه زمین‌شناسی که خود سابقه طولانی در امور معدنی دارد، به تشریح ضرورت حمایت از بخش خصوصی فعال در حوزه معدن پرداخت و گفت: همه به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که وقتی دولت بخواهد از بخش معدن حمایت کند، بدیهی است که نمی‌تواند این مسئله را به‌صورت کمک نقدی انجام دهد. ما هم



فراوری، به ازای هر فرصت شغلی بیش از یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان سرمایه گذاری نیاز است؛ بنابراین اگر در یک واحد شاهد فعالیت ۱۰۰ کارگر هستیم، این به معنای سرمایه گذاری ۱۷۵ میلیارد تومانی معدن کار است.

آن طور که او حدی تأکید داشت، امنیت سرمایه گذاری و تمایل بخش خصوصی به حوزه معدن، منوط به تعریف استانداردهایی است که حمایت از سرمایه گذار را اولویت خود بداند. وی ادامه داد: در سال گذشته، بیش از ۳۰ درصد ظرفیت واحدهای معدنی به دلیل قطعی برق از بین رفت و در این شرایط، وقتی نمی توان پیش نیازهای اصلی کار تولیدی را تأمین کرد، قطعاً فکر کردن به افق های توسعه حوزه معدن دور از ذهن خواهد بود. وی با اشاره به غنی بودن خراسان رضوی از نظر منابع معدنی و تنوع محصولات معدنی در این خطه، اظهار داشت: اگر مسائل این بخش در این استان به درستی بررسی شود و بر تبدیل مواد معدنی خام به محصولات نیمه ساخته تمرکز شود، قطعاً آثار این موضوع به نفع اقتصاد استان خواهد بود.

معارضان محلی، بلای جان معدن کاران

پرداختن به ضرورت های تفسیر یا تنقیح قوانین فراسازمانی در حوزه معدن، محور سخنان نماینده انجمن تولیدکنندگان کانی های فلزی در این میزگرد بود. ساقی بیان کرد: در بسیاری از موقعیت ها ما دچار تفسیر قوانین هستیم که برای معدن کار مشکل ساز می شود؛ بنابراین اگر دولت به میدان بیاید و مفادی از قانون را که مانع بخش تولید است، بازبینی کند، می توان به تحول حوزه معدن امیدوار بود.

وی همچنین از وجود معارضان محلی فراوانی خبر داد که به یکی از معضلات بزرگ معدن کاران تبدیل شده اند. ساقی ادامه داد: این طیف از ادارات محلی گرفته تا افراد حقوقی خاص را شامل می شود و البته که طبق قانون، مشخص شده است باید با این معارضان چطور رفتار شود و حتی اگر در زمین موروثی یک نفر ماده معدنی کشف شود، طبق نص ماده ۱۹ قانون معادن، باید در اختیار معدن کار قرار بگیرد اما با این حال، مشکل اصلی این است که قانون به درستی اجرا نمی شود. به گفته این فعال حوزه معدن، موضع گیری های غیر تخصصی قضات در اقصی نقاط استان هم کار را برای بخش خصوصی دشوارتر کرده است و در این باره از خانه معدن ایران گرفته تا کمیسیون معدن و البته کارگروه های آموزشی دستگاه قضا، می توانند ایفای نقش کنند؛ به این معنا که قضات در شهرستان های مختلف از آموزش های تخصصی در حوزه معدن بهره مند شوند تا بتوانند نگاه دقیق تر و فنی تری به این عرصه داشته باشند.

این فعال حوزه معدن با بیان اینکه از هزار معدن خراسان رضوی فقط یکی از آنها دولتی است، گفت: ۹۳ درصد حقوق دولتی معادن استان توسط همین یک شرکت پرداخت می شود که اگر چه نشان از پویایی این ابر شرکت دولتی دارد اما به موازات این، ثابت می کند که فعالیت سایر شرکت های بخش خصوصی به قدری محدود است که گاهی صورت حساب سالیانه آنها از زیان ده بودنشان حکایت دارد.

وی افزود: موضوع انتخاب واحد نمونه معدنی استان هم یکی دیگر از مسائل بلا تکلیف ماست زیرا این سؤال همچنان بی پاسخ مانده است که وقتی یک معدن به عنوان واحد نمونه انتخاب شد، این نمونه بودن قرار است چه مزیتی برایش داشته باشد. آیا در حق دولتی یا مالیاتش تخفیف داده خواهد شد یا فقط این موضوع، محدود به یک جشن فرمایشی است؟ این ها همه از جمله بسترهایی است که می توان از آن استفاده کرد اما همچنان مورد بی توجهی قرار دارد.

بهترین فرصت برای اشتغال زایی

علی اوحدی، دیگر فعال حوزه معدن، نیز در این نشست تخصصی به فرصت های شغلی این بخش اشاره و تصریح کرد که ۹۳ درصد اشتغال حوزه معدن در شرکت های خصوصی انجام می شود. وی افزود: مسئله اشتغال زایی باید بیش از این ها مورد توجه قرار بگیرد زیرا امروزه در استان برای احداث واحدهای

DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه فوجان
صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۴۵۶۶
تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)
فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۳۱۴
دفتر تهران: تلفن: (۰۲۱)۸۸۷۷۴۲۵۵
۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰
فاکس: (۰۲۱)۸۸۷۹۵۲۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب در شهید
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران